

* گزارشی از هفتاد و یکمین
کنفرانس بین‌المجالس در ژنو
و قطعنامه‌ی این کنفرانس درباره‌ی
جنگ ایران و عراق

* نامه‌ی مسئول شورای ملی مقاومت
به رئیس‌بین‌المجالس

در صفحه‌ی ۳



سال نهم - جمعه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۳ - شماره ۱۰۰۰ ریال (خارج از کشور معادل یک دلار)

توجه:

از آنجا که پاره‌ای مطالب ضروری
این شماره‌ی نشریه، بعد از اتمام
صفحه‌بندی و آماده شدن برای چاپ،
بدست ما رسید، با عرض پوزش،
شماره‌ی حاضر با یکروز تاخیر یعنی
در تاریخ جمعه ۲۴/فروردین (بجای
پنجشنبه) منتشر میگردد.

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته‌ی تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۱)

* هسته‌های مقاومت مردمی در سراسر
کشور با توان و تحرک انقلابی هرچه بیشتر به
فعالیت پرداخته و جنب و جوش فوق‌العاده‌ای
در میان مردم ایجاد نمودند. گستردگی کار
هسته‌ها و همچنین ارتباط فعال هواداران سازمان
با رادیو "صدای مجاهد" و دریافت پیام‌های
مسئول شورا و... باعث اجتماعی‌تر شدن
هرچه بیشتر رهنمود "تحریم انتخابات" در
این چند روز گردیده است. در صفحه‌ی ۴

میلااد خجسته نخستین پیشوای تشیع انقلابی حضرت علی (ع) گرامی باد

بیست و ششم فروردین برابر با ۱۳ رجب،
سالروز خجسته میلاد پیشوای کبیر تشیع انقلابی
مولای منقیان علی (ع) است.

علی (ع) الگو و سمبل والای "یکانگی" و
"اسلام انقلابی" است. او تجسم راستین یک
موحد انقلابی و طراز مکتب است که در ایدئولوژی
حل شده و با آن ترکیب واحدی را تشکیل داده
است؛ بنحوی که می‌توان از او و عمل و راه و
روشش دقیقاً به جوهر ایدئولوژی اسلام راه برد.
درست در این نقطه است که علی (ع) در ادامه‌ی
راه پیشوایان توحیدی و مبشران بزرگ‌رهای نوع
انسان، الهام بخش تمامی مبارزات و مجاهدت‌های
درخشان آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌ی
می‌گردد که در مسیر رستگاری و تعالی انسان و
بقیه در صفحه‌ی ۲۷

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

۲۱/ فروردین / ۱۳۶۳

از آنجا که پس از اطلاعیه‌ی مورخ ۴ فروردین شورای ملی
مقاومت در باره‌ی خاتمه دادن به همکاری این شورا با آقای
بنی‌صدر، باره‌ی روزنامه‌ها و خبرگزاریها به پخش تفسیرها و
اظهاری نظریه‌هایی دست زده‌اند که ممکن است در مورد سیاست‌ها و
جهت‌گیری‌های شورا القاء شبهه کند، شورای ملی مقاومت لازم
میداند مراتب زیر را به آگاهی عموم برساند:

۱ - شورای ملی مقاومت، کماکان رژیم خونخوار و ضدانسانی
خمینی را در تمامیت خود نفی می‌کند و امکان استحاله‌ی رژیم
در جهت بسط نسبی آزادیها را تصور باطلی میدانند که برای
شکستن روحیه‌ی مقاومت و دلسرد کردن نیروهای مقاوم و رزمنده‌ی
مردمی اختراع شده است و تبلیغ می‌شود. شورای ملی مقاومت
همچون گذشته بر آنست که سرنگونی رژیم حاکم اساساً از طریق
مبارزه‌ی قهرآمیز میسر است و در جو اختناق بی‌سابقه‌ی کنونی،
تخطئه‌ی این مقاومت عادلانه به هر عنوان و بهانه‌ای که باشد،
بقیه در صفحه‌ی ۲۷

قطعنامه کنگره سالانه حزب لیبرال ایتالیا در محکومیت جنگ طلبی و جنایات رژیم خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت

* کنگره... بویژه از طرح صلحی که توسط رئیس
شورای ملی مقاومت ایران آقای مسعود رجوی در ماه
مارس ۱۹۸۳ اعلام گردید و تا بحال بسیاری از مجامع
بین‌المللی از آن حمایت کرده‌اند و اخیراً نیز پارلمان اروپا
طرحی مشابه را به تصویب رسانده، حمایت می‌نماید.
در صفحه‌ی ۷

زندان و زندانی

سلسله خاطرات
گزارشات و نوشته‌هایی
از زندان‌ها
و شکنجه‌گاه‌های

رژیم ضد بشری خمینی

گزارش اول
(قسمت یازدهم - آخرین قسمت)

در صفحه‌ی ۱۱

یاد ۵۴ شهید مجاهد خلق

از کاندیداهای اولین دوره فعالیت‌های انتخاباتی مجلس گرامی باد

* بی‌تردید نام این قهرمانان دلیر مجاهد خلق،
به مثابه‌ی نمایندگان واقعی مردم و سمبل‌های وفاداری
به خلق و استواری و پیاپی‌مردی در دفاع از استقلال و آزادی
میهن و ورهائی و بهر روزی توده‌های مردم برای همیشه در
تاریخ میهنمان جاودان خواهد ماند.

(در صفحات ۱۳ تا ۱۶)

گسترش

حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

* پیام شاذلی کلیبی دبیرکل اتحادیه عرب

به برادر مجاهد مسعود رجوی

* گزارشاتی از: سوئد، هند و...

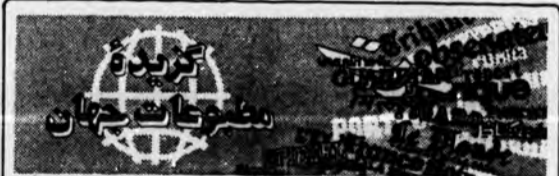
در صفحه‌ی ۶

سرکوب روستائیان مهاجر

تنه‌راه حل رژیم ضد خلقی خمینی برای مقابله با مهاجرت روزافزون روستائیان محروم به شهرها!!

* رژیم ضد بشری خمینی "مهاجرت
روستائیان" به شهرها را خطری برای موجودیت
متزلزل خود می‌بیند و از همین زاویه چون بنا بر
ماهیت ضد خلقی اش، خود عامل اصلی انهدام
تولید و فلاکت روستائیان بوده، لذا به اعتبار
همین ماهیت نیز هیچ چاره‌ای در آستین، جز
سرکوب آنها ندارد.

در صفحه‌ی ۱۲



* فصل نامه "واشنگتن کوارترلی":
ایران، آیت‌الله و مایلات آمریکا
(راه حل‌های آمریکا)

* نشریه "بیزینس انترنشنال":
خلاصه‌ای از: دورنمای سیاسی ایران

* نشریه "پست":
مسئله مرگ و زندگی

(در صفحات ۱۰ و ۱۹)

دیدار لرد ویلیام مالوی با برادر مجاهد مسعود رجوی

بقیه از صفحه‌ی آخر

لرد مالوی در آغاز گفتگوهای خود با برادر مجاهد مسعود رجوی از مبارزات عادلانه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران برای صلح و آزادی تجلیل نمود و تصریح کرد: "خمینی نه فقط دشمن مردم ایران، بلکه دشمن تمامی بشریت و مردم جهان است. تا وقتی ستمگری خمینی در کشور شما ادامه دارد و تا وقتی که هموطنان شما و خانواده‌های شما در کشورتان اسیر حقیقت و شکنجه اند، هیچ انسان آزاده‌ای در کشور ما نیز نمیتواند و نباید آرام بگیرد. من میدانم که بر سر خانواده‌های شما و مبارزین شما در داخل کشورتان چه آمده است...

در اثر کثرت جنایات رژیم حاکم در تهران و بر اثر گسترش داخلی و بین‌المللی مبارزات شماست که انبوه مردمان عادی انگلستان نیز از مقاومت مردم ایران حمایت می‌کنند. از وقتی که من در جریان گشتارها و شکنجه‌های رژیم خمینی بر شما و ملت شما روا میدارد، قرار گرفته‌ام، دچار این احساس شده‌ام که تا آزادی کامل مردم ایران بدست نیاید، آزادی من در بریتانیا نیز کامل نیست. من البته یک سوسیالیست و طرفدار آرامش هستم، ولی نه آرامش مطلق. از این رو مبارزه و مقاومت شما در برابر رژیمی که بر سر شما و اجتناب ناپذیر است. به مردم ایران بگوئید که مردم عادی گوچه و بازار بریتانیا نیز مجبور بودند برای بدست آوردن آزادی و حقوق خود به مقاومت برخیزند و بجنگند. ما تا انتخابات عمومی سال ۱۹۲۸ در بریتانیا دمکراسی کامل بدست نیاورده بودیم و این تاریخی است که در آن مبارزات سازمانهای طبقه کارگر انگلیس، به حصول آن آزادیها انجامید. از اینرو اجازه دهید سخنانم برای مردم ایران تسلی‌بخش و دلگرم کننده نیز باشد. پیام من اینست که ما مطمئن هستیم مردم ایران خود را از شر این رژیم پلید رها خواهند ساخت و روزی خواهد رسید که مشعل آزادی برافروخته شود. آرزوی دور نیست و امیدوارم در چنان روزی منم این فرصت را داشته باشم که به همراه شما و همه دوستداران صلح و آزادی در تهران باشم و امیدوارم آن مشعل را در زمانی

که هنوز در قید حیات هستم، برافروخته ببینم. ما در بریتانیا میدانیم که در کشور شما ایران دهها هزار تن جان خود را در دفاع از آزادی از دست داده‌اند و من به عنوان کسی که سالیان دراز از مبارزه‌ی ملت شما بر علیه شاه و خمینی حمایت نموده و خواستار صلح و آزادی و دمکراسی در ایران بوده است، گرمترین دروهای خود را از طریق شما به همه مبارزین ایرانی و بویژه به خانواده‌های شهدای مجاهدین تقدیم میکنم. بگذارید همه آنها بدانند که هزاران فرسنگ دور از کشورشان گسانی همچون من، اندوه عمیق و نگرانی قلبی آنها را درک میکنند و از اینکه با برجسته‌ترین نمایندگان آنها در اینجا رابطه دارند، بخود میبالند. امیدوارم خداوند روزی را که همه مردم ایران بتوانند در کنار یکدیگر در ایرانی آزاد و دمکراتیک زندگی کنند، برساند."

متقابلاً برادر مجاهد مسعود رجوی به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت و همچنین از سوی مجاهدین خلق ایران، تشکرات مقاومت ایران را از تلاشهای صمیمانه‌ی لرد مالوی و از همه نمایندگان مجالس اعیان و عوام انگلیس که از صلح و آزادی برای ایران حمایت کرده‌اند، تقدیم نمود. وی افزود: "مردم ایران، شورای ملی مقاومت ایران و مجاهدین خلق ایران هرگز این ایام را که در ردیف سیاه‌ترین مراحل تاریخ ایران است، از یاد نبرده و نخواهند برد. بخصوص خاطره‌ی شخصیتها و گسانی همچون خود شما که با همه تلاش و با قلبتان از مقاومت عادلانه‌ی ما حمایت کرده‌اید؛ پیوسته بیاد خواهد ماند. نامه‌ی حمایت و همبستگی شما یکی از نخستین پیام‌هایی بود که من در بدو ورود به پاریس و در همان نخستین ماههای آغاز مقاومت سراسری دریافت کردم. شما با تجسم مشعل برافروخته‌ی آزادی در ایران، در حقیقت نخستین آرزوی تمام مردم و نیروها و شخصیتهای مبارز ایرانی را بیان نمودید. پس ما نیز دقیقاً در آرزوی همان روزی هستیم که بتوانیم پرچم صلح و آزادی را در داخل میهنمان برافرازیم؛ روزی که در آنروز، مقدم دوستانمان را نیز گرامی خواهیم داشت و شما خواهید دید که همه شهرها و خانه‌های ایران با آغوش باز دوستانی را که در سراسر جهان از صلح و آزادی

برای ملت ایران دفاع کرده‌اند، استقبال خواهند نمود..."

آنگاه طرفین به ارزیابی نتایج کار کنفرانس بین‌المجالس پرداخته و راجع به اوضاع منطقه، وضعیت رژیم خمینی و مقاومت ایران و همچنین روابط تجاری رژیم خمینی با انگلستان گفتگو کردند.

در این دیدار مسئول شورای ملی مقاومت از تلاشهای لرد مالوی و دوستان او در رابطه با وضعیت پناهندگان ایرانی در انگلستان و بویژه دانشجویان تشکر نمود و تاکید کرد که برای مقاومت و شورای ملی مقاومت ایران مسئله‌ی اساسی این نیست که این یا آن هموطن ایرانی به کدام گروه سیاسی تعلق دارد، بلکه ما قویا خواستار آن هستیم که هموطنانمان در هر کجا که هستند، اکنون که اغلب به نحوی اجتناب ناپذیر بخاطر ستم و سرکوب خمینی ناگزیر از مهاجرت و پناهندگی شده‌اند، با اشکالات اداری و قانونی مختلف بر خورد ننمایند. بنابراین توجه به وضع پناهندگان ایرانی، پیوسته نخستین درخواست حقیقی ما بوده و خواهد بود.

لرد مالوی قول داد که بازم این مطلب را در پارلمان بریتانیا پیگیری خواهد نمود و تلاش خواهد کرد با سایر دوستانی که در داخل و یا خارج حزب کارگر از صلح و آزادی و مقاومت ایران حمایت می‌کنند، تماس بگیرد تا مشترکاً بنیاد یک کمیته مشترک بریتانیایی و مقاومت ایران ریخته شود.

در خاتمه، لرد مالوی که خود از برجسته‌ترین رزمندگان مقاومت ضد فاشیستی انگلستان در جنگ جهانی دوم بوده و هم‌اکنون ۶۵ سال دارد، همچنین افزود که: "... اکنون دیگر من برای جنگ، مدال نمی‌خواهم؛ بلکه برای صلح می‌خواهم. زیرا من یک سوسیالیست هستم. اما به اعتقاد من بایستی به آنهایی که هنوز مجبورند در کشورشان برای آزادی بجنگند و در عین حال همچون رزمندگان شما (شورای ملی مقاومت و مجاهدین) برای برقراری صلح در رابطه با جنگ ایران و عراق تلاش کنند، مدال داد. زیرا شما ثابت کرده‌اید که می‌توانید علیرغم اینهمه خون ریزی در جنگ ایران و عراق، به یک صلح عادلانه دست یابید..."

لازم به یادآوری است که حزب کارگر انگلستان دومین

نامه لرد ویلیام مالوی به برادر مجاهد مسعود رجوی

لرد مالوی پس از دیدار و گفتگو با مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، متعاقباً یادداشت زیر را ارسال داشته است.

۸/آوریل/۱۹۸۴

دوست گرامی مسعود رجوی،

روز ۸/آوریل/۱۹۸۴، روزیکه با شما آشنائی پیدا کردم، در زندگی من روز بزرگی خواهد بود، چرا که این آشنائی به من اجازه داد تا بتوانم خود را به تلاش در راه کمک به فعالیتهای عظیم شما در سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت متعهد سازم. به اعتقاد من برای این سازمان و این شورا جای سرفرازی است که مسئولی در رده‌ی شما داشته باشد. من از تلاشهای ارجمند شما در مسیر رهائی ایران از چنگ پلیدیهای که امروز کشورتان به آن گرفتار آمده است، حمایت می‌کنم. ما با تمام توان خواهیم کوشید تا فرا رسیدن روز بازگشت آزادانه و پیرومندان‌های شما به میهنتان هرچه بیشتر تسریع شود، باشد که بتوانید قلبها و ضمیر همه مردم کشورتان را با فروغ آزادی روشن سازید.

باشد که لطف خداوند در کوششهای انسانی شما در راستای بازگرداندن صلح و آرامش به میهن غمزه‌تان ایران، با شما باشد.

با احترام
(لرد) ویلیام مالوی از ایلینگ

حزب پر قدرت این کشور است که در اقبال و اتحادیه‌های کارگری این کشور نفوذ عمده دارد. این حزب تاکنون در دوره‌ی محاصر چندین بار دولت را تشکیل داده است.

در آخرین انتخابات عمومی انگلیس (ژوئن ۱۹۸۲) از مجموع ۶۵۰ کرسی مجلس عوام تعداد ۲۰۹ کرسی به حزب کارگر تعلق گرفت که معادل ۲۸٪ آراء یعنی بیش از ۸/۵ میلیون رأی میباشد. از تعداد ۷۷ نماینده‌ی بریتانیایی پارلمان اروپا ۱۷ تن وابسته به حزب کارگر و همگی اعضای گروه سوسیالیست پارلمان اروپا می‌باشند. مجلس اعیان انگلستان حدود ۱۵۰۰ عضو دارد که تقریباً ۲۰۰ نفر از حزب کارگر می‌باشند. این حزب نخستین حزبی بود که در انگلستان علناً بر علیه جنایات خمینی موضعگیری نموده و رسماً از تنها آلترناتیو دموکراتیک برای ایران پس از خمینی یعنی شورای ملی مقاومت، حمایت نمود. تعداد قابل توجهی از نمایندگان این حزب در پارلمان بطور جداگانه نیز طی نامه‌هایی که در گذشته برای برادر مجاهد مسعود رجوی ارسال داشته‌اند، از صلح و آزادی برای ایران و همچنین از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران حمایت کرده‌اند. برخی از اقدامات حزب کارگر در رابطه با مسائل ایران بقرار زیر است:

- ۱ - تصویب قطعنامه‌ی محکومیت رژیم خمینی در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران توسط کمیته‌ی اجرائی حزب در دسامبر ۱۹۸۱
- ۲ - تصویب قطعنامه‌ی حمایت از شورای ملی مقاومت و اعلام آن به برادر مجاهد مسعود رجوی توسط کمیته‌ی اجرائی حزب در مارس ۱۹۸۲
- ۳ - تصویب قطعنامه‌ی حمایت از دانشجویان ایرانی و عدم اخراج آنها از انگلستان توسط کمیته‌ی اجرائی حزب در مارس ۱۹۸۲
- ۴ - دعوت کمیته‌ی خاور-میانه از نمایندگان شورای ملی مقاومت جهت آشنائی و تبادل-نظر در ماه می ۱۹۸۲
- ۵ - حمایت حزب کارگر از تظاهرات ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۱ و سخنرانی رئیس کمیته‌ی بین‌المللی حزب به نمایندگی از طرف حزب کارگر.
- ۶ - نامه‌ی رسمی رهبر حزب، مایکل فوت به برادر مجاهد مسعود رجوی و اعلام حمایت از مقاومت مردم ایران و شورای ملی مقاومت.
- ۷ - دعوت دبیرکل حزب، جی - ای - مورنیمر، از نمایندگان شورای ملی مقاومت جهت شرکت در کنفرانس سالیانه‌ی حزب در سپتامبر ۸۲ و شرکت چند تن از رهبران برجسته‌ی حزبی نظیر

۱۴ تا ۲۳) در مورد جنگ ایران و عراق می باشد.

گزارشی از هفتاد و یکمین کنفرانس بین‌المجالس در ژنو

و قطعنامه این کنفرانس درباره جنگ ایران و عراق

اتحادیه بین‌المجالس

اتحادیه بین‌المجالس در سال ۱۸۸۹، به منظور میانجیگری بین‌المللی تاسیس شد و به این جهت تصمیم گرفته شد تا کنفرانس بین‌المجالس بصورت دوره‌ای برگزار گردد.

هدف اتحادیه بین‌المجالس بنابر اساسنامه‌ی آن، عبارت از متحد کردن اعضای پارلمان‌ها در عمل مشترک و برای شرکت دادن دولت‌هایشان در پیشبرد صلح بین‌المللی و حمایت از اهداف سازمان ملل متحد می‌باشد. کار اتحادیه هم بر این مبنا، فعالیت برای صلح و تقویت نهادهای پارلمانی است.

اتحادیه بین‌المجالس تنها ارکان بین‌المللی پارلمان‌هاست و عضو مشورتی درجه‌ی یک شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد می‌باشد. همچنین اتحادیه بین‌المجالس رابطه‌ی نزدیکی با یونسکو، یونیسف، سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار (ILO) و سایر ارگان‌های رسمی سازمان ملل دارد. تاکنون ۱۰۱ کشور به عضویت اتحادیه بین‌المجالس درآمده‌اند. کنفرانس بین‌المجالس در هر سال دو بار تشکیل می‌شود و از پارلمان هر کشور ۸ نماینده در آن شرکت می‌کنند، ولی آراء نمایندگان به نسبت جمعیت کشورشان محاسبه می‌شود.

هفتاد و یکمین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس با شرکت بیش از ۷۰۰ نفر از رؤسا و نمایندگان پارلمان‌های بیش از ۹۸ کشور جهان از ۲ تا ۷ آوریل (۱۳ تا ۱۸ فروردین) در ژنو برگزار گردید.

برمبنای اساسنامه‌ی جدید "اتحادیه بین‌المجالس" برنامه‌ی کار کنفرانس حول سه محور زیر تنظیم گردیده بود: ۱- محدود کردن مسابقه‌ی تسلیحاتی ۲- کنترل افزایش جمعیت ۳- تبادل نظر در مورد وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان.

هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در اجلاس نیز می‌توانند یک محور دیگر به برنامه‌ی کار اجلاس اضافه کنند که در این اجلاس، مسئله‌ی افزایش خطرات تهدیدکننده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه‌ی خاورمیانه در دستور کار قرار گرفت که به جنگ ایران و عراق و نیز مسئله‌ی فلسطین اختصاص یافت.

پیشنهاد قطعنامه‌ی مربوط به جنگ ایران و عراق، توسط گروه کشورهای عرب به کنفرانس ارائه شد و با قید فوریت برای طرح در کنفرانس به رأی‌گیری گذاشته شد که با ۶۳۰ رأی موافق، فوریت طرح این قطعنامه به تصویب رسید و در دستور کار کنفرانس قرار گرفت.

در قطعنامه‌ی پیشنهادی از رژیم خمینی خواسته شده بود که راه‌حل صلح‌آمیز را بپذیرد. در حقیقت با تصویب این قطعنامه بار دیگر جامعه‌ی بین‌المللی رژیم خمینی را "جنگ‌طلب"

شناخته و بطور عملی به تقاضای "مقاومت مشروع و سراسری ایران" مبنی بر خاتمه‌ی جنگ و برقراری صلح، پاسخ مثبت می‌دهد.

نام: مسئول شورای ملی مقاومت به هفتاد و یکمین کنفرانس بین‌المجالس

برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، قبل از آغاز هفتاد و یکمین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس، پیامی به انضمام چندین پرونده‌ی کامل (حاوی صدها مدرک درباره‌ی اعمال ضدانسانی رژیم، وضعیت مردم ایران و جنگ) خطاب به آقای دکتر "آندره گوتیه" رئیس کنفرانس و آقای "ترنزیو" دبیرکل اتحادیه بین‌المجالس ارسال داشت. مسئول شورای ملی مقاومت در نامه‌ی خود یادآوری نمود که قانون اساسی رژیم خمینی حق حاکمیت مردمی را نقض و برتری رهبری خمینی را تحت عنوان "ولایت فقیه" نسبت به قوای سه‌گانه و از جمله پارلمان پذیرفته و به استبداد او جنبه‌ی رسمی داده است و همچنین با توجه به تقلبات در انتخابات مجلس و نوع قوانین مصوبه‌ی آن، از قبیل قوانین ضدانسانی تحت عنوان "قوانین قصاص"، مردم میهن ما را از ساده‌ترین حقوق انسانی شناخته شده، محروم کرده است. لذا مجلس ایران به‌هیچوجه نماینده‌ی مردم ایران نیست. مسئول

شورای ملی مقاومت با برشمردن بعضی از موارد نقض شدید حقوق بشر در ایران و یادآوری قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۸۲ به شماره‌ی ۱۹۸۲/۲۷ و در تاریخ ۸ مارس ۱۹۸۳ به شماره‌ی ۱۹۸۳/۳۴ و در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۸۴ به شماره‌ی E/C.O.N.۴/۱۹۸۴/L.۸۸ در محکومیت رژیم خمینی و با توجه به سیاست جنگ‌طلبانه‌ی رژیم خمینی و اعزام کودکان به جبهه‌های جنگ که طی قطعنامه‌های شماره‌ی ۸ (۳۴) مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۸۱ و شماره‌ی ۲۵ (۱۹۸۲) مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۸۲ و شماره‌های ۱۱ (۱۹۸۳) و ۱۴ (۱۹۸۳) مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۸۳ از سوی کمیسیون فرعی منع تبعیض ملل متحد، محکوم شناخته شده است؛ از کنفرانس بین‌المجالس خواستار گردید که به منظور حمایت از حقوق بشر و خاتمه‌ی جنگ ایران و عراق، اقدامات موثری انجام دهد. در خاتمه‌ی نامه با توجه به برنامه‌ی کار کنفرانس آمده است:

"نباید بر روی پارلمان ایران در رابطه با ایجاد دموکراسی یا بهبود وضع حقوق بشر و بویژه تغییر "سیاست" رژیم خمینی نسبت به خاتمه‌ی جنگ و ایجاد صلح حساب کرد. لذا ماده‌ی اول اساسنامه‌ی اتحادیه بین‌المجالس که مقرر می‌دارد: از طریق تماس‌های شخصی بین اعضای همه‌ی پارلمان‌ها و ایجاد وحدت عملی بین آنان باید موجبات "استقرار و تکامل سازمان‌های دموکراتیک (شورائی) را فراهم نموده و از این طریق به پیدایش صلح و همکاری بین ملت‌ها و در نتیجه به تحقق اهداف ملل متحد کمک کند"، در رابطه با رژیم حاکم بر ایران بی‌اثر است. این رژیم همانطور که به قوانین داخلی و بویژه به قانون اساسی خود احترام نمی‌گذارد، برای تعهدات بین‌المللی خود نیز اعم از منشور ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز، کمترین ارزشی قائل نیست و لذا پیشاپیش تمامی مواد مهم و محتوای بنیانی اساسنامه‌ی اتحادیه بین‌المجالس بخصوص مواد ۱ و ۳ و ۴ را پایمال نموده است.

در مورد جنگ ایران و عراق

بعد از چند روز بحث و گفتگو، کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس در تاریخ ۷ آوریل (۱۸ فروردین) قطعنامه‌ی را به تصویب رساند که از ایران خواسته شده، به جنگ با عراق خاتمه دهد. این قطعنامه با ۶۶۷ رأی مثبت، ۲۴۱ رأی ممتنع و ۱۳۷ رأی منفی، با اکثریت قاطع به تصویب رسید. کشورهای ایران، آمریکا و اسرائیل و پاره‌ای از کشورهای اروپای غربی به این قطعنامه رأی منفی دادند.

قطعنامه‌ی بین‌المجالس که با عنوان "افزایش خطرات تهدیدکننده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه‌ی خاورمیانه" به تصویب رسیده است، شامل دو موضوع می‌باشد. بخش اول آن (از بند ۱ تا ۱۳) در مورد دفاع از حقوق مردم فلسطین و شناسائی سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده‌ی مشروع مردم فلسطین است؛ که طی آن رژیم اسرائیل را بخاطر نقض حقوق حقه‌ی مردم فلسطین و نقض قطعنامه‌های مجامع بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد محکوم می‌نماید. بخش دوم قطعنامه (از بند

متن قطعنامه

هفتاد و یکمین کنفرانس

بین‌المجالس

در مورد جنگ ایران و عراق

با در نظر گرفتن تعهد دول عضو - طبق منشور سازمان ملل متحد - مبنی بر اینکه اختلافات خود را با تمسک به وسائل صلح‌جویانه به گونه‌ای حل کنند که صلح و امنیت بین‌المللی بخاطر نیفتد و در روابط بین‌المللی خود از تهدید و یا استفاده از زور بر علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر خودداری کنند.

با یادآوری قطعنامه‌های مربوط به جنگ ایران و عراق، در شصت و هفتمین، شصت و نهمین و هفتادمین کنفرانس بین‌المجالس که در برلن، رم و سئول برگزار شد و درخواست یک آتش‌بس فوری و قطع هرگونه عملیات نظامی و همچنین عقب‌نشینی همه‌ی نیروها تا مرزهای بین‌المللی شناخته‌شده، به عنوان اولین مرحله‌ی حل صلح‌جویانه‌ی مسئله‌ی جنگ، طبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی.

با در نظر گرفتن قطعنامه‌های ۴۷۹ (۱۹۸۰) به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰، ۵۱۴ (۱۹۸۲) و ۵۲۲ (۱۹۸۲) به تاریخ‌های ۱۲ ژوئیه و ۴ اکتبر ۱۹۸۲ و ۵۴۰ (۱۹۸۳) به تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ شورای امنیت و همچنین بیانیه‌ی رئیس شورای امنیت در تاریخ ۵ نوامبر ۱۹۸۰، ۱۵ ژوئیه/۱۹۸۲ و ۲۱ فوریه ۱۹۸۳.

همچنین با در نظر گرفتن قطعنامه‌ی ۳۷/۳ مجمع عمومی که در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۲ به تصویب رسید.

با محسوب نمودن دعوتی که رئیس جنبش غیرمتعهدها در پایان هفتمین کنفرانس روسای کشورهای غیرمتعهد در دهلی‌نو در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۸۳ به عمل آورد.

و همچنین با احتساب قطعنامه‌ی مربوطه که چهارمین کنفرانس اجلاس‌سیه‌ی اسلامی در کازابلانکا (مراکش) در تاریخ ۱۸ ژانویه/۱۹۸۴ تصویب نمود.

با ابراز نگرانی عمیق نسبت به طولانی شدن جنگ بین دو کشور که منجر به ضایعات انسانی بسیار زیاد و خسارات قابل توجهه بقیه در صفحه ۲۶

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت

در هفته تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۱)

روز ۲۶ فروردین ماه جاری از سوی رژیم خمینی موعد برگزاری دومین دور انتخابات فرمایشی مجلس، ارتجاع اعلام گردیده است و رژیم ضد خلقی که مطلقاً مشروعیتی در میان مردم ندارد، سعی می‌کند تا از طریق این نمایش رسوا به انتصابات خود در "مجلس" جنبه‌ی قانونی دهد. به همین دلیل سردمداران و کارگزاران رژیم از ماهها قبل بر روی اهمیت برگزاری آن تاکید و تبلیغ کرده و تمهیدات لازم را فراهم نموده‌اند.

از سوی دیگر "شورای ملی مقاومت" و "سازمان مجاهدین خلق ایران" تحریم کامل این انتخابات فرمایشی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. مسئول شورای ملی مقاومت، برادر مجاهد مسعود رجوی، در تاریخ یکم بهمن ماه گذشته، طی پیامی خطاب به مردم سراسر کشور، "رهنمود تحریم" را در دستور کار کلیه هسته‌های مقاومت سراسری قرار داد.

در این پیام منجمله گفته شده: "این منتهای طغیان و گستاخی خمینی است؛ ملتی را می‌کشد و دربردار و آواره می‌سازد، رشیدترین فرزندان مبارز و مجاهد آنرا هزارهزار به جوخه‌های اعدام و اتاق‌های شکنجه می‌سپارد، هر روز قبرستان نوی بی‌پای می‌کند و پیوسته هزاران هزار را به سلخ جنگی که جزا و ورژیمش، هیچکس دیگر خواستار ادامه‌ی آن نیست، می‌فرستد و آنگاه با دجالیت تمام از قربانیان ستم و سلطه‌ی نامشروع خود "حضور در صحنه" و تأیید انتصابات فرمایشی را طلب می‌کند." همچنین مسئول شورا در قسمتی از این پیام درباره‌ی اهداف ضد مردمی رژیم از راه اندازی نمایش انتخابات چنین توضیح داده است: "او (خمینی) برآنست تا همچون انتخابات پرتقلب و

نیرنگ مجلس حاضر، گروهی از ایادی خود، یعنی "عصاره" ای از "رذائل" موجود در جامعه را دست‌چین نموده و آنگاه آنها را به عنوان "عصاره‌ی فضائل" و "خبره‌گی ملت به تماشا بگذارد. تا بعداً در همه‌ی جرائم ضد ملی و ضد مردمی به یاری او برخیزند و یادست‌کم برای نظام تبه‌کار و خونریز او پشتوانه‌ی پارلمانی و مشروعیت قانونی درست کنند." در ادامه‌ی پیام مسئول شورا، از کلیه‌ی مردم مقاوم میهنان خواسته شده تا به هر ترتیب از شرکت در این "انتصابات فریبکارانه" خودداری کنند. بدنبال آن خطاب به هسته‌های مقاومت مجاهدین گفته شده: "از کلیه‌ی هسته‌های مقاومت سراسری می‌خواهم در آستانه‌ی انتخابات مجلس فرمایشی خمینی، "رهنمود تحریم" را در تمام نقاط کشور فعالانه به میان توده‌های مردم ببرند و برای آنها اکیدا تبلیغ کنند."

بدنبال پیام مسئول شورای ملی مقاومت، ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران "رهنمود تحریم" و "درهم شکستن صحنه‌ی انتخابات قلابی رژیم ضد خلقی خمینی" را به مدت دو هفته در دستور کار هسته‌های مقاومت، هواداران مجاهدین و میلیشیای قهرمان قرار داد و مشخصاً هفته‌ی آخر یعنی ۱۹ تا ۲۶ فروردین را هفته‌ی تحریم انتخابات در سراسر کشور اعلام نمود. در این اطلاعیه که در تاریخ شنبه ۴ فروردین، در نوبت‌های مختلف از رادیو "صدای مجاهد" پخش گردید، رهنمودهای عملی و عمومی درباره‌ی نحوه‌ی کار تبلیغی - اجتماعی نیروها، اعم از تکثیر و توزیع تراکت و اطلاعیه و همچنین شاعرنویسی، حول مسئله‌ی تحریم انتخابات و انجام عملیات ایذائی به منظور مشغول کردن و پراکنده ساختن نیروهای رژیم، صادر گردید.

همچنین "صدای مجاهد"، پیام‌های حاوی رهنمودها و دستورالعمل‌های ویژه‌ی ستاد بخش اجتماعی، خطاب به برخی هسته‌ها که مستقیماً با ستاد رابطه دارند را متوالیاً در فواصل برنامه‌های خود پخش نموده و مینماید. از سوی دیگر هسته‌های مقاومت مردمی در سراسر کشور که تجربیات پرباری را در جریان فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و سیاسی سال گذشته، به مناسبت "هفته‌ی ملیشیا" و "هفته‌ی صلح" اندوخته بودند، با توان و تحرک انقلابی هرچه بیشتر به فعالیت پرداخته و جنب و جوش فوق‌العاده‌ای در میان مردم ایجاد نمودند. گسترده‌گی کار هسته‌ها و همچنین ارتباط فعال هواداران سازمان با رادیو و دریافت پیام‌های مسئول شورا و ستاد بخش اجتماعی سازمان و فعالیت در این زمینه، باعث اجتماعی‌تر شدن هرچه بیشتر "رهنمود تحریم" انتخابات در این چند روز گردیده است.

گزارشات واصله تماماً حاکی از اطلاع مردم از خط "شورا" و "سازمان" در زمینه‌ی تحریم انتخابات و رضایت و استقبال آنان از حرکات هسته‌ها و حتی کمک به پیشبرد کار آنها می‌باشد. حرکات ایذائی که به ابتکار هسته‌ها انجام می‌گیرد، وسیعاً مورد استقبال و موجب خشنودی مردم واقع شده و خشم مزدوران رژیم را برانگیخته است.

گزارشاتی را که ذیلاً ملاحظه می‌کنید انعکاس بخشی از عملیات هسته‌های مقاومت در تهران و شهرستان‌ها می‌باشد که مسئولین و اعضای هسته‌ها براساس رهنمودهای ستاد بخش اجتماعی، برای "نشریه" ارسال داشته‌اند که ما تعدادی از آنها را بویژه بلحاظ انتقال تجارب هسته‌ها به یکدیگر، چاپ می‌نمائیم:

* ارومیه:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید

جواد فتح‌الله نژاد

در روز ۱۹ فروردین رزمندگان این هسته یک بمب صوتی قوی را در مقابل ساختمان بسیج ضد خلقی و استانداری ارومیه کار گذاشته‌اند که با صدای مهیبی سر ساعت عمل کرده است. به محض انفجار، تعداد زیادی از مزدوران مسلح رژیم اعم از سپاه و بسیج وحشت‌زده در محل انفجار بمب جمع شده و به جستجو پرداخته‌اند. خبر انفجار بمب صوتی در همه جای شهر پیچیده و مردم راجع به علل این کار و اینکه در رابطه با تحریم انتخابات صورت گرفته، گفتگو می‌نموده‌اند.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

این هسته در روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین در خیابان‌های انقلاب، اسکندری و مقداد، تعداد زیادی تراکت پیرامون تحریم انتخابات پخش

نموده است. مردم با هیجان و به سرعت تمامی تراکت‌ها را برداشته‌اند، بنحوی که حتی یک عدد آن نیز بدست ایادی رژیم نیفتاده است.

* تبریز:

هسته‌ی مقاومت ...

این هسته اعلامیه‌ها و تراکت‌های تحریم انتخابات را در روز ۱۸ فروردین در نقاط مختلف تبریز، منجمله در قسمت "آب‌رسانی" و پادگان و مقابل دادگاه پخش کرده و یا به دیوار چسبانه است. هسته‌ی مقاومت فوق‌الذکر همچنین از عملیات ایذائی هسته‌ها و مردم در شهر گزارش کرده و گفته است، اغلب پوستره‌های انتخاباتی کاندیداهای منفور رژیم از دیوار کنده شده‌اند.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

دو نفر از اعضای این هسته، تراکت‌ها را در طی روزهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ فروردین

در خیابان‌های کارون، انقلاب و خیابان‌های اطراف آن پخش کرده‌اند. مردم نیز در پخش تراکت‌ها به افراد هسته‌ی فوق‌الذکر کمک می‌کردند. تعدادی از آنها ضمن همکاری گفته بودند که ما خط سازمان را از رادیو گرفته و جداگانه نیز اقدام به فعالیت‌های تبلیغی علیه این انتخابات فرمایشی کرده‌ایم.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

یکی از اعضای این هسته بدنبال رهنمودهای سازمان در زمینه‌ی حرکت‌های ایذائی، در تاریخ ۱۲، ۱۶ و ۱۷ فروردین، سیزده عدد تخم‌مرغ رنگی (تخم‌مرغ‌هایی که توسط هسته‌ها از رنگ مخصوص رنگ قرمز - پر شده و بسوی سوژه پرتاب می‌شود) به تصویر بزرگ خمینی دجال و پوستره‌های انتخاباتی مزدوران رژیم که در خیابان‌های تخت طاووس و عباس‌آباد نصب شده بودند، پرتاب کرده است. اعضای این هسته همچنین در این سه روز

تعداد زیادی تراکت در مناطق فوق پخش کرده و برجسب‌هایی مبنی بر تحریم انتخابات، بر در و دیوار چسبانه‌اند.

* کرمان:

هسته‌ی مقاومت ...

یکی از فعالین این هسته در تاریخ ۱۶ فروردین تعدادی تخم‌مرغ رنگی به سمت پوستره‌های انتخاباتی کاندیداهای رژیم پرتاب کرده است. مردم از این عمل به گرمی استقبال کرده‌اند.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

در روز ۱۹ فروردین اعضای این هسته، شعارهای بسیار بزرگی با رنگ مشکی و آبی روی دیوار خیابان‌های آذربایجان، شادمان و بهار نوشته‌اند.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید حسن تقی‌آبادی در تاریخ ۱۸ فروردین (هنگام شب)، توسط یکی از

رزمندگان این هسته، یک بمب صوتی قوی در خیابان کاشان تهران، (حوالی پادگان) کار گذاشته میشود. صدای انفجار بمب تا شعاع وسیعی منطقه را فرا می‌گیرد؛ در همان ساعت بمب‌های صوتی دیگری توسط رزمندگان هسته‌های مقاومت در اطراف میدان نواب و میدان حر کار گذاشته میشود که بموقع عمل می‌کنند. لازم به توضیح است که پس از این انفجارها مزدوران رژیم بسرعت خود را به محل انفجار می‌رسانند.

* اهواز:

هسته‌ی مقاومت ...

اعضای این هسته در روز ۱۵ فروردین تعدادی تخم‌مرغ رنگی در میدان بار فروش‌های اهواز به طرف تصاویر کاندیداهای خیانتکار رژیم پرتاب می‌کنند. مردمی که شاهد این ماجرا بوده‌اند با خوشحالی از این عمل استقبال می‌کنند.

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی

و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم

انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۱)

* اصفهان :

هسته مقاومت مجاهد شهید محمد ضابطی

اعضای این هسته پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مبنی بر تحریم انتخابات فرمایشی رژیم را بطور کامل از روی توار پیاده نموده و آنرا بصورت اعلامیه تکثیر و پخش نموده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید مرتضی علیمرزائی

این هسته در روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین، ۱۲ بادکنک را که بر روی آن‌ها شعارهای تحریم انتخابات نوشته شده بود، در منطقه پامنار و خیابان شادمان به هوا فرستاده است. مردم هر دو محل از این ابتکار استقبال کرده‌اند.

ضمناً این هسته تعدادی تراکت را نیز به صندوق‌های پست پامنار چسبانده است.

* تبریز :

هسته مقاومت ...

اعضای هسته مقاومت در پی فعالیت‌های خود در روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ فروردین ماه جاری، تصاویر و پوستره‌های نمایندگان ضد خلقی خمینی را - که اغلب، همان اعضای سابق مجلس می‌باشند - در خیابان‌های اطراف دانشگاه، خیابان شریعتی، آبرسان، دروازه شهر، مسیر بیمارستان خمینی، کوی گلیاد و طالقانی از دیوارها کنده و پاره نموده‌اند. همچنین هسته فوق‌الذکر در حین عملیات ایدائی خود، بسوی یک عکس بزرگ از خمینی دجال واقع در اطراف دانشگاه تخم مرغ رنگی پرتاب نموده است.

مزدوران خمینی در مقابل حرکات ایدائی این هسته عاجز مانده بودند.

* تبریز :

هسته مقاومت ...

این هسته در روزهای ۱۱، ۱۵ و ۱۶ فروردین تصاویر مزدوران خمینی - کاندیداهای مجلس ضد خلقی رژیم - را در کلیه خیابان‌های اطراف دکتر شریعتی - چای کنار، مسیر بیمارستان خمینی به سمت دروازه شهر، کوی مجاهد و چندین خیابان دیگر از دیوار کنده و یا آنها را با پاره کردن به شکل مضحکی در می‌آورد. در بسیاری موارد، مردم حاضر نیز خود اقدام به پاره کردن تصاویر نموده‌اند. پاره کردن عکس کاندیداها برای هواداران سازمان در تبریز بصورت یک کار متداول درآمده است.

* تهران :

هسته مقاومت ...

در تاریخ ۱۴ و ۱۵ فروردین، هسته مقاومت ... شعارهایی را در خیابان کارگر و در خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف آن از قبیل شیبانی، فرهنگ، طوس، کاشان، قندی و چهارراه لشکر می‌نویسد، یکی از شعارها چنین بوده است: "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی، ننگ و نفرت بر انتخابات فرمایشی".

ایادی رژیم سعی کرده‌اند در روزهای بعد، کلیه شعارها را با رنگ پاک نمایند. ضمناً هسته فوق‌الذکر در همین مناطق، پوستره‌های انتخاباتی رژیم را کنده و پاره نموده و یا روی آنها شعار نوشته است. روز بعد ایادی رژیم مجبور شده‌اند، پوستره‌های پاره و تخریب شده‌ی خود را از دیوارهای این منطقه جمع‌آوری کنند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

این هسته ضمن پخش تراکت تحریم انتخابات فرمایشی رژیم و شعارنویسی بر روی اتوبوس‌های شرکت واحد، از یک کارمند اداری شرکت واحد شنیده است که رژیم، اتوبوس‌ها را شبانه در

رجوی می‌نویسد. ضمناً این هسته تعداد زیادی تراکت را از طریق پست به منازل افراد ارسال می‌دارد.

* رشت :

هسته مقاومت ...

این هسته در روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین، شعارهایی مبنی بر تحریم انتخابات، با ماژیک بر دیوار ساختمانهای خیابانهای استقامت - سردار جنگل - جومارسرا و محله صد بهرنگی رشت نوشته است.

* کرمانشاه :

هسته مقاومت ...

این هسته در طول هفته گذشته تراکت‌هایی در مورد تحریم انتخابات، بصورت دست‌نویس پخش کرده و همچنین در چند منطقه از مناطق شهر نیز بر روی دیوارها شعارهای تحریم انتخابات را نوشته است.

* کرج :

هسته مقاومت ...

اعضای هسته فوق در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ فروردین در خیابان‌های قزوین و بیمارستان کمالی کرج شعارنویسی داشته‌اند. علاوه بر این پوستره‌های انتخاباتی

مزدوران رژیم را نیز از دیوارهای خیابان کاج این شهر کنده‌اند. یکی از اعضای این هسته، تعدادی تراکت نیز در مینی‌بوس بین تهران - کرج پخش نموده است.

* گرگان :

هسته مقاومت ...

روز ۱۴ فروردین خواهران عضو این هسته تعداد زیادی تراکت تحریم انتخاباتی را در چند منطقه در گرگان پخش نموده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۱۲، ۱۳ و ۱۴ فروردین تراکت‌های انتخاباتی را در خیابان‌های شادمان، پامنار، و همچنین بین میدان توحید و برق‌آلستوم پخش نموده است. پخش از طریق پست و یا نصب به دیوارها و یا انداختن در

محوطه پارکینگ بازرسی کرده و کلیه شعارهایی را که بر علیه خمینی و همچنین تحریم انتخابات بر روی آن‌ها نوشته شده، بوسیله رنگ می‌پوشاند.

* ارومیه :

هسته مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۱۶ فروردین شعارهای تحریم انتخابات را به دیوار خیابان‌های امام، خیام و زنگنه نوشته است. شعارها با رنگ نوشته شده و طول هر کدام به اندازه‌ی یک متر بوده است.

* قائم شهر :

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در تاریخ ۱۵ و ۱۶ فروردین تراکت‌ها و اعلامیه‌های مربوط به تحریم انتخابات را در خانه‌های مردم انداخته و در کارخانه‌های این شهر نیز پخش کرده‌اند.

* تبریز :

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۱۵ فروردین تراکت‌های تحریم انتخابات را در میان عابرین در خیابان عباسی تبریز پخش نموده است. مردم از پخش این تراکت‌ها استقبال کرده و پس از مدت کوتاهی تراکت‌ها بین مردم دست بدست می‌گردد و قبل از اینکه پاسداران مزدور رژیم متوجهی قضیه شوند، هسته فوق منطقه را ترک می‌کند.

* قم :

هسته مقاومت ...

روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین، هسته مقاومت ... در خیابان ارم قم، اقدام به پاره کردن پوستره‌های انتخاباتی کاندیداها می‌کند. همچنین هسته فوق بر روی برخی پوستره‌ها با ماژیک، شعار "مرگ بر خمینی - درود بر

خانه‌ها بوده است. ضمناً این هسته در رابطه با فعالیت‌های خود و اوضاع داخلی کشور و جنایات رژیم به یک خبرگزاری انگلیسی، یک خبرگزاری ژاپنی و یک خبرگزاری فرانسوی زنگ زده است.

* بابل :

هسته مقاومت ...

این هسته در روزهای ۱۵ و ۱۶ فروردین تعداد ۳ هزار تراکت مبنی بر تحریم انتخابات فرمایشی رژیم را تکثیر و تعداد زیادی از آن را در این دو روز در خیابان‌های اصلی شهر بابل بین مردم توزیع کرده و با بدیوار چسبانده است. مردم با رضایتمندی کامل با تراکت‌ها برخورد می‌کرده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

۲ تن از اعضای این هسته در روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین، تعدادی تراکت را در خانه‌های مردم در خیابان‌های خمینی و حضرتی انداخته‌اند. علاوه بر آن هسته فوق‌الذکر در این خیابان‌ها اقدام به شعارنویسی نیز کرده است. اغلب مردم این شهر در جریان تحریم انتخابات توسط سازمان قرار داشته و از آن استقبال کرده‌اند.

* خرم‌آباد :

هسته مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۶۳/۱/۱۵ فعالیت‌های زیر را انجام داده است: ۱ - ارسال اطلاعیه و تراکت تحریم انتخابات به منازل مردم - نوشتن شعار بر علیه انتخابات فرمایشی رژیم در خیابان‌های خرم‌آباد ۳ - کارهای ایدائی و پاره کردن پوستره‌های انتخاباتی کاندیداها رژیم. این فعالیت‌ها تأثیر مثبتی در روحیه‌ی مردم شهر داشته و راجع به آن صحبت می‌کرده‌اند.

* همدان :

هسته مقاومت ...

در تاریخ ۱۸ و ۱۹ فروردین اعضای ۴ نفره‌ی خواهران و برادران این هسته، اقدام به پخش تراکت و نوشتن شعار بقیه در صفحه‌ی ۲۴

گسترش حمایت‌های بین‌المللی از سیاستهای صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

پیام شاذلی کلیبی دبیرکل اتحادیه عرب به برادر مجاهد مسعود رجوی

در پاسخ به تلگراف مسئول شورای ملی مقاومت به دبیرکل اتحادیه عرب سنی بر ضرورت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق و اتخاذ تدابیر بین‌المللی برای مصونیت شهرها و غیرنظامیان دو کشور؛ پیام زیرین از سوی آقای شاذلی کلیبی دبیرکل اتحادیه عرب خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ارسال گردیده است. لازم به یادآوری است که گزارش تلگرافهای مسئول شورای ملی مقاومت به مجامع و مراجع بین‌المللی طی اطلاعیه دبیرخانهی شورا، در "مجاهد" ۱۹۲ درج شده بود.

متن پیام دبیرکل اتحادیه عرب

ضمن تشکر از پیام ارسالی شما، از ابتکار عملتان نیز تشکر میکنم. موضع ما در یک جمله خلاصه میشود که عبارتست از بکار بردن تمام مساعی برای خاتمه جنگ ایران و عراق. ضمناً موضع و ابتکارات شما را کاملاً نائید کرده و بهر نوع اقدام دیگری در این جهت خوشآمد میگویم.

در انتظار اینکه گفتگوهای سیاسی برای خاتمه جنگ به نتیجه برسد؛ بر لزوم قراردادی برای ختم بمباران مناطق غیرنظامی و مردم عادی، همانند شما، تاکید میکنم

شاذلی کلیبی
دبیرکل اتحادیه عرب

گزارشاتی از:

سوئد

پالسه تصور میکند که بخاطر نقش میانجی در جنگ ایران و عراق، نباید در این مورد صحبت کند. اما واقعیت اینست که هزاران هزار مرد جوان به جبهه‌ها برای سلاخی شدن فرستاده میشوند. رهبران ایران با فئاتیسم خود، پسران کوچک را به جبهه میفرستند، وزیر خارجه در این مورد چه میگوید؟

سپس خانم گونل یونگ نماینده پارلمان سوئد در سخنان خود در مورد موضع دولت سوئد درباره جنگ ایران و عراق اظهار داشت: "جدیداً کارخانهی بزرگ مواد منفجره‌ای که در سال ۱۹۷۰ در زمان شاه شروع بکار کرد و بعد از قیام ۱۹۷۹ از کار افتاد و خوابید، دوباره در حال راه‌اندازی است و صحبت از ۹۰ کارگر سوئدی است که برای براه‌انداختن کارخانهی مواد منفجره‌ی "بوفورس" مشغول بکار شده‌اند. این امر قابل تعمق و ملاحظه است، چرا که این (جنگ) قضیه‌ای نیست که دولت و رژیم سوئد به کمک آن بشتابد. شرم آور است که تجارت سوئد با ایران قویاً سیر صعودی داشته است. صحبت از ۳۰۰٪ افزایش است و مسئلهی تأسیسات تولیدی مواد منفجره در این رابطه قابل توجه است. آیا بدترین نوع جنایات در

بدنبال اقدامات و تماس‌های انجمن دانشجویان مسلمان سوئد با گروهی از نمایندگان مجلس این کشور، در روز ۲۱ مارس (اول فروردین) در بحث سیاست خارجی که با حضور لئارت بودستروم وزیر خارجه سوئد در پارلمان این کشور برگزار شد؛ سیاست خارجی سوئد در مورد جنگ ایران و عراق و نیز نقض حقوق بشر در ایران توسط ۷ تن از نمایندگان بطور جداگانه مورد سوال قرار گرفت که منجر به موضع‌گیری صریح وزیر خارجه سوئد گردید.

"یان اریک ویک ستروم" نماینده مجلس سوئد در سخنان خود گفت: "این فاجعه است که ما مجبوریم ببینیم که بعد از سرنگونی شاه، توسط خمینی گسترش اختناق و خوار و ذلیل کردن انسانیت بدرجات بدتر گشته است. سوئد نباید از انتقاد بر علیه رژیم ایران که بطریق مختلف این کشور را صدها سال بعقب برگردانده است، خسته شود. چه علتی پشت بی‌میلی دولت از انتقاد به رژیم ایران قرار دارد؛ آنهم در شرایطی که بدین روشنی و وضوح قوانین حقوق بشر پایمال میگردد. شاید نخست‌وزیر

ایران اتفاق نمی‌افتد؟ گزارش سازمان ملل نشان دهندهی دادگاههای سریانی و خودسرانه، شکنجه و زندانی کردن بدون دادگاه و همچنین فرستادن بچه‌ها به جبهه‌های جنگ می‌باشد.

سیس وزیر خارجه سوئد "لنارت بودستروم" در پاسخ به نمایندگان، اظهار داشت که: "دولت سوئد از اعتراض نسبت به نقض حقوق بشر در ایران خودداری نکرده است، در سال ۱۹۸۳ من در سه نوبت در همین نقطه (مجلس) مواضع دولت را در مورد نقض حقوق بشر در ایران توضیح دادم، امسال نیز همین ۱۴ روز قبل مسئلهی نقض حقوق بشر در ایران در دستور کار ما قرار گرفت. ما هیچگونه موضع پاسیوی در این رابطه اتخاذ نکرده‌ایم."

هند

در مجاهد شماره ۱۹۶ خواندیم که، مجمع ائتلاف ملی هند به ریاست پرفسور راج بالادو، بمنظور حمایت از اقدامات صلح‌طلبانهی شورای ملی مقاومت در روز ۱۳ مارس تظاهراتی بر علیه سیاست جنگ‌طلبانهی

بود؛ باین دفتر تسلیم نمودند. دیلا متی این نامه و همچنین نامه‌ای را که آقای راج بالادو رئیس مجمع ائتلاف ملی هند برای برادر مجاهد مسعود رجوی ارسال داشتند، ملاحظه می‌کنید:

متن نامه

مجمع ائتلاف ملی هند
و ۷ تن از نمایندگان پارلمان
این کشور به
دبیرکل سازمان ملل متحد

عالیجناب

آقای خاویر پرز دو کونلار، دبیرکل سازمان ملل - نیویورک امضاءکنندگان زیر به نمایندگی از مجمع ائتلاف ملی (موسسه‌ی جهانی صلح)، مردم هند و کشورهای دیگری که مایل به برقراری صلح در جهان هستند و با حمایت معنوی شورای ملی مقاومت ایران و آقای مسعود رجوی، بدینوسیله فرصت را مفتنم شمرده و ضمن تسلیم نامه‌ی حاضر در رابطه با جنگ ایران و عراق که اخیراً به مرحله‌ی خطرناکی رسیده و صلح جهانی را به مخاطره انداخته، خواستار خاتمه‌ی فوری این جنگ هستیم.

ما را بر آن داشت که نظر آن عالیجناب را نسبت به این مسئله معطوف داریم.

در حالیکه تمام راه‌ها برای مذاکره باز است، موضع ایران در قبال طولانی نمودن جنگ غیر قابل توجیه بوده و این مسئله نه فقط به ضرر منافع مردم خود آن کشور است، بلکه با منافع دیگر کشورهای صلح‌دوستی که نمی‌خواهند قربانی استراژی‌ی ادامه‌ی جنگ توسط ایران گردند، متصاد است. اگر موضع ایران بر صلح جهانی تأثیر گذارد، کوششهای مستمر و طولانی سازمان ملل در این مورد زیر علامت سوال خواهد رفت.

بمنظور پیشگیری از یک فاجعه‌ی جهانی، حتی به یک کشور نیز در هر کجای جهان که باشد، نباید اجازه داد که کل بشریت را به مخاطره اندازد. عالیجناب، شما باید تلاشهای ارزنده‌ی خود را در قبال اوضاع کنونی بفوریت بکار بسته و با درخواست از ایران برای اعلام آتش‌بس، مسئله‌ی فوق را که امکان‌پذیر است، فیصله دهید. اگر ایران به سازمان ملل احترام نمی‌گذارد، بهتر است که از



گوشه‌ای از تظاهراتی که برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق توسط مجمع ائتلاف ملی هند در دهلی‌نو برگزار گردید

عضویت آن کنار گذاشته شود و سازمان ملل متحد باید با صلاحدید خود به بشریت که خود بدان وابسته است، خدمت کند.

پرفسور راج بالادو، رامچاندرا بهارادواج - نماینده‌ی بقیه در صفحه‌ی ۲۳

نظر به تحولات اخیر این منطقه، هر لحظه امکان دارد که صلح جهانی به مخاطره افتد و این تنها به دلیل موضع سخت ایران برای طولانی نمودن نامحدود جنگ است که خود با اصول اخلاقی و روح بین‌المللی مغایرت دارد. لذا اقتضای زمان

رژیم خمینی در دهلی‌نو ترتیب داد. همانگونه که در گزارش این تظاهرات یادآوری شده بود، تظاهرکنندگان با حضور در دفتر سازمان ملل متحد در دهلی‌نو نامه‌ای را که از سوی مجمع ائتلاف ملی هند برای دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته شده

قطعه نامه کنگره سالیانه حزب لیبرال ایتالیا

در محکومیت جنگ طلبی و جنایات رژیم خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت

متن قطعه نامه

"هیجدهمین کنگره‌ی حزب لیبرال ایتالیا که از ۲۸ مارس تا ۱/ آوریل ۱۹۸۴ در تورین برگزار شده، نقش شدید حقوق بشر در ایران، تداوم اعدام‌های دستجمعی، اعمال شکنجه و سرکوب که تاکنون به قربانی شدن دهها هزار تن از مجاهدین و سایر نیروها و شخصیت‌های دمکرات و آزادیخواه منجر شده - و اخیراً نیز دبیرکل سازمان ملل متحد طی گزارش مشروحی موارد آنرا محکوم نموده و به اطلاع کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل رسانده است - را تقبیح می‌نماید. کنگره عملکردها و دیدگاههای واپسگرایانه‌ی رژیم خمینی در زمینه‌ی عدم برخورداری زنان از حقوق آموزش و پرورش و اشتغال، نقض حقوق کودکان و عدم وجود تسهیلات درمانی برای آنان را مورد نگرش قرار میدهد.

کنگره توجه خود را به تهدید فزاینده و انفجار آمیز جنگ خلیج نسبت به صلح و ثبات خاورمیانه و امنیت خلیج فارس، نقش رژیم خمینی در ادامه‌ی جنگ ایران و عراق، همچنین استفاده از تاکتیک امواج انسانی و فرستادن کودکان به جبهه‌های جنگ بمنظور انحراف اذهان عمومی از مسائل داخلی کشور را که گریبانگیر رژیم هستند، محکوم میکند و از تلاشهایی که توسط مجامع بین‌المللی و شورای ملی مقاومت برای دستیابی به راه حلی صلح‌آمیز در این جنگ صورت گرفته، استقبال میکند. بویژه از طرح صلحی که توسط رئیس شورای ملی مقاومت ایران آقای مسعود رجوی در ماه مارس ۱۹۸۳ اعلام گردید و تا بحال بسیاری از مجامع بین‌المللی از آن حمایت کرده و اخیراً نیز پارلمان اروپا طرحی مشابه را به تصویب رسانده، حمایت می‌نماید.

کنگره ضمن ابراز همبستگی با مردم ایران، حمایت خود را از شورای ملی مقاومت که کلیه‌ی نیروهای ملی، دمکرات و آزادیخواه اپوزیسیون در ایران را گرد آورده و با کوشش‌های خود سعی در برقراری صلح، استقلال و دمکراسی در ایران دارد، ابراز میدارد. *

وحشت و مرگی که در مقابل آن تا پای جان ایستاده‌ایم، یاری خواهد کرد.

قطعه نامه کنگره حزب لیبرال در مورد ایران

پیش‌نویس قطعه‌نامه‌ی پیشنهادی در مورد ایران، پس از تأیید بخش خارجی حزب لیبرال، مورد تصویب رئیس آن آقای "ملاکودی" قرار گرفت و به هیئت رئیسه‌ی کنگره تقدیم شد و به هیجدهمین کنگره‌ی سراسری حزب لیبرال ایتالیا با اکثریت مورد تصویب قرار گرفت. این قطعه‌نامه حمایت قاطع خود را از مبارزات مردم ایران برهبری شورای ملی مقاومت اعلام داشته و

جنگ خارجی اختصاص داده است. جنگی که تاکنون بیش از یک میلیون کشته و زخمی برجای گذاشته است و این در حالی است که خمینی منطقاً هیچ دلیلی برای ادامه‌ی جنگ ندارد، مگر یافشاری بر بحران، بحرانی که امروز دیگر فقط محدود به ایران نیست و خطر سرایت آن به نقاط دیگر نیز وجود دارد.

جنگهای داخلی و خارجی که خمینی بر مردم ما تحمیل کرده است دو راه بیشتر برای مردم ما باقی نگذاشته، یا از خانه و هستی خود دست بشویند و آوارگی را بجان بخرند و یا بمانند و مقاومت در برابر خمینی - این پدیده‌ی ضد تاریخی - را سازمان دهند؛ انتخابی که اکثریت بزرگی از ایرانیان را بدور شورای ملی مقاومت ایران گرد آورده است.



آقای حسین نقدی هنگام قرائت پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در کنگره‌ی حزب لیبرال ایتالیا

مقاومتی که تاکنون قریب به ۴۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار زندانی داشته است. با اینحال چشم‌انداز پیروزی دور نیست و همدردی و پشتیبانی مردم انساندوست جهان، بی‌شک ما را در شکست جزو

مقاومتی که تاکنون قریب به ۴۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار زندانی داشته است. با اینحال چشم‌انداز پیروزی دور نیست و همدردی و پشتیبانی مردم انساندوست جهان، بی‌شک ما را در شکست جزو

جنگ لیبرال ایتالیا یکی از پیچ‌خیزی است که دولت ائتلافی ایتالیا را تشکیل میدهند. این حزب چند وزیر در کابینه و چندین بست‌مهم را در حاکمیت در اختیار دارد که از آنجمله وزارت صنایع در هیئت دولت ایتالیا است. حزب لیبرال دارای ۱۶ کرسی در پارلمان و ۶ کرسی در سنا است.

حزب لیبرال ایتالیا از آغاز فارغ نویسی مقاومت سراسری مردم ایران علیه رژیم خمینی، در مقاطع مختلف، حمایت خود را از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و شورای ملی مقاومت اعلام داشته است. از جمله اقدامات اخیر این حزب ارسال نامه‌ای از طرف رهبری حزب به سی و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در مورد محکوم نمودن نقض شدید حقوق بشر توسط رژیم خمینی و نیز ارسال پیام رهبری این حزب مناسبت دومین سالگرد ۱۹ بهمن بوده است.

اخیراً حزب لیبرال با تصویب قطعه‌نامه‌ای در کنگره‌ی سراسری خود، خط مشی آبی حزب را در فعال مقاومت شکوفای مردم ایران تعیین کرده است.

یونان و ... داشتند که طی آن به تشریح سیاست صلح شورای ملی مقاومت و افشای جنایات رژیم خمینی و جنگ‌طلبی آن پرداختند.

در سومین روز برگزاری کنگره (۱۰ فروردین) پیام برادر مجاهد مسعود رجوی توسط آقای حسین نقدی قرائت گردید که با استقبال نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره مواجه شد و با کف‌زدنهای شدید آنان همراه بود.

برادر مجاهد مسعود رجوی در این پیام یادآور شده بود که دعوت حزب لیبرال از شورای ملی مقاومت، دعوت از ائتلافی است که بارزترین وجه مشترکشان، اعتقاد عمیق به صلح و آزادی میباشد و باین اعتبار فقط یک سازمان سیاسی به کنگره دعوت نشده است، بلکه از اکثریت عظیم ملتی دعوت شده که گرفتار سیستم حکومتی خمینی هستند، حکومتی که در آن، همه باید طرفدار "ولایت فقیه" باشند. بنابراین هرگونه مخالفت و یا حتی سکوت و بیطرفی نیز جرم محسوب می‌شود و از آنجا که در تئوری حکومتی "ولایت فقیه"، تمامی مردم بدون در نظر گرفتن مذهب و قومیت و جنس و سن، صغیر بحساب می‌آیند و حکومت، "ولی" آنهاست، صحبت از حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی و آزادیهای زنان و یا آزادی بیان و مطبوعات عملاً بی‌معنی جلوه میکند.

وجه دیگر حکومت خمینی ایجاد بحران و زندگی در آن است. خمینی نزدیک به ۱/۲ بودجه را به سرکوب داخلی و

هیجدهمین کنگره‌ی سالیانه‌ی حزب لیبرال ایتالیا در روزهای ۲۸ مارس تا اول آوریل (۸ تا ۱۲ فروردین) با شرکت نمایندگان کلیه‌ی احزاب ایتالیا و هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف، در شهر "تورینو"ی ایتالیا برگزار گردید.

در این کنگره "بنیتوکراسکی" نخست‌وزیر ایتالیا و دبیرکل حزب سوسیالیست این کشور، "انریکو برلینگوئر" دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا و سایر رؤسای احزاب ایتالیا و هیئت‌های خارجی شرکت داشتند.

حزب لیبرال با ارسال دعوتنامه‌ای خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، از شورا برای شرکت در کنگره دعوت بعمل آورد. بدنبال آن هیئتی مرکب از آقایان حسین نقدی (از طرف نمایندگی شورای ملی مقاومت در ایتالیا) و احمد فروغی (مسئول روابط خارجی انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا) همراه با پیامی از جانب مسئول شورا، در کنگره‌ی مزبور شرکت نمودند.

در مراسم افتتاحیه‌ی کنگره، هیئت شورای ملی مقاومت از طرف مقامات حزب از جمله جوانی ملاکودی عضو رهبری حزب لیبرال و رئیس انترناسیونال لیبرال مورد استقبال قرار گرفت. هیئت شورای ملی مقاومت در روزهای برگزاری کنگره، ملاقات‌هایی با مسئولین حزب لیبرال و نمایندگان احزاب کشورهای مختلف، منجمله اسپانیا، هلند،

برای تحقق صلح و آزادی همه‌ی سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

اخبار کوتاه

تاریخ ۱۱/اسفند/۶۲ جهت مشورت با مقامات رژیم، به تهران رفته است.

"مرگ" خوبست، نه برای "آقا" زاده‌ها

در بهمن‌ماه سال گذشته هنگامیکه ایادی رژیم در شهرگرد تلاش میکرده‌اند تا کسانی را که برای "طرح لیبک" نامنویسی کرده بودند به جبهه اعزام کنند، آخوند صفدری جنایتکار، حاکم ضدشروع این شهر از اعزام پسرش (که گویا قبلا برای عوامفریبی و دجالگری در این طرح نامنویسی کرده بوده) جلوگیری بعمل آورده و گفته است: "حیف است امثال اینها به جبهه بروند، چون اینها برای مملکت لازم هستند!!" همچنین تقوی نماینده‌ی خمینی و امام جمعه‌ی جنایتکار شهرگرد نیز به برادرانش توصیه نموده است که از رفتن به جبهه خودداری کنند.

بازوان سرکوب رژیم در کارخانجات

مدتی است در برخی از کارخانجات تهران، از طرف انجمن‌های ضداسلامی فرم‌هایی تهیه شده که براساس آن "افزایش دستمزد" و دیگر حقوق مسلم کارگران، منجمله پرداخت اضافه‌کاری و استفاده از مزایای تعاونی کارگران و... به تأیید مزدوران انجمن‌های ضداسلامی منوط شده است. این فرم‌ها براساس محورهای زیر تنظیم شده است:

اخلاق و رفتار کارگران در محیط کارخانه، کیفیت و کمیت کار، سختی محیط کار و شرکت یا عدم شرکت کارگران در مراسم ارتجاعی که از طرف رژیم برگزار می‌شود.

"خاویار" به جای "ارز"

رژیم ورشکسته‌ی خمینی، اخیرا به برخی از مسافرینی که قصد خروج از کشور دارند، به جای "ارز" میزان معین و محدودی "خاویار" تحویل می‌دهد تا پس از رسیدن به مقصد، با فروش آن ارز بدست بیاورند!

حکمت "آفرینش" تنگه‌هرمز!!

آخوند احمدی نماینده‌ی خمینی و امام جمعه‌ی بندرعباس: "در این منطقه تنگه‌ای وجود دارد بنام هرمز که مانند گلوگاهی میباشد که اگر ما آنرا بفشاریم، میتوانیم شرق و غرب را خفه کنیم و لذا خداوند اینرا برای همین آفریده است." (کیهان - ۶/فروردین/۶۳)

بازهم "آخادی"!

نبوی وزیرپست و تلگراف و تلفن رژیم خمینی: "برای مشترکینی که از این به بعد تلفن دریافت می‌کنند، مقداری بیشتر (پول دریافت) می‌شود. یعنی اگر قبلا حدود ۷ هزار تومان پرداخت می‌کرده‌اند، اکنون به حدود ۱۵ هزار تومان افزایش می‌یابد." (کیهان - ۱۴/فروردین/۶۳)

اعتصاب کارخانه‌های تولید آرد

و کمبود نان در تهران

اخیرا تعدادی از کارخانه‌های تولید "آردگندم" در تهران، در اعتراض به فشارهای روزافزون رژیم، دست به اعتصاب زده‌اند. در همین رابطه مدتی است که کارگران و کارکنان سیلوهای دولتی نیز با "کم‌کاری" اعتراضات خود را نسبت به اینگونه فشارها از جانب رژیم ابراز داشته‌اند. لازم به تذکر است که بدنبال کمبود شدید نان در تهران و اغلب نقاط کشور (که اعتراضات گسترده‌ای را از جانب مردم بدنبال داشته است) ایادی رژیم برای سرپوش گذاشتن بر ناراضی‌های عمومی، تولیدکنندگان آرد را تحت فشار قرار داده‌اند.

و نثار گل بر مزار شهدا، با دادن شعار علیه خمینی خون‌آشام و دارودسته‌ی جنایتکارش، خشم و نفرت عمیق خود را نسبت به این رژیم ضدبشری ابراز داشتند.

زندانه‌های جدید!

* علاوه بر سه زندانی که قبلا در "راور" کرمان وجود داشته است، اخیرا رژیم خمینی ساختمان یک زندان جدید که ویژه‌ی زنان مجاهد و مبارز می‌باشد را به پایان رسانده و در حال حاضر چند هزار زندانی در آن نگهداری می‌شوند. این زندان در منطقه‌ی دورافتاده‌ای خارج از شهر "راور" واقع شده است.

* از جمله دیگر زندان‌هایی که اخیرا توسط رژیم خمینی احداث گردیده، عبارتند از: "متلقو" در سلمان‌شهر با وسعت بیش از ۲۵ هکتار و یک ساختمان جدیدالتاسیس (در مقابل پمپ‌بنزین این شهر) که به عنوان زندان بکار گرفته شده است. یک زندان بزرگ در خارج شهر عباس‌آباد که ساختمان آن به تازگی پایان یافته است و زندانی به نام "زندان مرکز سپاه" در یک کیلومتری شهر تنکابن (به طرف عباس‌آباد - جاده‌ی کنار دریا) که شامل ساختمان‌هایی با وسعت ۲۵۰۰ متر مربع زیربنا می‌شود.

سوزوگدا زرفسنجانی

از انزوای بین‌المللی رژیم

"در گذشته نیز هرگاه نیروهای ما یک پیروزی بزرگ داشتند این منافقین (!) می‌آمدند همزمان با آن، یکی از بزرگان ما را شهید میکردند و یا با انفجاری سعی میکردند که این پیروزی (!!) را تحت‌الشعاع قرار دهند. البته حالا این کار را نمی‌توانند بکنند (!)... به داستان‌های همیشگی خود پرداخته، مسائلی نظیر حقوق بشر و یا زندانیها در ایران را مطرح ساخته‌اند. هر خبری که در مورد جزایر مجنون میدهند در کنار مسئله‌ی کودکان در جبهه را مطرح می‌کنند." (کیهان - ۵/فروردین/۶۳)

سپاه ضدخلقی و شیوه‌های کهنه‌ساواک

مدتی است که تعدادی از عناصر مسلح سپاه ضدخلقی در تهران با لباس و قیافه‌های معمولی (با کت و شلوار و بدون ریش) در خیابانها به گشت زدن پرداخته و به افرادی که مشکوک میشوند آنها را به کوچه‌ها یا مغازه‌های اطراف برده و دور از انظار عمومی مورد بازجویی و بازرسی بدنی قرار میدهند.

اعزام دانشجوبه جبهه

در تاریخ ۱۰/اسفند/۶۲، عمال خمینی در دانشگاه صنعتی اصفهان ۸۰ تن از دانشجویان این دانشگاه را به جبهه فرستاده‌اند. در مراسم اعزام این دانشجویان، یک آخوند مزدور سخنرانی کرده و طی آن از جمله گفته است: "در گذشته، در زمان جنگ همه‌ی مردم گارشان را رها می‌کردند و جنگ را خاتمه می‌دادند و بعد مشغول کار می‌شدند. حالا وقت تحمیل نیست، حالا مسئله‌ی اصلی جنگ است." بدنبال این ماجرا شایعه‌ی تعطیلی دانشگاه صنعتی اصفهان قوت گرفته و در همین رابطه منتظری، معاون مزدور این دانشگاه در

اخبار مقاومت

به نقل از گزارش ستاد عملیاتی

مجاهدین خلق در تهران

* روز یکشنبه ۱۲ فروردین‌ماه جاری در یک درگیری مسلحانه که بین یکی از رزمندگان مجاهد خلق و پاسداران جنایتکار خمینی در خیابان لاله‌زار تهران بوقوع پیوست، ۲ پاسدار جنایتکار از کمیته‌ی منطقه‌ی ۵ تهران به هلاکت رسیده و ۴ تن دیگر بشدت زخمی شدند. نام یکی از کشته شدگان نظرعلی کمال‌پور است.

* رزمندگان واحد عملیاتی مجاهد شهید علی - سلیمانی در ساعت ۸ بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۴ فروردین‌ماه، طی یک عملیات پرتاب نارنجک در تهران خیابان منصور، محل کار و خیانت یکی از مزدوران خمینی بنام علی‌اکبر شیرازی را مورد تهاجم قرار داد. علی‌اکبر شیرازی به کمک فرزندش که یکی از عناصر دادستانی ضدخلقی است، در این محل به جاسوسی و اعمال اختناق مشغول بود.

در نتیجه‌ی این تهاجم انقلابی مزدور نامبرده به شدت مجروح و روانه‌ی بیمارستان شد. واحد عملیاتی پس از انجام عملیات به سلامت منطقه را ترک کرد.

شهادت یک رزمنده مجاهد

در زیر شکنجه‌های وحشیانه مزدوران خمینی

در تنکابن

در تاریخ ۶/۱۰/۶۲ یکی از هواداران سازمان بنام محمود (شهریار) نامور در زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی مزدوران خمینی در مقر سپاه ضدخلقی تنکابن به شهادت رسیده است. مجاهد شهید محمود نامور که پس از ۳۰/۳ خرداد/۶۰ دستگیر و در بیدادگاه‌های رژیم به ۶ سال زندان محکوم شده بود، پس از ۲ سال و ۷ ماه اسارت، مجدداً به زیر شکنجه و بازجویی کشیده شد و سرانجام نیز در تاریخ یاد شده، در زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی دژخیمان خمینی به شهادت رسید. شایان ذکر است که علیرغم جو رعب و وحشتی که ایادی و مزدوران سرکوبگر رژیم در تنکابن ایجاد کرده بودند، مراسم هفتم و چهلم این شهید، با شرکت گسترده‌ی مردم برگزار گردید.

* در زندان اهواز نیز یکی از هواداران سازمان بنام داریوش همتیان که پس از ۳۰/۳ خرداد/۶۰ دستگیر و به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، در زمستان سال گذشته (۶۲) بدنبال یک محاکمه‌ی فرمایشی توسط دژخیمان خمینی، در این زندان به جوخه‌ی تیرباران سپرده شده و به شهادت رسید.

مراسم بزرگداشت خاطره شهدای خلق

در بابل

در اوایل فروردین‌ماه سال جاری، خانواده‌های بسیاری از شهدای مجاهد و مبارز خلق در بابل، در محل دفن این شهدا تجمع کرده و با انجام مراسم باشکوهی خاطره‌ی تابناک آنها را گرامی داشتند. در این مراسم که خانواده‌ی برخی از شهدای روستاهای دورافتاده‌ی بابل نیز شرکت کرده بودند، کلیه‌ی خانواده‌ها ضمن حلقه‌زدن

اطلاعیهای نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

عملیات مین گذاری پیشمرگان مجاهد خلق
در منطقه انزل (شمال کردستان)

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در نیمه‌ی اسفندماه گذشته در جاده‌ی ارتباطی - تدارکاتی دشمن، حد فاصل روستاهای "گوره پاشین" و "گهریز" اقدام به مین گذاری میکنند که در نتیجه‌ی آن یک دستگاه تراکتور تدارکاتی مزدوران ضدخلقی منهدم گردیده و دو تن سرنشین آن به هلاکت رسیده و یک مزدور نیز به شدت مجروح میگردد. بدنبال این عملیات سایر مزدوران پایگاه مذکور، روستاهای اطراف

خود را با تیربار گالیبر ۵۰ وحشیانه می‌کوبند و فرماندهی جنایتکار این پایگاه نیز از شدت وحشت و استیصال، در صدد اعزام اجباری مردم جهت مین - یابی جاده‌ی منتهی به پایگاه برمی‌آید که با اعتراض و مقاومت یکپارچه‌ی روستائیان زحمتکش منطقه مواجه شده و ناگام می‌ماند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۴/ فروردین ۶۳

انهدام يك دستگاه "تویوتا" و يك سنگر اجتماعی
و بهلاکت رسیدن ۱۰ تن از مزدوران پایگاه "میونه"

در تاریخ ۹ فروردین ماه جاری، پیشمرگه‌های مجاهد خلق در ساعات اولیه‌ی بامداد، ضمن استقرار در نواحی مختلف پایگاه "میونه" واقع در محور "مهاباد - سردشت"، از چندین موضع پایگاه مزدوران ضدبشری را با موشک‌های "آر. پی. جی" مورد تهاجم قرار داده و ضمن بهلاکت رساندن ۱۰ تن از مزدوران تأمین جاده که با آرایش نظامی جهت اعزام به محل استقرار خود آماده بودند، ۵ تن دیگر از آنان را نیز زخمی نموده و یک دستگاه "تویوتا"ی

دشمن ضدخلقی و یک سنگر اجتماعی را نیز بگلی منهدم می‌سازند. پس از خاتمه‌ی این تهاجم متهورانه، مزدوران رژیم از پایگاه‌های اطراف و از پایگاه مستقر در شهرک "ربط"، منطقه‌ی عملیاتی را با شلیک گلوله‌های خمپاره و "دوشکا"، وحشیانه می‌کوبند؛ اما علیرغم این تلاش‌های مذبحانه، پیشمرگان مجاهد همگی سالم به پایگاه‌های خود باز می‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۱/ فروردین ماه ۶۳

انهدام ۳ دستگاه خودروی پاسداران و مزدوران
جنایتکار خمینی و بهلاکت رسیدن بیش از ۱۹ تن از آنان
در جریان سلسله عملیات مین گذاری
پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه سردشت

پیشمرگه‌های مجاهد خلق طی سرشته عملیات پیاپی مین گذاری در جاده‌ی ارتباطی - تدارکاتی مهمترین پایگاه‌های رژیم در منطقه سردشت، ضرباتی بر مزدوران دشمن وارد آوردند:

۱ - بر اثر یک رشته عملیات مین گذاری در جاده‌ی حد فاصل پایگاه‌های "برده سور - برده رش" در تاریخ دهم فروردین ماه جاری، یک خودروی "زیل" مزدوران رژیم منهدم گردیده و گلیه‌ی سرنشینان آن که ۱۵ مزدور جنایتکار بودند به هلاکت می‌رسند.

۲ - در اثر اصابت یک دستگاه

"تویوتا استیشن" سپاه ضدخلقی به یک مین دیگر در همین جاده در تاریخ دهم فروردین ماه جاری، ۴ تن از سرنشینان آن در دم به هلاکت رسیده و ۲ تن دیگر از مزدوران بشدت مجروح می‌گردند.

۳ - در نتیجه‌ی مین گذاری روی جاده‌ی ارتباطی - تدارکاتی پایگاه‌های "نوری - برده بنگه" نیز در تاریخ پانزدهم فروردین ماه جاری یک دستگاه "بولدوز" دشمن بگلی منهدم می‌گردد.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۷/ فروردین ماه ۶۳

عملیات
مین گذاری پیشمرگه‌های
مجاهد خلق در منطقه
"سردشت"و بهلاکت رساندن ۱۵ تن
از پاسداران جنایتکار خمینی

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در روزهای آخر اسفندماه گذشته و اوایل فروردین ماه جاری، طی چهار رشته عملیات مین گذاری در جاده‌ی تدارکاتی مهمترین پایگاه دشمن در منطقه "آلان" سردشت، ضرباتی کوبنده که شرح زیر بر پیگر دشمن ضدبشری وارد آوردند:

۱ - بر اثر مین گذاری در این جاده، یک خودروی "زیل" فرماندهی دشمن در تاریخ ۲۶ اسفند ماه منهدم گردیده و ۵ تن سرنشین مزدور آن به هلاکت می‌رسند و خودروی مزبور نیز بگلی منهدم می‌گردد.

۲ - در نتیجه‌ی عملیات مین گذاری پیشمرگان مجاهد در جاده‌ی مذکور، یک دستگاه "تویوتا"ی سپاه ضدخلقی متعلق به گشتی‌های موسوم به "تارالله" که توسط یک خودروی دیگر مسلح به تیربار گالیبر ۵۰ همراهی می‌شد، در ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه بامداد سوم فروردین ماه منهدم گردیده و ۴ پاسدار جنایتکار سرنشین آن به هلاکت رسیده و دو تن دیگر از مزدوران مجروح می‌گردند.

۳ - همچنین بر اثر مین گذاری دیگری در همین جاده، یک دستگاه خودروی مزدوران دشمن در روز جمعه ۳ فروردین ماه جاری بگلی منهدم شده و ۲ تن سرنشین آن در دم به هلاکت می‌رسند.

۴ - بالاخره بدنبال یک رشته عملیات مین گذاری دیگر در جاده‌ی مذکور در تاریخ ۳ فروردین ماه، یک خودروی "زیل" مزدوران رژیم منهدم گردیده و ۴ تن سرنشین آن به هلاکت رسیده و ۲ تن دیگر بشدت مجروح می‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۰/ فروردین ماه ۶۳

عملیات تهاجمی پیشمرگه‌های مجاهد خلق
باهمکاری پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران
به مقر سپاه ضد خلقی در نزدیکی بوکان

بنا به گزارش فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق، پیشمرگان مجاهد با همکاری پیشمرگان حزب دمکرات، بر اساس شناسائی‌های قبلی، در شامگاه دوم فروردین ماه جاری به داخل روستای "نوبار" واقع در منطقه‌ی بوکان نفوذ کرده و بلافاصله مقر پاسداران و بسیجی‌های مقیم آن پایگاه را هدف آتش موشک‌های "آر. پی. جی" و مسلسل - های سبک خود قرار می‌دهند.

در اولین دقایق این تهاجم دلاوران، ۳ تن از یادی جنایتکار خمینی در دم به هلاکت می‌رسند. در ادامه‌ی این تهاجم، عده‌ای از مزدوران رژیم مستقر در پایگاه

مزبور جهت نزدیک شدن به مراکز استقراری پیشمرگان به تلاش‌های مذبحانه‌ای دست می‌زنند، اما با آتش سنگین پیشمرگان مواجه شده و با بجای گذاشتن ۸ گشته و زخمی مجبور به عقب نشینی می‌شوند. همچنین در اثر آتش سنگین پیشمرگان مجاهد، بخشی از ساختمان مقر سپاه ضد خلقی منهدم می‌گردد. پس از پایان موفقیت آمیز این عملیات دلاوران، گلیه‌ی پیشمرگان سالم به پایگاه‌های خود باز می‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۰/ فروردین ماه ۶۳

عملیات کمین گذاری و تهاجم پیشمرگان مجاهد خلق
به پایگاه "ساردتکه" در محور "مهاباد - سردشت"

و بهلاکت رساندن ۱۸ تن از پاسداران و مزدوران خمینی

پیشمرگه‌های مجاهد خلق قرار داده و ۱۵ تن دیگر از بامداد روز پنجشنبه نهم فروردین پاسداران و مزدوران ضدخلقی ماه جاری، پس از استقرار در مواضع از پیش تعیین شده در نزدیکی پایگاه "ساردتکه" واقع در محور "مهاباد - سردشت"، گروهی از تأمین‌های مزدور پایگاه مزبور را به کمین خود انداخته و با آتش سلاح‌های خود، ۳ تن از این مزدوران را در دم بهلاکت رسانده و شماری از آنان را مجروح می‌نمایند. همزمان با این عملیات، گروهی دیگر از پیشمرگان با خمپاره و نارنجک تفنگی پایگاه "ساردتکه" را زیر آتش

مزدوران مجروح می‌گردند.

۳ - همچنین بر اثر مین گذاری دیگری در همین جاده، یک دستگاه خودروی مزدوران دشمن در روز جمعه ۳ فروردین ماه جاری بگلی منهدم شده و ۲ تن سرنشین آن در دم به هلاکت می‌رسند.

۴ - بالاخره بدنبال یک رشته عملیات مین گذاری دیگر در جاده‌ی مذکور در تاریخ ۳ فروردین ماه، یک خودروی "زیل" مزدوران رژیم منهدم گردیده و ۴ تن سرنشین آن به هلاکت رسیده و ۲ تن دیگر بشدت مجروح می‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۰/ فروردین ماه ۶۳

حمله و تهاجم پیشمرگان مجاهد خلق به پایگاه "نوری"

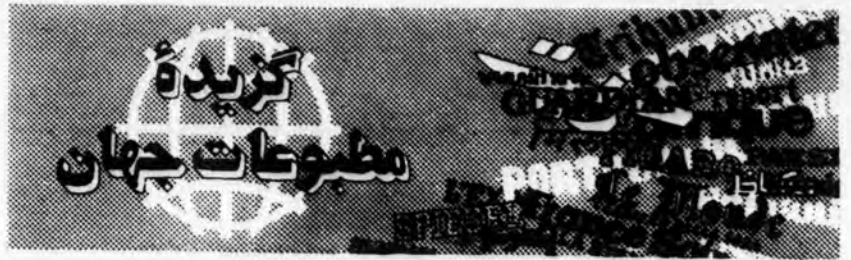
در منطقه سردشت و کشته و زخمی شدن

بیش از ۳۰ تن از مزدوران جنایتکار خمینی

پیشمرگان دلیر مجاهد خلق در اولین دقایق بامداد روز دوشنبه چهاردهم فروردین ماه جاری طی یک طرح دقیق عملیاتی با استفاده از سلاح‌های نیمه سنگین و سبک، نظیر خمپاره، تیربار و نارنجک تفنگی، مواضع دشمن ضدخلقی را زیر آتش خود می‌گیرند. در نتیجه‌ی این تهاجم سنگین پیشمرگان مجاهد، حداقل ۳۰ تن از مزدوران پلید دشمن کشته و زخمی می‌شوند. همچنین سطح پایگاه مذکور دچار آتش سوزی شده و قسمت‌هایی از آن بطور کامل در آتش می‌سوزد در همین حال چندین انفجار پیاپی نیز در

داخل پایگاه مزبور وقوع می‌پیوندد. در جریان این تهاجم سریع مزدوران مستقر در پایگاه "نوری" که بشدت غافلگیر و وحشت زده شده بودند قادر به انجام هیچگونه واکنشی نشده و تنها پس از پایان عملیات با سلاح‌های سنگین منجمله خمپاره، توپ و نارنجک اطراف خود را وحشیانه گلوله باران می‌نمایند. پس از انجام این عملیات موفقیت آمیز، گلیه‌ی پیشمرگان مجاهد سالم به پایگاه‌های خویش باز می‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۶/ فروردین ۶۳



گزیده مطبوعات جهان

توضیح:

هر هفته بطور معمول، تعدادی مطالب قابل توجه و تأمل که از مطبوعات و رسانه‌های جمعی کشورهای مختلف ترجمه شده، از سوی برخی هواداران سازمان و خوانندگان عزیز "مجاهد"، برای ما ارسال میشود. البته مطالب و موضوعات مذکور چه در صفحات و مقالات متعدد "مجاهد" و چه در سایر ارگانهای سازمان - تا آنجائیکه در توانمان بوده - بصورت‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما همواره ضرورت داشتن صفحات مستقلی برای درج این نوع مطالب در نشریه احساس میشد تا ضمن بهره‌جویی از جوهر و مضمون آنها، خود بصورت محمل عینی برای گردآوری هرچه بیشتر تحلیل‌ها و نقطه‌نظرهای سیاست‌های مختلف عمل نماید. از این رو تحریریه "مجاهد" در بررسی مجدد خود، تصمیم گرفت که صفحاتی از نشریه را، تحت عنوان "گزیده مطبوعات جهان"، به این امر اختصاص دهد تا بتوان مطالب را بطور مستقل در صفحات مورد بحث درج نمود. در همین رابطه ذیلاً توجه خوانندگان عزیز را به چند نکته جلب میکنیم:

۱ - آن دسته از خوانندگانی که ترجمه‌ی مطالب "مطبوعات" را برای "مجاهد" ارسال میکنند، حتماً اصل و یا فتوکپی قسمت ترجمه شده را نیز همراه ترجمه، ارسال نمایند.

۲ - درج و یا عدم درج نام مترجم در نشریه‌ی مجاهد قید شود.

۳ - منظور ما از "مطبوعات"، معنی اعم آن میباشد که شامل:

روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه... سالنامه، گفتارهای رادیویی... و همچنین کتابها و جزوات... جدیداً انتشار مییابد.

۴ - انتشار صفحات "گزیده‌ی مطبوعات جهان" در هر شماره‌ی نشریه الزامی نیست، بلکه با توجه به اهمیت و اولویت مطالب مندرج در "مجاهد"، ممکن است صفحات "گزیده‌ی مطبوعات جهان" هر چند یکبار منتشر شود.

ایران، آیت‌الله و تمایلات آمریکا (راه حل‌های آمریکا)



از: باری رابین

این چارچوب قدرت را بدست بگیرند: پناهندگان و تبعیدیان (نیروهای رژیم گذشته)، نیروهای چپ و گروههای قومی (اقلیت‌ها) هستند.

تبعیدیان بشدت در میان خود متفرق هستند و خیلی از پایگاه خود در ایران را بدلیل فرار به خارج، اعدام، تصفیه و تغییر جهت در طیف سیاسی از دست داده‌اند.

پیشگویی‌های مرتب آنها از سقوط ناگهانی رژیم در تهران، اشتباه‌بودنش را به اثبات رسانده، با این حال، برای آمریکا حفظ تماس با همه مهم است. کار خلاف عقل خواهد بود اگر آمریکا پرستی‌زبانان را پشت این جریان‌ها تبعیدی سیاسی، جهت بازگرداندنشان به قدرت بگذارد. اطلاعات و ارزیابی آنها معمولاً از جریان‌ها داخل کشور ایران بی‌دقت است و آنها بیشتر منبع بدون اطلاعات هستند.

بعضی از نیروهای چپ نیز در تبعید هستند. سه نیروی عمده‌ی چپ وجود دارد: کمونیست‌های طرفدار روسیه (توده)، مجاهدین خلق و فدائیان خلق.

بقیه در صفحه ۱۹

نویسنده یکی از اعضای مهم مرکز تحقیقاتی استراتژیکی و بین‌المللی می‌باشد. قسمت‌هایی از مقاله‌ی مفصل "ایران، آیت‌الله و تمایلات آمریکا" را ذیلاً ملاحظه می‌کنید:

... برای به دست آوردن یک بینش صحیح نسبت به تمایلات و سیاست احتمالی آمریکا در آینده، باید تحلیلی از نیروهای سیاسی موجود (ایران) داشت. بهترین کار، تقسیم این نیروها به دو دسته است: نیروهایی که در درون و یا بیرون چارچوب جمهوری اسلامی هستند. ظاهراً این چارچوب‌ها بعضی جاها در هم قاطی می‌شوند، اما سوال اساسی این است که آیا هر کدام از گروهها در صورت به قدرت رسیدن ابعاد وسیع‌تری از زندگی اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک ایران را دنبال خواهد کرد و اینکه آیا سهمی در مشروعیت و توزیع قدرت فعلی خواهد داشت یا نه. به نظر نمی‌رسد که سه گروه خارج از

خلاصه‌ای از:

دورنمای سیاسی ایران

بیزینس اینترنشنال — ترجمه: مجتبی فرزانه

* بیزینس اینترنشنال، نشریه‌ی تحقیقی - اقتصادی است که اوضاع اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را بررسی می‌کند و هر ماه گزارش خود را جهت استفاده‌ی صاحبان و نمایندگان سرمایه‌های غربی عرضه می‌کند.

باشند. رئیس مجلس‌های شمی‌رفسنجانی و نخست‌وزیر و عضو سابق شورای نگهبان آیت‌الله مهدوی کئی دو امکان محتمل هستند. بعنوان رئیس مجلس و رهبر نمازهای جماعت جمعه در دانشگاه تهران، رفسنجانی هیچ فرصتی را برای پیشرفت و شناساندن خود به مردم به عنوان یک شخصیت ایده‌آلیست اسلامی و آشنا به مسائل روز از دست نداده است. بعنوان مرد عمل که بسرعت شرایط مردم محروم را بهبود خواهد بخشید، در حالیکه نسبت به طبقه‌ی متوسط نیز دارای انعطاف خواهد بود...

علاوه بر این دو نفر، یک‌دهه دیگر از طالبان قدرت، افرادی سخت‌جانب و تشنه‌ی قدرت، ممکنست قدرت بیابند؛ افرادی نظیر دادستان انقلاب، لاجوردی، یک افراطی که کنترل دادگاههای انقلاب و زندانها را در دست دارد و میتواند از حمایت بیشتری از سوی پاسداران انقلاب برخوردار شود، یا وزیر صنایع سنگین بهراد نبوی که طرفداران زیادی از طریق هیاهوی عظیمش برای انقلاب صنعتی در میان کارگران صنایع کشور برای خود دست و پا کرده است.

تنها یک چیز را با اطمینان میتوان گفت: اداره‌ی کشور به آسانی و ملایمت به کسی واگذار نخواهد شد. مرگ خمینی نیروهای خارج از رژیم حاضر را تشویق خواهد کرد تا بدیل خود را برای قدرت عرضه کنند. میتوان انتظار داشت که جنبشهای مخالفین در داخل کشور نظیر مجاهدین خلق... و سایر گروههای زیرزمینی برای بهره‌برداری از اوضاع دست به تلاش بزنند، اما با توجه به اینکه سازمانهای آنها بسختی از اعدامها و بازداشتها آسیب دیده و خالی شده و ظرفیت نظامی آنها بمراتب از توانایی نظامی رژیم ضعیف‌تر است، امکان بدست گرفتن قدرت توسط آنها ضعیف میباشد. البته همه‌ی اینها به این بستگی دارد که خمینی چه وقت بمیرد. اگر او برای سه یا چهار سال دیگر به زندگی بچسبد، آنوقت میتوان انتظار داشت که جنبشهای زیرزمینی بسیار قویتر باشند.

تا زمانیکه خمینی در قید حیات است، میتوان انتظار داشت که اوضاع سیاسی ایران کم و بیش نظیر شرایط فعلی ادامه یابد. در حالیکه خمینی دیدگاههای اسلام قشری خود را دیکته میکند، دولت، مجلس و شورای نگهبان به جدل در باره‌ی معضلات اجرایی و عملی آنها ادامه میدهند. مبارزه‌ی قدرت بین چپ و راست، یعنی بین اصلاح‌طلبان افراطی - سوسیالیست و طرفداران بازار آزاد ادامه خواهد داشت، مبارزه‌ی که فعلاً بدلیل حضور امام کنترل میشود. وقتی او بمیرد - که احتمالاً زمانی در چشم‌انداز نزدیک خواهد بود - یک دوره‌ی هرج و مرج در پیش خواهد بود که میتواند چندین سال بطول انجامد.

قانون اساسی پیش‌بینی کرده است که جانشین خمینی توسط مجلس خبرگان تعیین شود... هیچگونه نشانه‌ی تاکنون از ظهور یک رهبر مذهبی قابل قبول جناحها بدست نیامده است و امکان رسیدن به یک توافق سریع برای تشکیل شورای رهبری نیز خیلی ضعیف بنظر میرسد. اگر یک شورای رهبری مورد قبول افراطیون و محافظه‌کاران انتخاب شود - با امید به بسیج وسیع‌ترین دسته‌بندی‌های ممکن که در سیاست ایران از اجزاء متعدد و مختلف به هم متصلی تشکیل شده است - مبارزه‌ی قدرت ادامه خواهد داشت، اما این مرتبه بدون حضور خمینی که این اجزاء را بهم متصل کند.

اگر میان‌روهای مختلف و نیروهای محافظه‌کار - گروه‌روخوانیون راست‌گرا، میان‌روها نظیر مهدوی کئی، تجار بازار و طبقه‌ی متوسط - با هم متحد شوند، شانس خوبی برای بدست گرفتن قدرت خواهند داشت. در حالیکه مبارزه‌ی افراطی‌ها متوقف نخواهد شد و در دراز مدت میتوان افزایش و گسترش قدرت آنها را هم انتظار داشت.

یک عامل تعیین‌کننده، ظهور یک شخصیت توانا و فوق‌العاده در صحنه خواهد بود که تاکنون هیچ نشانه‌ی از ظهور آن دیده نشده است.

چندین شخصیت سیاسی در صحنه وجود دارند که بنظر میرسد دارای اقبال، مهارت و قدرت لازم برای بدست گرفتن اداره‌ی کشور

زندان و زندانی



فرار...!

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌های

از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های

رژیم ضد بشری خمینی

گزارش اول (قسمت پانزدهم - آخرین قسمت)

توضیحی درباره‌ی گزارش اول:

گزارش اول از مجموعه گزارشات "زندان و زندانی"، در این شماره بیان می‌رسد و قبل از گشودن پرونده‌های دیگر زندانها آنچه یادآوری آن لازم به نظر می‌رسد و شما را در خواندن تمامی گزارش اول یاری می‌رساند، اینست که:

گزارش اول اگرچه با خاطرات برادر مجاهد حسین دادخواه و شرح وقایعی که بر او گذشته، شروع شد؛ اما طبعا نمی‌توانست با محدود ماندن در پیچ و خم یک واقعه از مجموعه وقایعی که هر روز و هر ساعت در شکنجه‌گاه‌های "خمینی" می‌گذرد، باقی بماند و در عین حال تصویری کلی و گویا را نیز ارائه کند. بنابراین همراه با خاطرات برادر مجاهد "حسین دادخواه" (به عنوان شاهدی حاضر) و همچنین درج مصاحبه‌ها و خاطرات برخی دیگر از خواهران و برادران مجاهد در شماره‌های گذشته، سعی کردیم که به تناسب مطلب و جهت تکمیل آن، فشرده‌ای از اطلاعات دقیق و با ارزشی را که در اختیار سازمان مجاهدین خلق ایران قرار داشت، به موازات این خاطرات درج نماییم. طبعا این مساله خوانندگان را یاری می‌کند تا بتوانند با مطالعه‌ی گزارش اول

شناخت کامل‌تری در مورد زندانهای خمینی بدست آورند. رعایت این نکته باعث شد که در زنجیره‌ی مطالب گاه و بیگاه گسستگی‌هایی بوجود آید که بخاطر لطمه نخوردن به محتوا، از آن گریزی نبود.

... بهرحال گزارش اول را با شرح فرار برادر مجاهد حسین دادخواه بیان می‌بریم؛ با امید به اینکه این گزارش توانسته باشد ماهیت پلید رژیم خمینی را بازهم بیشتر افشا کرده و همچنین صدای مظلومیت و حقانیت و فریاد مقاومت قهرمانانه‌ی دهها هزار تن از شیرزنان و کوهمردان مجاهد و مبارز این مرز و بوم را که در حصار گشتار و جنایت پیرگفتار خون‌آشام قرن، خمینی رذالت پیشه بسر می‌برند، بگوش مردم ایران و مردم سراسر جهان برساند. مردان و زنان قهرمانی که پرچم شرف یک ملت را با مقاومت خود، بر بلندترین قله‌ها برافراشته نگه داشته‌اند. در باره‌ی زندانهای خمینی، در آینده بازهم گزارشات دیگری در اختیار شما قرار خواهیم داد. اکنون آخرین قسمت از گزارش اول را ملاحظه می‌کنید:

زمان در اوین نیز می‌گذرد

اما...

... زمان در "اوین" نیز می‌گذشت و می‌گذرد؛ سلولها پر و خالی می‌شد؛ کسانی را به شکنجه‌گاه می‌بردند؛ یکی از شکنجه‌گاه باز می‌گشت؛ کودکی در راهرو می‌گریست و مادرش را می‌طلبید؛ صدای گامهای لاجوردی و اکبرجلاد در راهروها می‌پیچید؛ پاسداری قهقهه می‌زد؛ خواهری را به سوی جوخه‌ی مرگ می‌بردند؛ چشمانی گشاده از حیرت از پنجره‌ی کوچک سلول، راهرو را می‌نگریست؛ فریادهایی برمی‌خاست؛ "بدرود یاران، مرگ بر خمینی، پیروز باد خلق، درود بر مجاهدین" و این شعار واپسین قهرمانانی بود که به سوی جوخه‌های تیرباران و "استخرخون" می‌رفتند؛ سکوت، بند را فرامی‌گرفت و لحظاتی بعد، صدای رگبارها، خبر از فرورفتن گلوله‌های آتشین چرخنده، در قلبها و استخوانها و مغزها می‌داد و فواره‌های خون برمی‌خاست و همزمان با آن صدایی در بند

می‌پیچید و کسی آواز می‌خواند و گاه این شعر را:

مارا چو آفتاب مساویست مرگ وزیست
گر شام مرده‌ایم، سحر زنده گشته‌ایم"

... و بدینگونه لحظات و ساعت‌ها در اوین و در زنجیره‌ی روزهای سرد و سنگین ولی بی‌سکوت زمستانی بر دامنه‌های "البرز" می‌گذشت و من نیز در چنین فضایی ایام را می‌گذراندم و با اینکه در مقایسه با سایر زندانیان مدت درازی از اسارتم نگذشته بود، حساب روزها و شبها را از دست داده بودم و تنها مواقعی که برای بازجویی می‌رفتم، متوجهی تاریخ می‌شدم و مگر می‌شد حساب روزها را در ذهن نگهداشت؟ در اوین آنچنان خاطرات و اندوخته‌های خونین و کابوسوار ذهنی انسان انبوه می‌شود و با رنج جسمی و روانی درهم می‌آمیزد که پس از گذشت مدتی کوتاه، آدم فکر می‌کند، سالی است که در زندان بسر برده و در این رابطه اگر کسانی که سالها در زندانهای خوفناک خمینی بسر بردند روزی رها شوند و بتوانند آنچه را که

دیده‌اند، تبدیل به کلمه کرده و بگویند یا بنویسند، آنگاه مفهوم گذشت زمان در اوین بهتر فهمیده می‌شود. آری در اوین نیز زمان می‌گذرد، ولی بقولی "چونان رودی از صخره و سنگ..."

... ساعت از ده گذشته بود و در تلاش بودم تا بتوانم روی پاهای مجروحم سریع تر راه بروم، کم کم داشتم موفق می‌شدم و درد ناشی از راه رفتن، قابل تحمل تر شده بود که درب سلول باز شد و یکی از بازجویان قبلی ام وارد شد و پس از نگاهی به در و دیوار گفت:

"وسائلت را جمع و جور کن وقت رفتنه!"
فکر کردم سرانجام، موقع رفتن به میدان تیرباران رسیده و با اینکه کمتر در آنموقع روز کسی را تیرباران می‌کردند، ولی با خود گفتم: "در اوین هیچ چیز غیرممکنی وجود ندارد" اسباب‌هایم را جمع کردم و از سلول بیرون آمدم. احساس می‌کردم تا مرگ، چند قدم بیشتر فاصله ندارم، زندگی

گذشته و خاطراتی که در اعماق نهانی ذهنم وجود داشت به سرعت برق از مقابل چشمانم می‌گذشت، تنم اندکی داغ شده بود و از اینکه توانسته بودم سرانجام اسرار خلق و انقلاب را حفظ کنم و به میدان تیرباران بروم، احساس خوشحالی عمیقی می‌کردم و بی‌اختیار بیاد جمله‌ای از یک کتاب که در گذشته‌ها (آنموقع که در دانشگاه درس می‌خواندم) خوانده بودم، افتادم و آن جمله چیزی شبیه به این بود: "زندگی نمایشنامه‌ی کوتاه یا بلند است که کارگردان و تماشاچی و بازیگر آن خود انسانست، لحظه‌ای بین دو ابدیت و ما تنها فرصت آنرا داریم که از این سو وارد صحنه شویم و از آنسو خارج گردیم. هر کس به گونه‌ای نقش خود را ایفا می‌کند، بدنیاال پول، مقام، آسایش فردی و یا چیزهای دیگر، ولی من قصد دارم این فاصله را چون یک انقلابی تسلیم ناپذیر ببینایم و خواهم پیمود"...

حالا مفهوم این جملات را بهتر می‌فهمیدم؛ مفهوم درست زیستن و درست مردن را، ولی این احساس دیری نیائید، بازجو به دو پاسداری که همراه او آمده بودند، گفت:

"زودتر ببریدش، قسمت انتقالات و راه بیفتید، چیزی به پرواز هواپیما نمانده"

و یکی از پاسدارها دستم را گرفت و راه افتادیم. مسئله‌ی تیرباران منتفی شده بود، البته عجالتا! و معلوم بود می‌خواهند مرا بجای دیگری انتقال دهند. حدس زدم که به احتمال زیاد بایست مرا به مشهد ببرند. زیرا بخش نسبتا مهمی از فعالیت‌های من در فاز نظامی در این شهر انجام شده بود و بازجویان می‌خواستند در آنجا اطلاعات خود را تکمیل کنند. با یادآوری مسافرت به مشهد فکر فرار به سرعت از ذهنم گذشت، فکری که از مدت‌ها قبل، همراه با آمادگی برای شکنجه و مرگ از من دور نشده بود و در این رابطه بارها در سلول چیزی در ذهنم سوسو زده بود و از خود پرسیده بودم: "می‌شود فرار کرد؟" و اندیشیده بودم که: "درصد کمی وجود دارد، ولی

غیرممکن نیست، چه بسا فرصتی دست دهد و بتوانم فرار کنم و یا دست به خودکشی بزنم" و با این فکر آمادگی‌های لازم روانی (تصمیم‌گیری از قبل، قاطعیت، استفاده‌ی بی‌درنگ از فرصت‌ها) و همچنین آمادگی‌های جسمی را بطور نسبی در خود بوجود آورده بودم و در فرصتی مناسب نیز از یک هم‌مرزم اسیر ۵۰ تومان پول گرفته و آنرا جاسازی کرده بودم تا اگر توانستم فرار کنم در لحظات اول بتوانم خود را به نحوی از دسترس جلادان دور کنم و حالا زمانی فرا رسیده بود که بایست برای اجرای طرح تلاش کرد، زیرا می‌دانستم در آینده چیزی جز شکنجه و باز هم شکنجه در انتظارم نیست، شکنجه‌ای که بایست تحمل کرد و لب از لب نگشود و اگر در فرار موفق نمی‌شدم، چه می‌بایست بکنم؟ طبعا مقاومت، مقاومتی دردناک ولی ضروری؛ مقاومتی که بدون آن زندانی انقلابی در زیر دندانهای حریص خیانت، جویده خواهد شد و به صورت تفاله‌ای در خواهد آمد.

به سوی فرودگاه مهرآباد

با این اندیشه‌ها همراه با پاسداران از راهروهای پر هیاهو و شلوغ اوین گذشتم. هیچ چیز فرق نکرده بود جز اینکه راهروها جمعیت انبوه‌تری را در خود جای داده بود. تعدادی در گوشه و کنار راهروها با چشم بسته نشسته بودند. زن پاسداری یک خواهر را با پاهایی دو برابر معمول و فکی متورم با چشم بسته به بهداری می‌برد و دو تن از آخوندهایی که آنروزها برای تبلیغ به "حسینیه" اوین آمده بودند، با رنگ و روئی گلگون و لباسهایی مرتب و تمیز و در پناه پاسداران، سرحال و با نشاط در راهروها قدم می‌زدند و در سلولها را باز می‌کردند و زندانیان را می‌نگریستند و دوباره به طرف سلولی دیگر راه می‌افتادند و از بلندگوهای داخل راهرو، طبق معمول صدای منجرکننده‌ی یکی از دلقگان تبلیغاتی خمینی (قرائتی) پخش می‌شد و...

در قسمت انتقالات، یک ساعت معطل شدیم و در پایان، یک جفت جوراب، یک جفت دمپایی گشاد و یک شلوار بمن دادند که پوشیدم و به طرف درب "اوین" راه افتادیم. از یکی از پاسدارها پرسیدم:

— امروز چندمه؟
— واسه چی می‌پرسی؟ ...
بقیه در صفحه‌ی ۱۸

در جستجوی قوت لایموت

سرکوب روستائیان مهاجر

تنه‌راه حل رژیم ضد خلقی خمینی برای مقابله با مهاجرت روزافزون

روستائیان محروم به شهرها!



"مهاجرت بی‌رویه به شهرها سبب می‌گردد تا روستائی که می‌تواند در روستایش با کشاورزی، دامداری و ... مشغول واقع گردد، در شهر بطور مثال ماشین شویی کند و روزگار بگذراند." (کیهان ۶۳/۱/۱۴)

می‌نمودند. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه به سلسله مقالات "رژیم خمینی و مسئله‌های ارضی"، مندرج در نشریه "مجاهد" شماره‌های ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳ مراجعه نمائید).

– رژیم خمینی در طول این مدت نه تنها هیچ قدم اساسی در جهت احیاء و اعتدالی کشاورزی مملکت برداشت، بلکه حتی آهنگ و روال قبلی آن را نیز حفظ نمود. یعنی هیچ برنامه‌ریزی اساسی در جهت کمک به کشاورزان چه بلحاظ دادن وام، کود و بذر، سمپاشی و دفع آفات، احیای اراضی و مراتع و قنات‌های مناطق کشاورزی و ایجاد تسهیلات لازم و حتی ابتدائی، جهت رساندن محصولات کشاورزان به بازار به قیمت مناسب و در واقع ... انجام نداد. و در واقع تنه‌نقطه‌ای اتکای کشاورزان در این زمینه‌ها همان سیستم‌ها و شیوه‌های بازمانده و موجود بود که آنهم بتدریج به سمت آفت و کاهش راندمان و راکد ماندن پیش‌رفت. فی‌المثل طبق آمار ارائه شده از سوی ایادی رژیم، از هر ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب قابل استفاده در کشاورزی، تنها از ۵۰ میلیارد متر مکعب آن استفاده شده و ۶۵ درصد بقیه به هدر می‌رود. به همین نحو، از ۵۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت کشور، تنها ۱۸ میلیون هکتار آن بقیه در صفحه ۱۷

جهان!" دریافت کردند. آنها دریافتند که دجالگری چند ساله‌ی خمینی و منتظری پیرامون وعده‌های موهومی از قبیل بتد "ج" جز برای سرگرم کردن و فریفتن روستائیان نبوده و چند سال عوامفریبی سردمداران رژیم و سینه‌چاک دادن اعضای ضد خلقی مجلس و صدها کمیسیون و سمینار و دهها طرح و پیشنهاد و ... زمین‌های غصب‌شده توسط فئودال‌ها را به کشاورزان بازنگردانده است. حتی در سال ۶۱، پس از مدتها کشمکش، طرح نیم‌بند موسوم به "احیاء و واگذاری اراضی مزروعی"، را که مجلس خائن خمینی از تصویب گذرانده بود، "شورای نگهبان" در اواخر دی‌ماه ۶۱، به اشاره و خواست شخص خمینی از اساس رد نمود. البته در همان حدود نیز (آذرماه ۶۱) "شورای عالی قضائی" باز بدستور خمینی، "شوراهای کشت" را که براساس آن زمین‌های بلا تکلیف فئودال‌ها، طبق قرارداد با کمک کشاورزان به زیر کشت می‌رفت و منافع آن عمدتاً به جیب رژیم و مالکان زمین‌ها ریخته می‌شد (و البته، همین هم برای روستائیان سیه‌روز از هیچ بهتر بود) لغو نمود. چرا که بیم تصاحب این زمین‌ها توسط کشاورزان وجود داشت و فئودال‌ها و حامیان حوزه‌نشین آنها، مرتباً این خطر را به گوش خمینی و فقهای جنایتکارش تکرار

کننده‌ای برای منتظری ارسال شد که در آن با توجه به ردیف شدن یک سری شرایط و الزامات حل این بحران، روش می‌شد که هیچ کاری از دست رژیم در جهت حل درست این معضل ساخته نیست!

چرا رژیم قادر به حل

این بحران نیست؟

اقامت و کار و تولید روستائیان در روستاها رابطه‌ی مستقیمی با حل مسئله‌ی ارضی و وضعیت تولید کشاورزی مملکت دارد. مناسبات ارضی سالم و وجود رونق و رشد در بخش کشاورزی، بطور سیستماتیک به رشد درآمد کشاورز و بهبود وضع زندگی او و تخصیص خدمات گوناگون به روستائیان منجر خواهد شد و همین موضوع به نوبه‌ی خود باعث افزایش محصولات کشاورزی داخلی گردیده و به تولید این بخش، رونق بیشتری خواهد بخشید. به همین دلیل پدیده‌ی "مهاجرت روستائیان"، معلول انهدام تولید کشاورزی در میهنمان است و لذا رژیم ضد خلقی خمینی از همان موضع و با همان ماهیت ضد مردمی و ضد ملی که به‌نابودی این بخش همت گماشت، به همان دلایل بدیهی نیز قادر نیست بطور اساسی در مقابل فاجعه‌ی تخلیه‌ی روستاهای کشور چاره‌جویی نماید. بطور فشرده اشاره کنیم:

– مسئله‌ی زمین پس از گذشت ۵ سال و اندی از حاکمیت سیاه خمینی، هنوز حل نشده باقی مانده است. کشاورزان محروم که پس از سال‌ها تحمل ستم‌شاهی، چشم به وعده و وعیدهای خمینی دوخته بودند، بزودی پاسخ این خواست مشروع خود را با گلوله‌های پاسداران ضد خلقی "رهبر مستضعفین

فاجعه‌ی. اسفبار تخلیه‌ی روستاهای فقرزده‌ی کشور همچنان ادامه دارد و روستائیان نبرده‌یخت به منظور فرار از فحطی و گرسنگی، به شکل کم‌سابقه‌ای به شهرهای بزرگ و کوچک هجوم می‌آورند، اما رژیم ضد خلقی خمینی بجای هرگونه چاره‌جویی، تنها به سرنیزه و سرکوب خود برای مقابله با این بحران متوسل شده است.

در طول سال گذشته در اغلب محافل و مجالس رژیم، رسانه‌های خبری و مطبوعات، از زبان کلیه سردمداران ارتجاع، پیرامون "بحران مهاجرت روستائیان" و شیوه‌های برخورد با آن، بحث و گفتگو و اظهار نظر گردید و صدها کمیسیون و سمینار برای بررسی این فاجعه اختصاص یافت و به عنوان یک ماده‌ی ثابت، تقریباً در قطعه‌نامه‌ی کلیه سمینارها و میتینگ‌های رژیم، جای خود را حفظ کرد و خلاصه "مهاجرت روستائیان" بصورت برجسته و چشمگیری در تابلوی بحران‌های لاینحل رژیم درمانده‌ی خمینی قرار گرفت.

استانداران و فرمانداران و دیگر کارگزاران سرسپرده‌ی رژیم در مناطق مختلف، منجمله تهران، آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاه، همدان، مازندران، شیراز، قم، سیستان و بلوچستان، کرج و ... از درماندگی خود در برابر این بحران خبر دادند. در تهران اعلام شد که سالانه بیش از نیم میلیون نفر به جمعیت پایتخت اضافه می‌شود و رقم کنونی جمعیت تهران، از زبان کارگزاران مختلف رژیم، ۹۰۸ و حتی ۱۰ میلیون نفر تخمین زده شد (اطلاعات ۶۲/۱۱/۶ و کیهان ۶۲/۱۲/۶). دلیل کمبود نان در کرج، افزوده شدن سالانه‌ی ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت آن شهر عنوان گردید. (کیهان

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

اسامی کاندیداهای شهید سازمان مجاهدین خلق ایران

استان آذربایجان شرقی

★ سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی

کاندیدای شهر مجاهدپرور تبریز که پس از طی ۷ سال اسارت و شکنجه در زندانهای شاه خائن و ۳ سال مبارزه بر علیه رژیم قرون وسطائی خمینی، سرانجام در ۱۹/بهمن/۶۰ در شرایطی که فرماندهی سیاسی - نظامی سازمان در داخل کشور را عهده دار بود، با نبرد و شهادت قهرمانانه خود و تنی چند از همزمانش منجمله سمیل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی، عاشورای مجاهدین را در صحنه تاریخ مبارزات میهن مان رقم زد.

★ مجاهد شهید جواد زنجیره فروش

از زندانیان سیاسی رژیم شاه که آثار شکنجه های وحشیانه دژخیمان ساواک را تا هنگام شهادت بر بدن داشت. کاندیدای شهر تبریز که در روز ۱۲/شهریور/۶۰ طی نبردی قهرمانانه با پاسداران خمینی جلاد در شهر رشت شهادت رسید.

★ مجاهد شهید سید ناصر موسوی

از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدای شهر اردبیل که در روزهای قیام در جریان تصرف رادیو و تلویزیون و حفاظت از مراکز استراتژیک آزاد شده در کنار دیگر برادران مجاهد خود نقش فعالی داشت. او طی یک درگیری نابرابر در شهر مشهد زخمی شد و علیرغم تلاشهای بیدریغ مجاهد شهید دکتر زرین پرتوی و دیگر خواهران و برادران مجاهدش، در اثر شدت جراحات وارده شهادت رسید.

★ مجاهد شهید عباس صمدی

کاندیدای شهر اردبیل که در مهرماه ۶۰ در زندان تبریز در برابر جوخه های اعدام قرار گرفت.

★ مجاهد شهید محمود یحیوی

کاندیدای شهر سراب که در ۱۱/تیرماه/۶۰ در زندان تبریز شهادت رسید.

★ مجاهد شهید اصغر رفیعی فر

کاندیدای شهر مرند و زندانی سیاسی رژیم شاه خائن که در ۱۵/آذرماه/۶۰ توسط دژخیمان خمینی در زندان اوین شهادت رسید.

استان آذربایجان غربی

★ مجاهد شهید جعفر صمدی تگالو

کاندیدای شهر ارومیه، استاد دانشگاه که در مهرماه ۶۰ در زندان تبریز شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حسن جعفرزاده

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدای شهر خوی که در زندان همین شهر پس از تحمل شکنجه های فراوان در ۱۷/آذرماه/۶۰ توسط مزدوران خمینی شهادت رسید.

★ مجاهد شهید غلامرضا صالحی

کاندیدای از سلماس که در تابستان ۶۱ در گیلان به شهادت رسید.

استان اصفهان

★ مجاهد شهید فضل الله تدین

کاندیدای شهر اصفهان زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و از مسئولین بخش شهرستان که در جریان حماسه ی خونین ۱۲/اردیبهشت/۶۱ شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حسین جنتی

کاندیدای شهر اصفهان و زندانی سیاسی رژیم شاه خائن که همراه با آخرین دسته از زندانیان از زندان آزاد شد. وی طی درگیری نابرابری در ۲۰/خردادماه/۶۱ در شهر تهران شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حسین مدنی

کاندیدای شهر کاشان که در فروردین ۶۱ طی درگیری در تهران شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حمید خادمی

از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن که پس از آزادی از زندان، در شهر زادگاه خود - گلپایگان - با استقبال بی نظیر مردم مواجه شد. کاندیدای گلپایگان که در جریان حماسه ی خونین ۱۲/اردیبهشت/۶۱ شهادت رسید.

★ مجاهد شهید محمد علی متقی

زندانی سیاسی زمان شاه و اولین سرپرست ذوب آهن ایران پس از پیروزی قیام ۲۲/بهمن، کاندیدای شهر لنجان که توسط دژخیمان خمینی در زمستان ۶۰ در زندان اوین شهادت رسید.

★ مجاهد شهید علی وشاق

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدای شهر نطنز که در ۱۰/مهرماه/۶۰ در زندان اوین شهادت رسید.

استان باختران (کرمانشاهان)

★ مجاهد شهید محسن فرشید

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدای از شهر باختران که طی یک درگیری در روز ۸/مهرماه/۶۰ در تهران شهادت رسید.

★ مجاهد شهید نصرالله مظهری

زندانی سیاسی رژیم شاه و کاندیدای از شهر باختران که در شهر بروجرد شهادت رسید.

★ مجاهد شهید اصغر محکمی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدای از کنگاور که در زمستان ۶۱ در تهران شهادت رسید.

★ مجاهد شهید غلامرضا خاکسار

کاندیدای از قصرشیرین که روز ۲۰/آبانماه/۶۰ در شهر همدان به جوخه ی اعدام سپرده شد و به شهادت رسید.

★ مجاهد شهید ابوالفضل دلنواز

کاندیدای از اسلام آباد که روز ۳۰/آذرماه/۶۰ طی یک درگیری نابرابر در تهران شهادت رسید.

استان تهران

★ سمیل زن انقلابی مجاهد

شهید اشرف ربیعی (رجوی)

کاندیدای تهران - زندانی سیاسی رژیم شاه خائن که در حماسه ی عاشورای مجاهدین در ۱۹/بهمن/۶۰ در کنار سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی شهادت رسید.

★ مجاهد شهید معصومه شادمانی (گبیری)

مادر قهرمان مجاهد خلق معصومه شادمانی که حماسه ی مقاومت قهرمانانه اش در برابر دژخیمان ساواک و شکنجه گران خمینی جلاد، یکی از درخشانترین صفحات کارنامه ی پر افتخار مادران مجاهد خلق است. کاندیدای شهر تهران که در ۵/دی/۶۰ در زیر شکنجه ی جلادان خمینی شهادت رسید.

★ مجاهد شهید ناصرولی

کاندیدای شهر دماوند که در ۱۳/شهریور/۶۰ در زندان قائمشهر شهادت رسید.

استان چهارمحال بختیاری

★ مجاهد شهید نجف بنی مهدی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن کاندیدای از شهر گُرد که پس از ماهها شکنجه ی وحشیانه توسط دژخیمان خمینی سرانجام روز ۲۳/مرداد/۶۰ در زیر شکنجه شهادت رسید. روزنامه های جیره خوار رژیم، شهادت مظلومانه ی او را خودکشی در زندان قلمداد کردند.

استان خراسان

★ مجاهد شهید عالییه بازرگان

مادر مجاهد عالییه بازرگان کاندیدای شهر مشهد که طی نبردی قهرمانانه در تهران در اردیبهشت ۶۱ شهادت رسید.

★ مجاهد شهید فرمانده محمد منصوری

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدای شهر تربت حیدریه که در جریان نبردی نابرابر در شهریورماه ۶۱ در تهران شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حسین ایمانی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدای از جاجرم بقیه در صفحه ۱۶

یاد ۵۴ شهید مجاهد خلق از کاندیداهای اولین

کاندیداهای انقلابی مجاهد خلق با فعالیت‌های افشاگرانه و آگاه‌کننده‌ی خود در جریان انتخابات، پیام انقلاب را به میان توده‌ها بردند و از آن پس نیز چه در فاز سیاسی و چه در دوران مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه، در اوج وفاداری به راه خدا و خلق و با پذیرش نبرد و شهادت انقلابی در راه به ثمر رسیدن انقلاب نوین خلق مان و برپایی ایرانی مستقل، آزاد و آباد، پای فشردند و خون خود را فدیه‌ی راه‌های خلق در زنجیر مان ساختند.

ابتدا، از جانب عموم نیروهای انقلابی و مترقی مردود شناخته شد.

از همان هنگام به روشنی آشکار گردید که حضور حتی یک نماینده‌ی انقلابی در مجلس مورد نظر خمینی، برای او و باند جنایتکارش قابل تحمل نیست؛ چرا که ماهیت ضد مردمی ارتجاع خمینی و سرشت انحصارطلبانه‌ی آن با حضور نمایندگان انقلابی در مجلس و نتیجتاً پیگیری و تلاش در جهت برآورده ساختن حقوق مردم و گام برداشتن در جهت سعادت و بهروزی آنان، اساسا در تعارض است و او تنها سرسپردگان "بلدقربان" گوئی را می‌خواهد که بر آدمکشی‌ها، بحران‌سازی‌ها و جنگ‌افروزی‌هایش مَهْر تأیید بزنند و قبای "قانون" و مشروعیت پارلمانی برای رژیم ضدبشری‌اش بدوزند.

به همین دلیل بود که از همان آغاز فعالیت‌های انتخاباتی،

انواع و اقسام محظورات و تبعیضات ارتجاعی و انحصارطلبانه دربارهی کاندیداهای انقلابی و مردمی اعمال گردید تا شاید بدینوسیله، نمایندگان واقعی مردم را از میدان بدر کنند. متقابلا کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه و در رأس همه بیش از ۱۴۰ کاندیدای مجاهدین در سراسر کشور، بنابر مسئولیت و تعهد انقلابی خود در قبال خلق، بیش از پیش بر فعالیت‌های افشاگرانه و آگاه‌کننده‌ی خود افزودند و با اتکا به فعالیت پیگیر میلیشیای مردمی توانستند تا دورافتاده‌ترین نقاط کشور، پیام انقلاب و اهداف پیشتازان مجاهد را بگسترانند و گام مهمی در جهت ارتقاء آگاهی‌های انقلابی و سیاسی توده‌های مردم بردارند. میتینگ‌های پرشکوه انتخاباتی در تهران، تبریز و رشت و برگزاری صدها جلسه‌ی سخنرانی آگاه‌کننده و افشاگرانه‌ی دیگر در شهرها و مناطق مختلف کشور، نمونه‌هایی از این فعالیت

هفته‌ی آینده، نمایش دومین دورهی انتخابات فرمایشی مجلس نامشروع رژیم خمینی برگزار می‌شود. انتخاباتی که برگزاری آنرا باید یکی از مسخره‌آمیزترین و وقیحانه‌ترین نمایشات تبلیغی و ارتجاعی رژیم خمینی دانست. آخر دجال خون‌آشام در شرایطی که موج سرکوب و اختناق ضدبشری‌اش، هر روز صدها تن از رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز خلق را

روان‌های میدان‌های اعدام و یا سیاهچال‌ها و شکنجه‌گاه‌ها می‌سازد و با ادامه‌ی جنگی که تنها او خواستار آن است، علاوه بر به مسلخ فرستادن ده‌ها هزار قربانی، تمامی سرمایه‌ها و منابع مادی این میهن را نیز به تباهی و نابودی گشانده است؛ وقیحانه از میلیون‌ها قربانی دیگر این همه جنایت و خیانت می‌خواهد تا در صحنه حضور پیدا کنند و بر انتصایات ضد مردمی او مَهْر

تأیید بزنند تا او مجلسی دیگر از سرسپرده‌ترین مزدوران خود برپا سازد. مجلسی که بی‌تردید از کمترین مشروعیت و اعتبار مردمی برخوردار نبوده و نخواهد بود.

گماینگه انتخابات اولین دورهی مجلس نیز، اگر چه در زمانی صورت گرفت که هنوز آخرین ثمرات و دستاوردهای قیام ضدسلطنتی مردم، در زیر سم ستوران خمینی و اعوان و انصارش لگدکوب و پایمال نگردیده بود و هنوز علیرغم تمهیدات و اقدامات ارتجاعی و انحصارطلبانه‌ی باند خمینی، از موج سرکوب و تیرباران خبری نبود و خمینی استبداد مطلقه و ولایت سفیانی خود را بطور کامل برقرار نساخته بود، اما ارتجاع حاکم با تقلبات گسترده‌ی خود، تمامی کاندیداهای انقلابی و مجاهد را از ورود به مجلس مانع شد و بدین ترتیب با غیرواقعی بودن نتایج انتخابات، مجلس خمینی از همان



مجاهد شهید
فضل‌الله تدین



مجاهد شهید
معصومه شادمانی (مادر کبیری)



مجاهد شهید
مهدی ابونئی



مجاهد شهید
دکتر محمد علی پورمسله‌گو



مجاهد شهید
غلامرضا خاکسار



مجاهد شهید
محمد منصور



مجاهد شهید
محمد مصباح



مجاهد شهید
ابوالحسن تقی‌آبادی

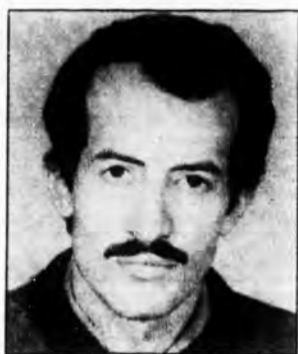
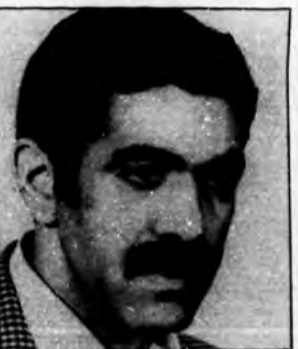


مجاهد شهید
عالیه بازگان



مجاهد شهید
حسین ایمانی

دوره فعالیت‌های انتخاباتی مجلس گرامی باد

مجاهد شهید
محمود ملک مرزبانمجاهد شهید
محمد حسین جنتیمجاهد شهید
علی وشاقمجاهد شهید
دکتر محسن فرشیدمجاهد شهید
معصومه افشار

دشمنان خلق و سدکنندگان راه رشد و رهائی توده‌ها باز نایستادند و بسیاری همچون مادر قهرمان مجاهد خلق "کبیری" (کاندیدا از تهران) با مقاومت حماسی و شگرف خود در برابر مزدوران ساواک و دژخیمان خمینی، ابعاد پرشکوهی از "مقاومت" عنصر موحد مجاهد خلق را در برابر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و تا مرز طاقت انسان ترسیم کردند. همچنین شرح شکنجه‌ها و مقاومت قهرمانانه‌ی مجاهدین شهید

نجف بنی مهدی (کاندیدا از شهرگرد) و علاء گوشالی (کاندیدا از لاهیجان) و... که در زیر شکنجه بشهادت رسیدند، از دیگر نمونه‌های مقاومت قهرمانانه‌ی این شهیدان است. و یا باید به حماسه‌های پرشور و نبردهای نابرابر اما قهرمانانه‌ی مجاهدین قهرمان حمید خادمی (کاندیدا از گلپایگان)، فضل‌الله تدین (کاندیدا از اصفهان)، حسین جلیلی پروانه (کاندیدا از فردوس)، حسین جنتی (کاندیدا از

اصفهان)، جواد زنجیره فروش (کاندیدا از تبریز)، نبی-مغظمی (کاندیدا از جهرم)، محمد مصباح (کاندیدا از یزد)، حسین پیش‌بین (کاندیدا از خمین) و... در برابر تهاجمات و وحشیانه‌ی پاسداران جنایتکار خمینی اشاره کنیم؛ که در آنجانب‌های صحنه‌های دیگری از استواری و سازش‌ناپذیری "مجاهد خلق" در برابر دشمن خدا و خرد و نبرد بی‌امان و تا آخرین گلوله و آخرین نفس را به نمایش

گذاشتند. قهرمانانی که بنا بر سنت اولین شهید مجاهد خلق "احمد رضائی"، نگذاشتند دشمن جز بر پیگر بی‌جان و سلاح خالی از فشنگ‌شان دست یابد.

بی‌تردید نام این قهرمانان دلیر مجاهد خلق، به مثابه‌ی نمایندگان واقعی مردم و سمبل‌های وفاداری به خلق و استواری و پایمردی در دفاع از استقلال و آزادی میهن و رهائی و بهروزی توده‌های مردم برای همیشه در تاریخ میهنمان جاودان خواهد ماند.

اینک ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره‌ی تمامی شهدای انقلاب نوین خلقمان، اسامی و مشخصات ۵۴ تن از کاندیداهای شهید سازمان مجاهدین خلق ایران را از نظراتان می‌گذرانیم:

(در صفحات ۱۳ و ۱۶)

گسترده بودند. به این ترتیب اگر چه هیچکدام از کاندیداهای مجاهدین، بدلیل انحصارطلبی بی حد و حصر خمینی و تقلبات گسترده‌ای که صورت گرفت به مجلس راه نیافتند؛ اما آنها توانستند در یکی از مقاطع مهم جنبش میهنان، وظایف انقلابی و مردمی خود را به خوبی انجام دهند و به تعهد و مسئولیت خود در قبال سرنوشت مردم، وفادارانه عمل کنند.

و چنین بود که از فردای ۳۰ خرداد و با فروافتادن آخرین نقاب‌های تزویر و ریا از چهره‌ی خمینی دجال و آغاز مقاومت مسلحانه‌ی مشروع و سراسری خلق، آنها نیز همچون دیگر فرزندان رشید و آگاه انقلابی خلق، قدم به میدان مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه گذاشتند و در صحنه‌های مختلف آن حضور یافته و حماسه‌ها آفریدند. چرا که دیگر پس از پایان یافتن آخرین بقایای مشروعیت موضعی خمینی، دیگر

دفاع از خلق و انقلاب و نمایندگی کردن خواسته‌ها و حقوق حقه‌ی مردم، جز با گام برداشتن در مسیر سرنگونی رژیم خمینی به عنوان علت‌العلل همه‌ی نابسامانی‌ها، بحران‌ها، قتل و گستاخ‌ها و ویرانی‌ها میسر نبود و لذا آنان نیز وظیفه‌ی انقلابی و شرط پایبندی بر تعهد و مسئولیت خود در قبال خدا و خلق را حضور در متن اصلی مبارزه و شرکت همه‌جانبه در جریان نبرد پرشوری که به پیشتازی فرزندان

مجاهد خلق بر علیه خمینی جلاد و رژیم ضدبشری‌اش آغاز گشته بود، یافتند و با جان و دل پذیرای همه‌ی مشکلات، سختی‌ها، رنج‌ها، شکنجه‌ها و سرانجام شهادت سرخ انقلابی گشتند.

حماسه‌های پرشور مقاومت این فرزندان دلیر مجاهد خلق در پایگاه‌های مقاومت و شکنجه‌گاه‌ها و سیاهچال‌های خمینی که در عاشورای مجاهدین و با شهادت سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی (کاندیدا از تبریز) و سمیل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی (کاندیدا از تهران) به اوج شکوه خود رسید؛ بی‌تردید یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ میهنمان را رقم زده است.

انقلابیون پاکبخته‌ای که چه در برابر رژیم شاه خائن و چه در دوران حاکمیت ننگین خلف جنایتکار او خمینی جلاد، چه در فاز سیاسی و چه در فاز نظامی، دمی از مبارزه بر علیه

مجاهد شهید
حمید خادمیمجاهد شهید
جواد زنجیره فروشمجاهد شهید
علاء گوشالیمجاهد شهید
نصرالله مظهریمجاهد شهید
منصور امیرگافی

اسامی کاندیداهای شهید سازمان مجاهدین خلق ایران

بقیه/صفحه ۱۳

که در پائیز ۶۰ در زندان همان شهر به شهادت رسید.

★ مجاهد شهید مهدی/بوئی گشتلی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدا از بایلسر و بندی که در ۱۸/مرداد/۶۰ در شهر ساری به جوخی اعدام سپرده شد.

★ مجاهد شهید فرمانده محمود ملک مرزبان

کاندیدا از نوشهر که طی درگیری نابرابری روز اول/فروردین/۶۱ در تهران بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید مصطفی نیک‌گار

کاندیدا از شهسوار و از شخصیت‌های مبارز و محبوب آن شهر که در مهر ۶۲ در زندان به شهادت رسید.

استان مرکزی

★ مجاهد شهید/حمدشاد بختی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدا از اراک و عضو هیئت تحریریه نشریه مجاهد که در روز ۱۶/مرداد/۶۰ در زندان اوین به جوخی اعدام سپرده شد.

★ مجاهد شهید حسین پیش‌بین

کاندیدا از خمین و از بازاریان مبارز که چندین سال در زندانهای رژیم شاه خائن در اسارت بود. او روز اول دیماه سال ۶۱ در شهر زاهدان بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید محمدرضا شراقی

کاندیدا از شهر قم که در اسفند ۶۰ در یکی از پایگاههای مقاومت مجاهدین بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید سعید منبری

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدا از تفرش عضو هیئت تحریریه نشریه "نسل انقلاب" که در حماسه خونین ۱۲/اردیبهشت/۶۱ بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید محمد نوروزی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و کاندیدا از ساوه

استان یزد

★ مجاهد شهید محمد مصباح

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدا از شهر یزد که در روز ۱۳/اسفند/۶۰ به همراه همسرش رقیه مسیح پس از مقاومتی قهرمانانه در یکی از پایگاههای مقاومت مجاهدین در تهران بشهادت رسید. با شهادت این پدر و مادر مجاهد، نام خانواده‌ی کبیر مصباح برای همیشه در دفتر جاویدان شهدای راه آزادی میهن به ثبت رسید.

★ مجاهد شهید محمد جباری

کاندیدا از شهر قزوین و زندانی سیاسی رژیم شاه خائن که در مردادماه ۶۰ در زندان اوین به شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حسن بوئی

کاندیدا از ابهر، وی در شهریور ۶۰ در زندان تبریز به شهادت رسید.

استان فارس

★ مجاهد شهید نبی معظمی

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدا از جهرم که در روز ۲۰ خرداد ۶۱ طی یک درگیری نابرابر در تهران به شهادت رسید.

★ مجاهد شهید حبیب مباشری

کاندیدا از نیریز که روز ۲/مهرماه/۶۰ در زندان مشهد به شهادت رسید.

استان کرمان

★ مجاهد شهید منصور/میرگافی

کاندیدا از شهر بابک روز ۳/بهمن/۶۱ بشهادت رسید.

استان گیلان

★ مجاهد شهید محمد علی پور مسئله‌گو

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن کاندیدا از شهر رشت که در تهران مورد شناسائی پاسداران جنایتکار خمینی قرار گرفت و پس از تحمل شکنجه‌های فراوان در ۲۳/مردادماه/۶۰ در زندان اوین به جوخی اعدام سپرده شد.

★ مجاهد شهید سید/ابراهیم

سادات محسنیان صیقلانی

کاندیدا از صومعه‌سرا که در اواخر سال ۶۱ در جنگلهای هشتپر بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید علاء گوشالی

از چهره‌های مبارز و محبوب شهر لاهیجان که پس از تحمل شکنجه‌های فراوان در دی‌ماه ۶۰ زیر شکنجه بشهادت رسید.

استان مازندران

★ مجاهد شهید ابوالفضل کبیر

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدا از گرگان

که در مهرماه ۶۰ در شهر همدان در جریان نبردی قهرمانانه بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید محمود غلامیان

کاندیدا از درگز که در دی‌ماه ۶۰ در شهر مشهد طی یک درگیری بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید حسین جلیلی پروانه

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدای شهر فردوس و از مسئولین بخش اجتماعی سازمان در شهر تهران که روز ۱۹/اردیبهشت/۶۱ طی درگیری نابرابری در تهران بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید ابوالحسن تقی آبادی

زندانی سیاسی شاه خائن کاندیدای شهر نیشابور که در یک درگیری نابرابر در دی‌ماه ۶۰ در تهران بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید علی خراشادی زاده

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدای شهر بیرجند که در آخرین روزهای سال ۶۰ طی درگیری نابرابر و مقاومتی قهرمانانه در شهر تهران بشهادت رسید.

استان خوزستان

★ مجاهد شهید جلیل سوادنی نژاد

زندانی سیاسی رژیم شاه خائن، کاندیدای شهر آبادان که در اولین ساعات نوروز سال ۶۱ طی مقاومت قهرمانانه‌ای در یکی از پایگاههای مقاومت مجاهدین در تهران بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید غلامنهای

کاندیدای شهر بهبهان در سال ۶۱ که طی یک درگیری مسلحانه در شهر بندرعباس بشهادت رسید.

★ مجاهد شهید معصومه افشار

کاندیدا از خرمشهر و از زنان انقلابی و مبارز شهر مشهد که در سالهای سیاه خفقان جلسات افشاگرانه و آگاه‌کننده‌ای را برگزار مینمود. وی در بهار ۶۱ طی درگیری در تهران به شهادت رسید.

★ مجاهد شهید فتنه زارعی

کاندیدا از گچساران که در مهرماه ۶۱ در زندان بندرعباس به شهادت رسید.

استان زنجان

★ مجاهد شهید فرج‌الله ارغوانی

کارگر مجاهد فرج‌الله ارغوانی کاندیدای شهر زنجان که در مردادماه ۶۰ در زندان تبریز به شهادت رسید.

سرکوب روستائیان مهاجر

بقیه از صفحه ۱۲

(آنهم عمدتا به شیوه‌ای قدیمی، پراکنده و با راندمان کم) به زیرکشت می‌رود (کیهان ۱۴/اسفند/۶۲). بسیار هستند کشاورزانی که مانند کشاورزان محروم سیستانی فریاد می‌کنند که سه سال است حاصل کارشان را آفت گیاهی از بین برده و اداره‌ی کشاورزی کوچک‌ترین کمک‌ی در این زمینه به آنها نکرده است. به همین دلیل است که کشاورزان به صورت گسترده‌ای از کشت مجدد بر روی زمین منصرف گردیده‌اند. (اطلاعات ۱۲/۸/۶۲)

طبق اعتراف کارگران رژیم، در برخی مناطق بدلیل نرفتن گندم به بازار مناسب فروش، کشاورزان تیره‌بخت، ساقه‌های سبز گندم را خوراک دام خود کرده‌اند، بسیاری از محصولات درختی، بخصوص سیب در آذربایجان غربی و شرقی بدلیل بی‌توجهی و پشت‌کوش انداختن رژیم جهت کمک به حمل و نقل آن به بازار، بالکل از بین رفت و هر کدام از ادارات ذیربط، دیگری را مقصر قلمداد نمود. (اطلاعات ۱۵/مرداد/۶۲ و ۲۳/آبان/۶۲)

کمبود راه ارتباطی، صدها هزار دام را در آستانه‌ی تلف شدن قرار داد و کمبود علوفه و خشکسالی، کشاورز سیه‌روز خوزستانی را وادار نمود تا میش ۳۵۰۰ تومانی خود را تنها به قیمت صد تومان به فروش برساند و آن دیگری که تلف شدن گاوها را در خشکسالی می‌بیند، گاو بیست‌هزار تومانی خود را به قیمت ۲ تا ۳ هزار تومان بفروشد. و تازه ادارات غارتگر و بی‌خاصیت رژیم چشم‌براه واردات علوفه دوخته‌اند تا برای استان خود مختصر سهمی دریافت دارند. (خطر تلف شدن دام‌ها به حدی حاد است که باصطلاح نماینده‌ی بوشهر از دولت خواسته است "بطور ضربتی" ۱۵ هزار تن جو و علوفه به استان بوشهر ارسال نماید) (کیهان ۱۲/۳/۶۲) به همین دلیل در برخی مناطق مانند گرگان، کشاورزان از طریق خرید گرانقیمت نان خشک (کیلوئی ۳۵ تا ۴۰ ریال)، کمبود علوفه‌ی دام‌های خود را جبران کردند و در تهران، دامداری‌ها از طریق جمع‌آوری زباله‌های خانه‌ها در کوچه و خیابان، خوراک آلوده برای

دام‌ها تهیه نمودند که به بیمار شدن دام‌ها منجر شده و مستقیماً بر روی گوشت و شیر آنها تاثیر می‌گذاشت. (اطلاعات ۲۳/آبان/۶۲ و ۷/تیر/۶۲ و کیهان ۱۷/اسفند/۶۲)

از سوی دیگر در شرایطی که بدلیل عدم کمک دولت، محصول اندک کشاورزی مملکت روی دست روستائیان مانده و با قیمت مناسب به بازار نمی‌رسد، حجم سرسام‌آور واردات، بطور مضاعف به مسدود کردن راه ورود محصول داخلی به بازار و نهایتاً به ضایع کردن و از ریشه‌خشکاندن آنها منجر می‌شود. به عنوان

ایادی و ارگان‌های رژیم چه برای خود و چه برای جبهه‌های جنگ، نتوانسته است کمترین تعادلی در توزیع کالا و ارزاق عمومی بین شهرها و روستاها برقرار نماید و به عبارت بهتر اغلب روستاهای کشور را از جدول توزیع کالا حذف کرده است! به همین جهت گرانی و کمبود کالا در روستاها بیداد می‌کند. و اگر کالائی به ندرت پیدا شود، قیمت آن به مراتب بالاتر از قیمت سرسام‌آور آن در شهر می‌باشد.

علیرغم فقر و محرومیت زایدالوصف روستائیان، ایادی خمینی از مزدوران سرکوبگر "جهاد سازندگی" و "شورای اسلامی روستا" گرفته تا آخوندهای جنایتکار و پاسداران و کمیته‌چی‌های ضدخلقی، روستائیان فقیر را به بهانه‌های مختلف، منجمله کمک به جبهه‌ها،

بین رفته‌اند و مردم هم شروع کرده‌اند به خالی کردن روستا در یک مدت کوتاهی" (کیهان ۲۹/آذر/۶۲)

علاوه بر مسائل فوق‌الذکر، اذیت و آزار روستائیان توسط مالکین و فئودال‌های سرسپرده به خمینی، که در سایه پاسداران و با حکم حکام ضدشرع، از مدت‌ها پیش به جان و مال و ناموس روستائیان تعدی می‌کنند را نیز، باید به انبوه مصائب روستائیان تحت‌سهم افزود. کار بجائی رسیده که حتی بنا به اعتراف فاضل هرنندی عضو مجلس ضدخلقی، یکی از محاکم رژیم، به بهانه‌ی تمام مکانیزه بودن روستا، حکم تخلیه‌ی کامل روستا را از اهالی آن، به نفع فئودال مدعی مالکیت روستا، صادر کرده‌است. (کیهان ۱۲/۱۰/۶۲) حال در شرایطی که بدلیل انهدام تولید کشاورزی، عدم



"شوراهای اسلامی روستا" از روز اول شروع جنگ تحمیلی به تقویت پشت جبهه‌ها و اعزام نیروی انسانی به خط مقدم جبهه اقدام کرده‌اند. (اطلاعات ۲۲/خرداد/۶۲).

تعدادی از روستائیان نگون‌بخت که در تهاجمات اخیر رژیم موسوم به "الفجر ۶" و "خیبر" به اسارت نیروهای عراق درآمده‌اند. این عده از میان هزاران هموطن روستایی اعزام شده به جبهه میباشند که در مرداب‌های اطراف هورالمهویزه و مجنون مدفون نشده و یا بر روی مین‌ها تکه پاره نگشته‌اند.

نمونه واردات گندم از ۹۵۸/۰۰۰ تن در سال ۵۸، به حدود ۳/۰۰۰/۰۰۰ تن در سال ۶۲ (یعنی بیش از ۳ برابر) گوشت قرمز از ۱۲۵/۸۰۶ تن در سال ۵۸ به ۴۰۰/۰۰۰ تن در سال ۶۲ (بیش از ۳ برابر) و علوفه از ۴۶۳/۰۰۰ تن در سال ۵۸ به ۲/۰۰۰/۰۰۰ تن در سال ۶۲ (بیش از ۴ برابر) افزایش یافته است (کیهان ۷/شهریور/۶۲) و آذر و ۳۰/بهمن/۶۲). در واقع رژیم ضدخلقی خمینی به‌جای هرگونه اقدام اساسی در جهت اعتلای کشاورزی مملکت و رفع نیازهای جامعه با محصولات داخلی، به وارد کردن بی‌وقفه کالا از هر قماش، آنهم به بهای به تاراج دادن نفت مملکت پرداخته است.

در کنار عوامل فوق، بایستی به سیستم فاسد توزیع در رژیم خمینی اشاره کنیم که چه به لحاظ ماهیتی و چه به لحاظ عدم توانمندی و سیستم‌سازی مرتجعین و افزون بر این به خاطر چپاولگری‌های

می‌دوشند و جوانان و حتی سالمندان روستائی را با فریب و اجبار به خط مقدم جبهه‌های مرگ و نیستی گسیل می‌دارند. تا جائی که گفته می‌شود آمار نیروهای روستائی حاضر در جبهه (بویژه در خطوط مقدم آن) بر مراتب بیشتر از نیروهای اعزامی از شهرها می‌باشد.

فقدان خدمات درمانی تلفات سنگینی از روستائیان بویژه کودکان آنها می‌گیرد و ساده‌ترین بیماریها در مناطق روستائی شیوع پیدا کرده و به مرگ افراد زیادی منجر میگردد. در بسیاری از مناطق روستائی کشور (بویژه مناطق دورافتاده و محروم) گاه هیچگونه بهداشت و درمانی وجود ندارد و گاه در یک منطقه، "اپیدمی"، تنها با انبوه قربانیان خود دفن میشود! حتی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم اعتراف میکند که: "در یک روستای بزرگ بخاطر اینکه پزشک نبوده، چند بیمار در فاصله‌های کمی از

تقسیم زمین در روستاها، فقدان کمکهای ضروری در زمینه‌ی ابزار و ماشین‌آلات، دفع‌آفات، عدم آموزشهای لازم جهت اصلاح تولید و محرومیت از دارو و درمان و آموزش و فرهنگ و... روستاهای کشور از فقر و محرومیت می‌سوزند، میلیون‌ها روستائی در روستاها، روزهای عسرت‌بار بیکاری و بی‌چیزی و ناامیدی خود را می‌گذرانند و باعتراف ایادی رژیم "۸۰ در صد" از آنها "مثل دام‌هایشان" و حتی در بسیاری نقاط محروم، "پایین‌تر" از دام‌هایشان زندگی می‌کنند و به آنها "نیم متر پارچه"، "فند و نان"، "علوفه" نمی‌رسد و حتی "علوفه را کیلوئی ۱۰-۱۲ تومان از بازار سیاه تهیه می‌کنند!!" دیگر چه انگیزه‌ای برای این قربانیان جنایت عظیم خمینی، جهت ماندن در گورستانی بنام روستا می‌ماند؟! (کیهان ۳/اردیبهشت/۶۲، ۳۰/خرداد/۶۲ و ۲۰/اسفند/۶۲).

بر خلاف دجالگری‌های

خیانت‌بار موسوی نخست‌وزیر خائن خمینی در رابطه با جاذبه‌های شهر و منجمله اینکه روستائیان به شهر می‌آیند برای: "... استفاده از مساجد تهران، از مساجد شهرهای بزرگ، از نماز جمعه‌های گسترده‌ی این شهرها، می‌آیند برای استفاده از راهپیمائی‌های شورانگیز (!)، به شهر می‌آیند چهره‌ی نورانی امام را احتمالاً ببینند، این جاذبه‌ی بسیار خوبی است..." (کیهان ۲۹/آذر/۶۲)، روستائیان سیه‌روز برای فرار از جنگال عفریت‌گرستی و مرگ خود و خانواده‌ی تحت‌تکفلشان به شهرها سرازیر می‌شوند برای تف کردن بر روی صورت نحس امام رذالت‌پیشگان که آتش به خرمن هستی و خانمان آنها زده است. آنها می‌آیند تا به هر نحوی که شده خود را در شهرها به رژیم تحمیل کنند و صدالبته آنها در این سفر با آینده‌ای نامعلوم و گنگ، بر نوعدوستی و مردم نوازی ذاتی هموطنانشان در شهرها امید بسته‌اند. بدون تردید هیچکس از فاجعه‌ی تخلیه‌ی روستاهای میهنمان استقبال نمی‌کند، اما از آن مهمتر هر ایرانی نوعدوست، مهاجرت روستائیان را تنها چاره‌ی این ستمزدگان برای گریز از مرگ و قحطی قلمداد کرده و آن را در کادر مقاومت مردمی سراسری در برابر رژیم ضدخلقی خمینی تجزیه و تحلیل می‌نماید.

رژیم مسئله

"مهاجرت روستائیان"

را چگونه حل می‌کند!؟

بدین گونه است که روستائیان تحت ستم رو به شهرهای بزرگ و کوچک می‌آیند. هرکس آخرین مایملک و موجودی خود اعم از زمین یا دام را به کمترین قیمت فروخته - و یا بعضاً زمین را بحال خود رها کرده - و به همراه خانواده‌ی خود به شهر کوچ می‌نماید. حتی بنا بر اظهار یکی از ایادی رژیم، روستائیان جنوب به شیخ‌نشین - های حوزه‌ی خلیج فارس نیز کوچ می‌نمایند. (کیهان ۲/۳/۶۲) البته این کوچ مستمر، بطور سیستماتیک برخی ساکنین شهرهای کوچک را نیز به سمت شهرهای بزرگتر می‌کشاند. که در این میان تهران جمعیت مهاجر بیشترین جمعیت مهاجر میباشد. شهرکها و محلات حاشیه‌ای شهر تهران موسوم به حلبی‌آباد، حمیرآباد، زورآباد و ... روز به روز گسترش بیشتری می‌یابند و بقیه در صفحه ۲۰



بقیه از صفحه ۱۱

سیزده بهمن

— کجا میریم؟

— بعدا می فهمی؟

و بعد مرا به طرف ماشینی که در کنار درب خروجی ایستاده بود هل داد و پس از سوار شدن دستهایم را در زیر زانوهایم با دستبند قفل کرد و وقتی راننده و یک پاسدار یوزی بدست دیگر رسیدند، چشمهایم را بستند و درب بزرگ "اوین" باز شد و از زندان بیرون آمدیم.

با اینکه چشمهایم بسته بود ولی از سرعت ماشین و حرفهای پاسداران فهمیدم که از خیابان "ونک" داخل اتوبان شده‌ایم و به طرف میدان "آزادی" میرویم. سرعت ماشین خیلی زیاد بود. لحظه‌ای با خود فکر کردم که اگر کنار درب ماشین بودم، می‌توانستم همین جا مسئله را تمام کنم، ولی چنین امکانی وجود نداشت.

سرانجام به فرودگاه رسیدیم. اندکی قبل از وارد شدن به محوطه فرودگاه چشمم بندم را برداشتم و دستهایم را باز کردند. یکی از پاسدارها یوزی‌اش را به راننده داد و کلت او را گرفت و پس از آنکه ما پیاده شدیم و ماشین به طرف اوین حرکت کرد، در حالیکه دستهایم را از دو طرف قرص و قایم گرفته بودند، به طرف درب سالن راه افتادند. دم درب ورودی کلت‌هایشان را تحویل دادند، ولی پس از ورود دوباره گرفتند و مرا بطرف صندلی‌هایی که در آنجا به چشم می‌خورد، بردند. مردمی که برای مشایعت بستگان خود در سالن فرودگاه بودند با تعجب من و پاسداران همراهم را می‌نگریستند، مخصوصاً سرو وضع و پاهای مجروح و غیرطبیعی من حسابی آنها را حساس کرده بود. پاسداران که از نگاههای سنگین افراد حاضر در سالن حسابی ناراحت شده بودند، اجباراً دستهای مرا رها کرده و چهار چشمی به کنترل من پرداختند.

مدتی در انتظار گذشت و سرانجام سرو و کله‌ی دو پاسدار دیگر پیدا شد. از مشهد و بخاطر من آمده بودند؛ رسیدی دادند و مرا تحویل گرفتند و بطرف هواپیما راه افتادیم. در اینجا دو حادثه‌ی ظاهراً بی‌اهمیت بموازات هم رخ داد

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی از زندان‌ها و شکنجه‌گاههای رژیم ضدبشری خمینی

که در سرنوشت من تأثیری تعیین کننده داشت و شاید (بعد از آمادگی‌های لازم ذهنی و جسمی) این دو عامل را بتوان از علل برجسته‌ای که فرار مرا تسریع کرد، به حساب آورد. پاسداران مشهدی تنها یک بلیط هواپیما داشتند و می‌خواستند با آن یک بلیط وارد هواپیما بشوند و پس از جر و بحثی کوتاه، سرانجام هنگامیکه مسئول مربوطه را تهدید کردند، وارد باند شدیم، اما دیگر دیر شده بود. مسئول پرواز به هواپیما رفته و درب‌ها بسته شده بود و لحظاتی بعد در برابر نگاههای خشمگین پاسداران، هواپیما غرش کتان از زمین بلند شد و در افق محو گشت و ما در فرودگاه جا ماندیم. نمی‌دانستم چه پیش خواهد آمد، ولی از این حادثه احساس خوشحالی می‌کردم و هر لحظه عزمم برای فرار، جزم‌تر می‌شد و برآستی یک زندانی جز اینکه در ذهن و در عالم واقعیت بطور مداوم در سه ضلع مثلث "مرکز انقلابی - مقاومت - فرار" سیر و سیاحت بکند چه کار دیگری می‌تواند و باید بکند؟ جواب، روشن است: هیچ کار!

فرصتی بسیار کوتاه

وتلاشی برق آسا و موفق

... در هم ریختگی و آناارشی حاکم بر دستگاه عریض و طویل شکنجه و زندان و کستار، سرانجام فوایدش!! را نشان داد. پاسداران مشهدی پس از تلفنی کوتاه به اوین جواب شنیدند که: "بما مربوط نیست ما زندانی را داده‌ایم و رسیدش را هم گرفته‌ایم شما بروید راه آهن، ما بلیط قطار برایتان تهیه می‌کنیم" و پاسداران، گشان‌کشان و با عصبانیت و در زیر نگاههای پر خشم و نفرت مردم، مرا از سالن فرودگاه خارج کرده و ماشینی کرایه کردند و به طرف راه آهن، راه افتادیم. لحظاتی پس از حرکت، راننده‌ی ماشین، نیم نگاهی بمن انداخت و از یکی از پاسداران پرسید:

"سرو ریخت این برادر چرا اینجوریه؟!"

پاسدار با اوقات تلخی جواب داد:

"جسه بوده مجروح شده

حالا اومده پاهاشو معالجه کنه و برگرده ..."

حرف پاسدار را قطع کردم و گفتم:

"دروغ میگه من مجاهد خلقم و مرا شکنجه گره‌های خمینی در "اوین" به این حال و روز انداخته‌اند."

راننده با حیرت نگاهی به من انداخت و سری تکان داد و ساکت ماند و پاسداران با خشم مرا نگرستند. احساس آرامش کردم. بقول معروف "از جان گذشته را به مدد احتیاج نیست." دیگر چه می‌خواستند بکنند.

صدای پاسدار، مرا از فکر بیرون آورد و به طرف سالن حرکت کردم. با سنگینی هرچه نامتر و با کندی زیاد راه می‌رفتم و هر یکی دو قدم، ناله‌کنان می‌ایستادم و پاسدار همراهم را مجبور به ایستادن می‌کردم. این کار را از هنگام



طرحی از شکنجه و مقاومت زندانی

دوباره به حرکت خود ادامه می‌داد. خیلی به اجرای نقشه نزدیکتر شده بودم، قبلاً تصمیم داشتم او را هل بدهم و فرار کنم، ولی دیگر احتیاج به این کار هم نبود. احساس می‌کردم همه‌ی انرژی‌م در پاهایم متمرکز شده و می‌توانم علی‌رغم جراحات‌ها، بسرعت برق، خودم را از او دور کنم. لحظه‌ای به گُلّتی که بر کمر پاسدار آویزان بود، نگرستم و تصمیم خود را گرفتم. ابتدا دمپایی‌ها را که مزاحم حرکت من بود بطوریکه او متوجه نشود از پایم بیرون آوردم و بین چک چهارم و پنجم پاسدار بود که به کنار دستفروشی‌های کنار میدان رسیدیم. زمان و مکان فرار همین‌جا بود. پاسدار برگشت و مرا نگرست و سرش را برگرداند و من به سرعت برق به پشت یکی از گاری‌ها پریدم و در طول گاری‌ها بطور خمیده و بطوریکه سرم پیدا نبود شروع به دویدن کردم. درد در تمامی استخوانهایم پیچیده بود، ولی بایست می‌رفتم این آخرین فرصت بود. بیست متر که دور شدم، ایستادم و وضعیت را چک کردم. پاسدار متوجه فرار من شده بود و سرگشته به اینسو و آنسو می‌دوید. معلوم بود جهت فرار مرا نمی‌داند. قلبم با شدتی عجیب می‌کوبید. به سرعت خودم را از لابلا‌ی مردم به خیابان روبروی خیابان "شوش" رسانیدم و داخل یک گاراژ شدم و وضعیت اطراف را چک کردم و بلافاصله بیرون آمدم و داخل یک ساندویچ فروشی شدم و دوباره اوضاع را بررسی کردم و ۵۰ تومانی را از جیبم بیرون آوردم و پس از طی خیابان کوچکی، یک تاکسی را متوقف کردم و سوار شدم و تاکسی به طرف "نازی‌آباد" حرکت کرد.

در تاکسی مرد میانسالی که تیپ فالانته‌ها را داشت با کنجکاوی به سرو وضع و بخصوص پاهای من نگرست و گفت:

"چی شده؟"

قیافه‌اش به نظرم مشکوک آمد، گفتم:

"هیچی، دعوا کرده‌ام زورم نرسید فرار کردم پاهایم موقع فرار زخمی شد"

مرد دوباره با کنجکاوی مرا نگرست و گفت:

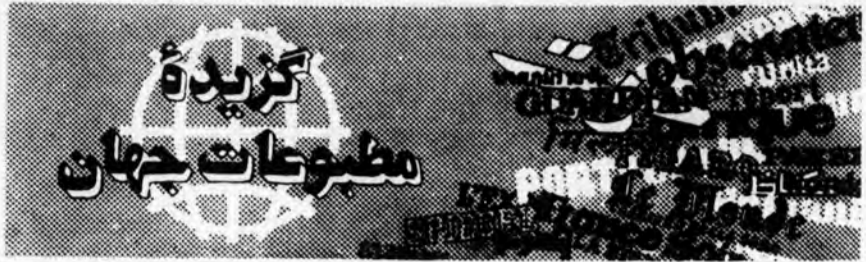
"راستش را بگو آگه راستش را بگی بهت کفش و لباس میدم"

در اینموقع مرد جوانی که کنار او نشسته بود دخالت کرد و گفت:

"بتو چه ربطی داره عموکه چیگاره‌اس، اصول دین می‌پرسی!"

بقیه در صفحه بعد

در میدان پر دود و دم راه‌آهن که پیاده شدیم، یکی از پاسداران، محکم دستم را چسبید و دیگری بر سر کرایه، مشغول چانه زدن شد. به اطرافم نگاه کردم. میدان راه‌آهن، وضعیت عادی‌اش را داشت. مردم می‌آمدند و می‌رفتند. دستفروش‌ها مشغول فروش اجناسشان بودند و اتوبوس‌های شرکت واحد، طبق معمول در ترافیک اطراف میدان گیر کرده بودند و آن طرف نیز، صف خرید بلیط مارپیچ‌وار ادامه داشت. در زیر این آرامش ظاهری تلاش کردم روزهای پر توفان آینده را مجسم کنم،



گزیده مطبوعات جهان

ایران، آیت الله و تمایلات آمریکا

بقیه از صفحه ۱۰

پاریس بسر می‌برند) قابل توجه است، اما خود آنها هم ضربات جدی و شاید غیر قابل جبرانی را خورده و هنوز نتوانسته‌اند رژیم را به مرحله‌ی سقوط بکشانند.

یک چیز جالب در ماههای اخیر، اشاره‌های مجاهدین مبنی بر علاقه داشتن به حمایت آمریکا می‌باشد. ضمن اینکه نباید هیچگونه نوهی در مورد عقاید جب این گروه داشت، اما بهرحال می‌آرزد که این راه (شانس) را باز نگه داشت. البته نه خیلی زیاد، ولی به هر حال شاید این گروه بتواند در دوران بعد از خمینی در ائتلاف ضد حزب جمهوری اسلامی نقش بازی بکند...

سیاست آمریکا

باید دولت‌های متحد غرب را تشویق به افزایش نفوذ غرب در ایران کرد. ایران علاقه‌ی شدیدی به برقراری رابطه‌ی تجاری با کشورهای جهان سوم و اروپای غربی دارد. بنابراین: کشورهای مانند پاکستان و ترکیه (در چارچوب کشورهای جهان سوم) و آلمان غربی و ایتالیا (در چارچوب کشورهای اروپای غربی) نقش آلترناتیو در مقابل نفوذ روسیه را دارند. ژاپن نیز بسیار مهم است. آمریکا باید بطور خصوصی چنین روابطی را تشویق کرده و امیدوار باشد که آنها را بعنوان کانال‌هایی برای متوجه ساختن ایران از تهدید روسیه و تشویق به عدم سیاست خصمانه در خلیج، استفاده بکند.

جنگ ایران و عراق

بهترین راه حفظ منافع آمریکا همان حفظ نقش بسیار کم در این جنگ می‌باشد. این می‌تواند شامل دادن تضمین به کشورهای سلطنتی خلیج در قبال حفاظت از آنها و حتی روابطی در سطح رد و بدل کردن اطلاعات و دادن وام و بهره به عراق باشد. بدست آوردن یکسری منافع محدود از یک عراق قوی، به ریسک نمی‌آورد.

آمریکا از به پایان نرسیدن جنگ منافی هم می‌برد: هر دو کشور درگیر و سرگرم هستند.

کشورهای عرب خلیج به ارزش حفاظت آمریکا از آنها بیشتر پی می‌برند.

غیره و ما می‌توانیم گسترش جنگ را با کمک به عربستان و شیخ‌نشین‌ها محدود بکنیم. برخلاف ادعای ایران و عراق، آمریکا کار چندانی نمی‌تواند بکند.

گروه آخری حداقل به دو جناح متخاصم شقه شده است. توده و "اکثریت" فدائیان، رژیم کنونی را حمایت می‌کنند. مجاهدین و تعدادی از گروه‌های کوچکتر مانند "اقلیت" فدائیان، جنگ چریک شهری را هدایت می‌کنند و توانسته‌اند تعدادی از مهره‌های اصلی دولت را ترور بکنند.

تحلیل‌گران غربی عموماً در پایگاه حمایت جب عراق کرده‌اند، چرا که آنها قدرت رژیم را نمی‌بینند و توجه به محدودیت قدرت تجدید نیرو و مهات جب و موفقیت رژیم در به انحصار گرفتن اسلام با "جذبه‌ی روحانی" خمینی ندارند (نیروهای تبعیدی در تلاش برای بدست آوردن حمایت غرب، هم نیروهای جب و هم پایگاهشان را بزرگ کرده‌اند. زیرا که آنها هنوز قدرت سیاسی اسلام در به مبارزه طلبیدن را درک نکرده‌اند).

حمایت حزب کمونیست از رژیم در جهت نفوذ و همچنین حفظ بقاء بوده است. چرا که بدون این موضع (حمایت از رژیم) در سطح عموم و علنی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ایرانیان عموماً حزب را نوکر روسیه می‌دانند و مورد آزار و تحت تعقیب قانونی متناوب بوده‌اند. کمیت کوچک و قدرت سیاسی حزب توده، چیزی در حد غلبه‌ی کامل روسیه، می‌تواند آن را به قدرت برساند و خودش چنین قدرتی را ندارد و دستگیری رهبران بالای این حزب در مارس ۱۹۸۳، شانس آنرا باز هم پائین‌تر برد.

مجاهدین که بهتر است آنها را مسلمان‌های چپ بنامیم (نه عنوان همیشگی آنها، مارکسیست‌های اسلامی) مبارزه‌ی چشمگیری را علیه دولت از تابستان سال ۱۹۸۱ شروع کردند. عدم توانائی رژیم در نابود کردن آنها در داخل ایران (بعضی از رهبران آنها در تبعید در

آنجائی که فکر می‌کردم اوین در آنجا قرار دارد نگرستم و به سرعت برق، سولونها، دادگاهها، جلسات بازجوئی، چهره‌های تابناک خواهران و برادران شهید و اسیر، کابل‌های خون چکان، صدای شلیک گلوله‌های خلاص، قهقهه‌های شکنجه‌گران، چهره‌های لاجوردی و گیلانی و در راس همه خمینی، اتاق‌های در بسته‌ی اعدام، استخراوین و... همه چیز در ذهنم مجسم شد... آری همه چیز با خود اندیشیدم پس از این چه می‌بایست بکنم، گوئی از اوین با بلندترین صدا جواب مرا می‌دادند: "پیوستن به سازمان پیش‌تاز انقلاب و نبردی سهمگین تا سرنگونی رژیم خمینی و تا آخرین قطره‌ی خون" (پایان گزارش اول)

نشریه‌ی رسمی اتحادیه‌ی کارگران مخابرات انگلستان

A matter of life and death

مسئله مرگ و زندگی

نوشته‌ی: "تونی کلارک" (فائز مقام دبیرکل اتحادیه‌ی کارگران مخابرات انگلستان و عضو کمیته‌ی اجرائی حزب کارگر انگلستان)

وامی دارد. مجاهدین خواهان جامعه‌ای هستند که بر پایه‌ی عدالت و آزادی بنا شده باشد و سازمان آنها به دلیل پافشاری بر چنین عقایدی، شدیداً مورد حملات جانی توسط رژیم خمینی است. آنها همچنین سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز را با کشورهای همسایه‌ی خود در خاورمیانه دنبال می‌کنند.

دبیر کل ما در تأیید مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی آنان، نامه‌ای به سازمان ملل متحد نوشته است. او در این نامه خواستار پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر و اعطای حق ایجاد تشکلات صنفی کارگری در ایران شده است. چنین سیاست مشابهی (شناسائی حق ایجاد تشکلات صنفی برای کارگران و پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر) توسط کنفره‌ی سراسری اتحادیه‌های کارگری انگلستان (TUC) و حزب کارگر هم مورد تأیید قرار گرفته است. هر کدام از ما می‌توانیم خیلی بیشتر فعال باشیم. هر عضو اتحادیه‌ی کارگران مخابرات انگلستان (UCW) و شعبات محلی می‌توانند کمک‌های مالی خود را به اتحادیه‌ی انجمن دانشجویان مسلمان - صندوق پستی ۹۲۷۰ (لندن، شماره‌ی WCIN3XX) بفرستند.

پیام‌های حمایت هم با ارزش بوده و به مجاهدینی که در داخل کشور در حال جنگ با خمینی‌اند، ارسال خواهد شد. ما باید به آنها کمک کنیم تا در این نبرد پیروز شوند.

اخیراً ما بعنوان یک شکل اتحادیه‌ی صنفی بیش از حد توانائی مشکلات داشته‌ایم. اما بیائید کمی به کارگرانی ببینیم که اصل مسئله‌ی ایجاد تشکلات صنفی آنان، نه تنها آسان نبوده، بلکه مسئله‌ی مرگ و زندگی است. در ایران تمامی فعالیت‌های تشکلات صنفی بطرز وحشیانه‌ی سرکوب شده و کارگران در صورت اعتصاب، سریعاً در مقابل جوخه‌های اعدام قرار می‌گیرند. درک واقعی میزان اختناق در این کشور کاری بس مشکل است، ولی اخیراً من در دفترم در مرکز اتحادیه، با خانمی از اعضای اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان ملاقاتی داشتم که او جزئیات عینی و حسگری‌ها را تشریح کرد. برای سال‌های سال حقوق توده‌ی مردم توسط شاه پایمال شده بود؛ امروز آیت‌الله خمینی حکومت ترور برقرار کرده است؛ هرگونه فعالیت سیاسی ممنوع شده و بیش از ۳۰/۰۰۰ نفر اعدام شده‌اند که تعدادی از کارگران اعتصاب‌کننده در شعب کارخانه‌های جنرال‌موتور و تالبوت جزو این اعدام‌شدگان هستند. لایحه‌ی قانونی عرضه گردیده که رسماً وجود اتحادیه‌های صنفی را ممنوع و به کارگزاران افراد خردسال را مجاز دانسته است. عینیات و حقایق زشتی مانند اینها ذهن انسان را آزار می‌دهد.

مشاهده‌ی شهادت افرادی که در چارچوب سازمان مجاهدین خلق در مقابل ترور و وحشت حاکم بر ایران مقاومت می‌کنند، مرا به تحسین

زندان و زندانی

بقیه از صفحه‌ی قبل

مرد میانسال نگاهی به بر و بالای جوان انداخت و خاموش ماند. احساس کردم مرد جوان آدم مطمئنی است، بنابراین پس از طی مسافتی به او گفتم:

"اگر می‌شود با هم پیاده شویم" در نازی‌آباد هر دو پیاده شدیم و من به او گفتم:

"من مجاهد، فرار کرده‌ام... از اوین و الان یک جفت گفتم می‌خوام" برقی محبت‌آمیز در چشمان جوان درخشید. دست مرا گرفت و با هم به یک مغازه رفتیم. در آنجا از میان گفتم‌ها یک جفت را انتخاب کردم و آنرا خریدیم و

بیرون آمدم و پس از خداحافظی با مرد جوان در کنار یک پیرمرد که سر و ریش سپیدی داشت (می‌خواستم از او به عنوان محمل استفاده کنم) راه افتادم. گوئی همراه او هستم. در این لحظات، هنوز بدستی باور نمی‌کردم که از جنگ دژخیمان رها شده‌ام؛ ولی این مسئله واقعیت داشت. نقشه‌های بعد، از مدت‌ها قبل در ذهنم آماده بود و دهها بار آنرا در زندان در ذهنم مرور کرده بودم. از نازی‌آباد به "میدان خراسان" رفتم از آنجا به "افسریه" و از افسریه به "رسالت" و از آنجا به به مقصدی که می‌دانستم امن است و می‌توانم در آنجا بقیه‌ی طرح را اجرا کنم. موقعی که در میدان "رسالت" سوار تاکسی شدم؛ لحظه‌ای از پشت شیشه به افق

سرکوب روستائیان مهاجر

بقیه از صفحه ۱۷

بموازات آن تقاضای کالا و خدمات عمومی (آب - برق - آموزش - بهداشت - اتوبوس و ...) در شهرها افزایش می‌یابد، بنحویکه سرازیر شدن اجتماعی این فشارها به سوی رژیم، دولت درمانده‌ی خمینی را در تنگنای شدید قرار داده است، نه دستگاه‌های خدماتی گنجایش این جمعیت را دارند و نه رژیم قادر است و البته نه هزینه‌های سرسام‌آور جنگ خارجی و سرکوب داخلی جایی برای تخصیص بودجه‌ای برای آن باقی می‌گذارد که بموازات افزایش جمعیت، حجم خدمات رفاهی - اجتماعی و اقتصادی شهرها را گسترش دهد

در آستین، جز سرکوب آنها ندارد. اینکه سردمداران و کارگزاران رژیم از این بحران تحت عناوینی از قبیل: "ممکن است دولت را ساقط کند" (جنتی: کیهان ۶۲/۹/۲۲)، "با اینکار حکومت را بدبخت می‌کنید" (جنتی: کیهان ۶۲/۹/۲۲)، "خطر مهاجرت روستائیان همانند خطر صدام است" (حبیبی شهردار تهران: کیهان ۶۲/۱۱/۳۰)، "خطری بسیار بزرگ برای انقلاب اسلامی" (حبیبی شهردار تهران: کیهان ۶۲/۱۲/۸)، "بیماری خطرناک جامعه" (حبیبی شهردار تهران: کیهان ۶۲/۱۲/۸)، "مسائل حاد سیاسی کشور را بالا

بخشناهی غلاظ و شدادی، صدور و نحوه‌ی استفاده از "دفترهای بسیج اقتصادی" در تهران را بشدت محدود نموده است. بنحویکه تهیه‌ی این دفترچه و نقل و انتقال آن از این محله به محله‌ی دیگر، بیشتر به یک عمل مهم امنیتی در حکومت نظامی شبیه است (کیهان ۶۲/۱۱/۲۶). دادسرای عمومی تهران طی بخشنامه‌ی، از شهرداری‌های مناطق بیست‌گانه‌ی تهران، خواسته است تا از کار واسطه‌ها و بنگاه‌های معاملات ملکی غیرمجاز که اقدام به تفکیک و خرید و فروش اراضی شهری می‌کنند جلوگیری کرده و متخلفین را به دادسرای عمومی تهران معرفی نمایند. (اطلاعات ۶۲/۱۲/۲۲) راهنمایی و رانندگی تهران

علیرغم فقر و محرومیت زایدالوصف روستائیان، ایادی خمینی از مزدوران سرکوبگر "جهاد سازندگی" و "شورای اسلامی روستا" گرفته تا آخوندهای جنایتکار و پاسداران و کمیته‌چی‌های ضد خلقی، روستائیان فقیر را به بیانه‌های مختلف، منجمله کمک به جبهه‌ها، می‌دوشند و جوانان و حتی سالمندان روستائی را با فریب و اجبار به خط مقدم جبهه‌های مرگونیستی گسیل می‌دارند. تا جائی که گفته می‌شود آمار نیروهای روستائی حاضر در جبهه‌ها برآب بیشتر از نیروهای اعرامی از شهرها می‌باشد.

و این همه جمعیت مهاجر را بطور سیستماتیک جذب نماید. این در شرائطی است که خود شهرها با صدها هزار بیکار روبرو می‌باشند و اضافه بر آنها، بیش از دو میلیون تن از هموطنان جنگ‌زده نیز در شهرها حضور دارند و بر این مشکلات عدیده بایستی ۲ میلیون افغانی و ... را نیز افزود. از همین رو رژیم ضد خلقی خمینی که سرمست از باده‌ی قدرت، رنج و درد و تظلم خواهی روستائیان ستم‌دیده را، تنها با وعده‌های دروغین، پشت گوش می‌انداخت و با تئوری بافی‌های ارتجاعی و مبتذل، کمترین توجهی به جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی این موضوع نداشت، به ناگهان و بویژه در سال ۶۱ و ۶۲ خود را با بحران اجتماعی عظیم مهاجرت بدون وقفه روستائیان به شهرها روبرو دید، که بدون تردید در آینده به معضلات سیاسی راه می‌برد و فضاهای تازه‌ای برای رسوخ و گسترش مقاومت مردمی باز می‌نماید. به عبارت روشن‌تر رژیم "مهاجرت روستائیان" به شهرها را خطری برای موجودیت متزلزل خود می‌بیند و از همین زاویه چون بنا بر ماهیت ضد خلقی‌اش، خود عامل اصلی انهدام تولید و فلاکت روستائیان بوده، لذا به اعتبار همین ماهیت نیز هیچ چاره‌ای

می‌برد" (کیهان ۶۲/۱۱/۵)، "زمینه را برای سلطه‌ی دشمنان آماده کردن می‌باشد" (جنتی: کیهان ۶۲/۱۱/۱۳)، "گروهک‌ها در صدد اجرای هدفهای پلید خود برمی‌آیند" (حبیبی شهردار تهران: کیهان ۶۲/۱۲/۸)، "اسم می‌برند، دقیقاً از یکسو وحشت آنها از موضوع را نشان می‌دهد و از سوی دیگر آنها بدین ترتیب ضرورت سرکوب آن‌را توجیه می‌نمایند و مقدم بر همه، حل مسئله‌ی مهاجرت به تهران - بدلیل اهمیت استراتژیک پایتخت برای رژیم - در دستور کار قرار گرفته است.

بدین منظور: "ستادی متشکل از نمایندگان شهرداری و استانداری تهران و ارگان‌های قضائی و انتظامی، بر مسئله‌ی مهاجرت و گسترش بی‌رویه‌ی روستائیان به تهران نظارت می‌کند." (کیهان ۶۲/۱۲/۷). خمینی جنایتکار رأساً دستور تخریب آلودگی‌های اطراف تهران را به ناطق‌نوری "وزیر کشور"، صادر کرده است. (کیهان ۶۲/۲۱/اسفند/۶۲)، آخوند محمدی گیلانی دژخیم، حاکم ضد شرع و جنایت‌پیشه، "بر اساس مجوز کتبی از امام"، دستور سرکوب دهکده‌داران و زندانی کردن و مصادره‌ی دست مایه‌ی آنان را صادر کرده است (کیهان ۶۲/آذر/۶۲). فرمانداری تهران در اواخر بهمن سال گذشته با صدور

از صدور گواهینامه‌ی رانندگی برای متولدین شهرستان‌ها خودداری کرده و فقط بر اساس "دفترچه‌های بسیج اقتصادی" تهران، گواهینامه صادر می‌کند. و ضمناً کار اتومبیل‌های نمره‌ی شهرستان نیز در تهران ممنوع اعلام شده است. (کیهان ۶۲/۱۰)

هرچند تصمیمات فوق‌الذکر جریان سرکوب مهاجرت به تهران را هرچه بیشتر تشدید می‌کند، اما رژیم ضد خلقی خمینی تا کنون نیز بیکار ننشسته و اقدامات سرکوبگرانه‌ی خویش را بصورت‌های مختلف ادامه داده است. فی‌المثل شهردار خیانتکار ناحیه‌ی ۱۸ شهرداری تهران، تنها بیلان ۶ ماهه‌ی اقدامات ضد مردمی این شهرداری را تخریب ۱۶۲۰ ساختمان در شش ماه اول سال ۶۲، منجمله در منطقه‌ی خانی‌آبادنو، نعمت‌آباد و صالح‌آباد، ارائه کرده است و شهردار ناحیه‌ی ۲ تهران برای تخریب آلودگی‌ها و ممانعت از ساختن آنها، گشت دائم سه شیفته گذاشته است و قس‌علیهذا... (کیهان ۶۲/۱۲/۲۲). شهرداری تهران با ایجاد ستاد سرکوبی با نام ظاهرالصلاح "ستاد رفع سد معبر"! به سرکوب دهکده‌داران و دستفروشان پرداخته است. تا کنون ۲ ستاد عملیاتی در

اطلاعیه نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

عملیات کمین‌گذاری و تهاجم پیشمرگان مجاهد خلق

در منطقه انزل (شمال کردستان) و بهلاکت رساندن ۵ تن از پاسداران ضد خلقی و اسارت ۲ مزدور تأمیننی دشمن

بعد ضمن اینکه با استفاده از نارنجک‌های تفنگی و "قناسه" پایگاه دشمن ضد خلقی در روستای "کوره پائین" را بشدت زیر آتش خود می‌گیرند، به سلامت به پایگاه‌های خویش بازمی‌گردند.

بدنبال این عملیات متهورانه، دشمن زبون که از نفوذ پیشمرگان مجاهد خلق به مناطق تحت حفاظت خود بشدت سراسیمه و وحشت‌زده شده بود با سلاح‌های خمپاره و "آر.بی.جی"، منطقه‌ی درگیری را گلوله‌باران نموده و چند ساعت پس از خاتمه‌ی عملیات نیز یک فروند هلیکوپتر جهت یافتن مناطق استقرار پیشمرگان مجاهد بر روی منطقه‌ی عملیاتی اعزام می‌نماید. اما از آنجا که این اقدامات مذبح‌خانه هیچ یک به ثمر نمی‌رسد، مزدوران جنایتکار خمینی دست به انتقام‌جویی زده و وحشیانه به روستای "کوره بالا" حمله می‌برند که در نتیجه‌ی این تهاجم سبانه دو تن از اهالی مظلوم و بی‌دفاع روستا به نام‌های عبدالله ۴۰ ساله و جبار ۴۵ ساله به شهادت رسیده و سه نفر دیگر از روستائیان زحمتکش نیز زخمی می‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۱۸ فروردین ماه/۶۳

روز چهارشنبه پانزدهم فروردین ماه جاری، پیشمرگه‌های مجاهد خلق بر اساس شناسائی‌های قبلی و مطابق یک طرح دقیق عملیاتی، ضمن نفوذ به منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی دشمن، اقدام به کمین‌گذاری بر روی جاده‌ی "کوره پائین - حمام" واقع در منطقه‌ی انزل، شمال کردستان می‌نمایند. پیشمرگان مجاهد در مرحله‌ی اول این عملیات متهورانه همزمان با استقرار تأمیننی‌های مزدور در این جاده، سه تن از آنان را به دام انداخته و به اسارت خود درمی‌آورند. اسامی ۲ تن از آنان به قرار زیر می‌باشد:

- ۱ - بهار بابائی اهل مراغه
- ۲ - سهولت صوفی اهل تربت حیدریه

در ادامه‌ی این تهاجم غافلگیرانه و برق‌آسا، پیشمرگان دلاور مجاهد خلق در سنگر تأمیننی‌های جاده مستقر شده و به کمین مزدوران ضد بشری خمینی می‌نشینند. تا اینکه در ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه‌ی صبح یک "تویوتا"ی سپاه ضد خلقی به کمین پیشمرگان می‌افتد که در نتیجه‌ی آتش سلاح‌های "آر.بی.جی" و مسلسل، ۵ تن از مزدوران جنایتکار در دم بهلاکت می‌رسند و یک مزدور دیگر بشدت مجروح می‌گردد. پیشمرگه‌های مجاهد در مرحله‌ی

این رابطه تشکیل شده و قرار است ۴ ستاد عملیاتی دیگر در چهار نقطه‌ی تهران بوجود آید. تا طبق فتوای خمینی و دستورالعمل محمدی گیلانی، به قلع و قمع دهکده‌داران و دستفروشان بپردازند. شهرداری تهران اعلام کرده است اکیپ‌های این ستادها تا کنون ۹۰ درصد از ۱۲۰ هزار دهکده‌دار و دستفروش موجود در تهران را بر چیده‌اند (کیهان ۶۲/۱۱/۵). همچنین به عنوان یک اقدام مشعش دیگر، شهرداری اعلام کرده است ۸۰۳ بنگاه غیرمجاز املاک و اتومبیل را تعطیل کرده است. (کیهان ۶۲/۱۲/۲۸)

همچنانکه گفتیم این تازه آغاز کار است و هنوز از "ایجاد موانع در شهرهای بزرگ" که سردمداران رژیم برای مقابله با "مهاجرت روستائیان" در نظر گرفته‌اند، قسمت‌های اساسی‌تر

پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهران و برادران عزیز؛
این هفته ستون پاسخ به نامه‌ها را به برگزیده‌های چند نامه و پیام‌های ضروری اختصاص داده‌ایم.
* برادری بنام "صالح-۹۹"
ضمن نامه‌ی جالب خود می‌نویسد: "... صبح با اتوبوس از کردستان بطرف تهران حرکت کردم. در اتوبوس ۶ نفر که لباس ارتشی داشتند نیز بودند. چون قیافه‌شان به مردم جنوب می‌خورد، فکر کردم که اهوازی هستند. از آنها سوال کردم که آیا بچه‌ی اهواز هستید؟ یکی از آنها گفت: "نه، ما افغانی هستیم." گفتم پس این لباس ارتشی چیست که پوشیده‌اید؟ آن‌ها گفتند: "ما در بسیج ثبت‌نام کرده‌ایم و عضو شده‌ایم. حالا ما را فرستاده‌اند

تا در کردستان با "ضدانقلاب" بجنگیم و ماهی سه هزار و خرده‌ای تومان هم به ما می‌دهند..."
* برادری بنام "جواد"
ضمن شرح وضعیت اسفانگیز دانشگاه‌ها چنین می‌نویسد: "... وضع دانشگاه‌ها واقعا افتضاح است. هر روز صبح تعداد زیادی اورکت‌پوش ریشوی "هوندا سوار" که سهمیه‌های نهادهای ضدانقلابی خمینی هستند به دانشگاه می‌آیند. معلومات آنها به لحاظ علمی صفر است. در شرایطی که تعداد زیادی از دانش‌آموزان با سواد پشت درهای دانشگاه‌ها مانده‌اند، امکانات آموزشی دانشگاه‌ها در خدمت مثنی خرفت و کودن که کوچک‌ترین

نامه‌یک خانم انگلیسی

مردم کشورهای مختلف جهان و جلب حمایت آنها از مبارزه‌ی مردممان علیه خمینی دجال می‌باشد.
اخیرا نامه‌ی یک خانم انگلیسی به نام "کارول پینک‌هام" بدست ما رسیده که نمونه‌ای از احساس همدردی عمیق بین‌المللی با مردم و انقلاب ایران در سطح جهانی است. ما در زیر ترجمه‌ی نامه‌ی این خانم را عینا درج کرده و برای خواهران و برادران خود در انجام رسالت‌های سنگین‌شان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

بی‌شک خوانندگان "مجاهد" در خارج از کشور، کم و بیش در جریان فعالیت‌های شبانه‌روزی و فدکاری‌های بی‌دریغ خواهران و برادران ما در انجمن‌های دانشجویان مسلمان می‌باشند. این عزیزان با شور انقلابی و انگیزه‌ی متعالی در گوشه و کنار جهان و در طول فعالیت‌های خود موفق شده‌اند که گام‌های ارزنده و مثبتی در جهت افشای جنایات خمینی و معرفی مقاومت و انقلاب نوین مردم ایران بردارند. یکی از این گام‌ها آشنا کردن

از طریق M.I.S.S (انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی)

سازمان مجاهدین خلق ایران

رفقای عزیز؛

من این نامه را می‌نویسم که از مبارزه‌ی شما برای سرنگونی رژیم وحشی خمینی حمایت کنم. من چند ایرانی می‌شناسم که همه‌ی آنها بطور مستمر مشغول مبارزه با خاطر پایان دادن به اختناق و زجر کشیدن رفقای مرد و زنشان در داخل ایران می‌باشند و من همیشه از انگیزه و قدرت آنها در برابر امکان اخراج شدن از ایران و مرگ حتمی، تمجید کرده‌ام.
حمایت لفظی خوب است، ولی همیشه پول است که شما را قادر به خرید لوازم مورد لزوم می‌کند (می‌خواهد دارو، غذا و یا اسلحه باشد) که جنگ شما را استمرار می‌دهد و نهایتا قدرت خمینی را نابود می‌کند.

من سیگار می‌کشم و می‌خواهم آنرا ترک کنم و تصمیم گرفتم که این را همزمان با کمک کردن به شما، با دادن پول آن به سازمان مجاهدین خلق ایران انجام دهم. من می‌دانم که این پول خیلی کم است، ولی امیدوارم که مفید واقع شود. از این به بعد هر وقت خواستم سیگار بکشم، به زجر کشیدن مردم ایران فکر خواهم کرد و این مرا متوقف خواهد نمود. امیدوارم این نامه را دریافت کنید.

خواهر شما کارول پینک‌هام

شایستگی و لیاقتی برای استفاده از آنها را ندارند، قرار گرفته است..."

همین برادر در قسمتی از نامه‌ی دیگری به تاریخ ۲۳/اسفند - مصادف با چهارشنبه‌سوری - نوشته است: "با تمام گوش‌ها و دجالگری‌ها و عوام‌فریبی‌ها و تهدیدهای رژیم برای به فراموشی سپردن سنن ملی و مردمی، این سنن و آداب و رسوم همچنان پایرجاست... نوروز شور زیادی در میان مردم ایجاد کرده است؛ خیابان‌های مرکزی شهر شلوغ است و هر کس به نوعی خود را برای فرارسیدن نوروز آماده می‌کند. هم اکنون که نامه را می‌نویسم برق رفته است. صدای انفجارهای پیاپی ترقه‌ها بگوش می‌رسد. بچه‌ها با سوت یکدیگر را به گوجه می‌خوانند تا چوب‌ها و بوته‌هایی را که از صبح آماده کرده‌اند، آتش بزنند. این برای من بسیار زیباست. در این لحظات حس می‌کنم که صدای انفجار هر ترقه که لبخند کودکی را بدنیاال دارد، فریاد اعتراضی است علیه خمینی و عملش، فریادی به معنی هیچ انگاشتن تبلیغات و تهدیدات رژیم..."

* آمریکا - برادر "H"؛
نامه‌ی شما رسید. احساس مسئولیت شما در جهت کمک به سازمان قابل تحسین است. ما نیز با شما کاملا موافقیم که: "هر فرد در کمکی که به سازمان می‌کند باید خود را صد نفر ببیند و در این زمینه کمک خود را هرگز ناچیز تلقی نکند." باز هم برایمان نامه بنویسید.

* خواهر "زهره H1"؛
نامه‌ی شما که در آن تقاضای وصل مجدد کرده بودید، توسط یکی از آشنایانتان که به خارج کشور مسافرت کرده بود، رسید. امیدواریم روحیه‌ی پرشور و انقلابی خود را همچنان حفظ کرده و به مبارزه ادامه دهید. به همان طریقی که خواسته بودید، با شما تماس گرفته خواهد شد. در این زمینه لازم است که شما تماستان را با سرپل ذکر شده - خانه‌ی برادران - حفظ نمایید. خواهر صدیقه با شما تماس خواهد گرفت.

* خواهر "مهین ۲۱۷-H"؛
تاکنون یکی از نامه‌های شما که حاوی اخبار جالبی از زندان بود، بدستمان رسیده است. در رابطه با این مرحله از کارهایتان توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱- ضوابط امنیتی نامه‌نگاری را دقیقا رعایت کنید. کلیه‌ی اطلاعات خود را در رابطه با اخبار رسیده از زندانها و

همچنین در مورد مزدوران و شکنجه‌گران رژیم خمینی برایمان ارسال دارید. مجددا تاکید می‌کنیم که گزارشات "زد" دار خود را با استفاده از جوهر نامرئی و رعایت بقیه‌ی ضوابط مربوط به نوشتن این گونه مطالب بنویسید.

۲- در رابطه با مسافرتی که مطرح کرده بودید، لازم است که فاعلتر برخورد کرده و سریعتر اقدام کنید.

۳- با توجه به تهدیداتی که برای شما وجود دارد، بایستی ارتباطات خود را با عناصر و محل‌هایی که احتمالا آلوده می‌باشند، قطع کرده و در صورت مشاهده‌ی هرگونه "مورد"ی در پیرامون خود، بطور قاطع محل‌های استقرارتان را ترک کرده و به نقاط امن‌تری بروید. برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.
* آلمان - خواهر یا برادر "A-Q"؛
جهت ارسال کتابی که خواسته بودید به مسئولین مربوطه سفارش کردیم. چنانچه در انبار موجود باشد، برایتان خواهند فرستاد. اطلاعاتی را که در نامه‌تان اشاره کرده بودید، برایمان بفرستید.

* آلمان - خواهر "سوسن-S"؛
نامه‌تان به ضمیمه‌ی سندی که فرستاده بودید، رسید. در فرصت مناسب از آن استفاده خواهیم کرد.

* آمریکا - برادر "فرهاد"؛
نامه‌ی را که در تاریخ ۲۸/۲/۸۴ نوشته بودید، رسید. اقدامات مسئولان‌های شما طی ۶ ماه گذشته در مورد پیگیری وصل ارتباط خواهرتان قابل تقدیر است، بازهم برایمان نامه بنویسید.

* آلمان - خواهر "فرخ"؛
نامه‌تان رسید. از همکاری شما جهت وصل ارتباط "ف" و "ر" تشکر می‌کنیم. نامه‌ی شما را به مسئولین مربوطه رساندیم.

* پاریس - برادر "الف-ذ"؛
کتابهای ارسالی شما رسید. از آنها در تکمیل آرشو کتب و مدارک سازمان استفاده خواهیم کرد.

* امارات متحده عربی - برادر "فضل‌الله - الف"؛
نامه‌تان رسید. بهتر بود اطلاعات بیشتری در مورد فردی که از طرف سازمان به شما مراجعه کرده، جهت شناسائی برای ما می‌نوشتید.

* امارات متحده عربی - برادر "مسعود-غ"؛
تاکنون سه نامه از شما دریافت داشته‌ایم. رابطه‌ی خود را با ما حفظ کنید.
* فرانسه - برادر "مهدی"؛
دومین نامه‌ی برادران "م" را نیز دریافت کردیم. به همین شیوه نامه‌های دیگر او را برایمان بفرستید.

* تهران - خواهر "شیرین -

اس"؛
نامه‌ی شماره‌ی "۱-ای" شما که در تاریخ ۲۲/۱۲/۶۲ ارسال شده بود، رسید. از این به بعد نامه‌های خود را با جوهر نامرئی بنویسید. از آدرسی که در اختیار دارید، جهت ارسال نامه‌های بعدی‌تان استفاده کنید.

* لنگرود - برادر "محمد-الف"؛
زندگینامه‌ی دو تن از شهدای مجاهد و نامهای که طی آن نسبت به جنایات خمینی، از برادر مجاهد مسعود رجوی دادخواهی کرده بودید، رسید.

رونوشت آنرا به دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی فرستادیم. ضمن رعایت مسائل امنیتی، رابطه‌ی خود را با ما فاعلتر کنید.
* لندن - خواهر "غفت-ش"؛

نامه‌ی شما رسید. خوشحالیم که مطالب نشریه‌مان می‌تواند برای شما مفید واقع شود. اطلاعات و اخباری را که در زمینه‌های گوناگون بدست می‌آورید، مشروحا برایمان نوشته و ارسال کنید.
* هلند - برادر "کیوان..."؛
گزارشی که در مورد سوابق و فعالیت‌ها و نحوه‌ی فرارتن نوشته بودید، رسید. منتظر اخبار و گزارشات بعدی شما هستیم.

* آلمان - برادر "محمد"؛
متاسفانه آدرسی را که خواسته بودید، در اختیار نداریم. جهت دریافت کتابهایی که اشاره کرده بودید، به خواهران و برادران انجمن دانشجویان مسلمان در آلمان مراجعه کنید.

* آلمان - برادر "اکبر"؛
نامه‌تان که حاوی دو گزارش از "بازرسی‌های خیابانی در تهران" بود، بدستمان رسید. گزارشتان قابل استفاده بود. چنانچه از این قبیل اخبار بدستمان رسید، برایمان بفرستید.

* آمریکا - برادر "مجید-ک"؛
دو نامه از خواهرتان "ش" بدستمان رسید. با توجه به مطالبی که در نامه آمده است، خواهرتان در معرض خطر بوده و احتمالا در تور مزدوران می‌باشد. بنابراین سریعاً به وی اطلاع دهید که رابطه‌اش را با فردی که نوشته است با او ارتباط دارد، قطع کرده و از زیر اطلاعات وی خارج گردد.

* برادر مهرداد (ب-م)؛
نامه‌تان رسید. اخباری که فرستاده بودید، جالب و قابل استفاده بود. سعی کنید که اخبارتان را منظم و با توضیحات مکفی برایمان بنویسید.

* برلین - برادر "حمید-ب"؛
نامه و سروده‌هایتان رسید. متاسفانه از مطالب نامه‌تان نتوانستیم بفهمیم که چه کمکی از دست ما برمی‌آید. در نامه‌ی بعدی خود مشخصاً بنویسید که چکار برایمان می‌توانیم بکنیم

چکار برایمان می‌توانیم بکنیم

نگاهی بدو نوشته ها و گفته ها

انتخابات!

وهراس رژیم از آشکار شدن انزوای کامل اجتماعی و سیاسی خود

بقیه از صفحه آخر

را به زبان آورد و هراس و وحشت خود را از "انزوای کامل اجتماعی و سیاسی" رژیم آشکار نموده و به ایادی و مزدوران خود هشدار داد که: "اگر مردم کنار بروند، همه شکست می خوریم."

با توجه به اینکه رژیم خمینی هرگز به اندازه‌ی سرسوزنی برای "مردم" و "آراء" آنها ارزش و اهمیتی قائل نبوده و نیست، چرا اینچنین از "انتخابات"! آنها "انتخابات آزاد"!! دم می زند؟ دلیل نیاز خمینی به برگزاری چنین نمایشی را، برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در پیام خود در رابطه با "تحریم انتخابات فرمایشی مجلس نامشروع رژیم خمینی" چنین توضیح می دهد: "اگر خمینی امروز وکلای مزدور مجلس خود را مرخص نمی کند و با اعلام انحلال مجلس، محل آنها مانند بسیاری دیگر از ابنیهی حکومتی (منجمله مجلس شورای ملی بهارستان) به زندان و شکنجه گاه و یا پاسدارخانه و یا استراحتگاه گشتی های مختلف تبدیل نمی نماید، صرفا به این خاطر است که براساس جبر زمان، دارالخلافه‌ی او به فراخوانهائی از این قبیل نیز نیازمند است تا برای آدمکشی ها، بحران سازی ها و جنگ افروزی ها و دزدی های دارودستهای او، قبای قانونی و کلاه شرعی - آنها از نوع پارلمانی اش - بدوزند و نظام خمینی را در نامایش (همراه با همه‌ی عساکر و جلادان و میرآخوران و داروغه ها و فراشان رنگارنگ دیگر) موجه و مشروع جلوه بدهند؛ و الا خمینی و میرغضبان (دادستان ها و حکام نامشروع شرع) او، بالمآل زودتر سرنگون خواهند شد."

باید اضافه نمود که بدنبال تحریم "انتخابات فرمایشی خمینی" از سوی شورای ملی مقاومت و دستورالعمل فرماندهی ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران به هسته های مقاومت مجاهد خلق مبنی بر افشای هرچه گسترده تر انتخابات فرمایشی خمینی و بردن "رهنمود تحریم" به میان توده های مردم، سردمداران رژیم سخت به دست و پا افتاده و از یکطرف با عجز و زبونی کامل، از مردم خواستارند تا "گول شایعات منافقین" را نخورند و از طرف دیگر نیروهای سرکوبگر خود را برای مقابله با فعالیت گسترده‌ی هسته های مقاومت که بنا بر گزارشات رسیده با استقبال پرشور و بی نظیر مردم آگاه و انقلابی میهنان مواجه شده است، بسیج نموده اند تا شاید تحت فشار حکومت نظامی و ایجاد جو رعب و وحشت در میان مردم، از شکست مفتضحانه‌ی که خود از قبل آنها پیش بینی کرده اند، جلوگیری به عمل آورند.

مجموعه‌ی فاکت‌هایی که ذیلا ملاحظه می کنید، جملگی از زبان سردمداران رژیم جمع آوری شده است:

- * خمینی (اطلاعات - ۱۴/مهر/۶۲): "مردم در انتخابات موظفند؛ موظف شرعی هستند که اختلافات کوبنده را از دست بردارند... همه‌ی علمای بلاد و همه‌ی قشرهای ملت، همه‌ی روشنفکران، همه‌ی نویسندگان، گویندگان، به همه تکلیف شرعی است که نگذارید مسئله مثل مسئله مشروطیت بشود، عبرت بگیرند از آنها."
- * رفسنجانی (کیهان - ۱۲/آذر/۶۲): "من اعلام می کنم هر کس که به سرنوشت کشور و انقلاب علاقمند است باید در مورد انتخابات به هیچ وجه بی تفاوت نباشد و همه و همه باید وارد میدان شوند."
- * خامنه‌ای (کیهان - ۲۶/بهمن/۶۲): "انتخابات آینده‌ی مجلس شورای اسلامی باید بیش از گذشته از شور و شوق همگانی برخوردار باشد، لذا ائمه‌ی جمعه و علمای شهرها باید در بوجود آوردن این شور همگانی نقش موثری داشته باشند و همه‌ی اقشار ملت یک پارچه و

منسجم در این انتخابات حضور فعال نشان دهند."

* موسوی اردبیلی (اطلاعات - ۱۹/آذر/۶۲): "آن انتخاباتی که داشتیم باید این انتخاباتمان بالاتر از آن باشد. وظیفه‌ی حتمی و شرعی ما اینست که در مسئله‌ی انتخابات شرکت کنیم."

* جنتی عضو شورای نگهبان (کیهان - ۲۷/اسفند/۶۲): "مهمترین مسئله‌ی روز ما منهای جنگ که نباید هیچگاه آنرا فراموش بکنیم، مسئله‌ی انتخابات است."

* موسوی نخست وزیر (رادیو رژیم - ۱۲/فروردین/۶۳): "ملت ما همه باید در صحنه باشند و در انتخابات همگی بطور گسترده شرکت کنند."

* طاهری امام جمعه‌ی اصفهان (اطلاعات - ۲۸/دی/۶۲): "آنچه بیش از هر چیز در انتخابات مهم است حضور شما مردم در صحنه و رفتن پای صندوق رای می باشد."

* محبوب مشاور نخست وزیر و عضو شورای مرکزی خانه‌ی کارگر (کیهان - ۱۷/اسفند/۶۱): "کارگران باید در صحنه حاضر باشند. ما از شما که در اکثر کارخانه ها حضور دارید می خواهیم که این مسئله را جدی بگیرید. مجلس سرنوشت شماست. شما باید در انتخابات مجلس حضور جدی داشته باشید."

* صانعی (اطلاعات - ۲۷/اسفند/۶۲): "جدا بودن دانشگاهها از صحنه‌ی سیاست مخالف ضرورت اسلام است. دانشگاهها باید در صحنه‌ی سیاست حضور و مشارکت فعال داشته باشند."

* فخرالدین حجازی خطاب به کارکنان، استادان و دانشجویان دانشکده‌ی پلی تکنیک (کیهان - ۲۵/اسفند/۶۲): "اگر شما در انتخابات شرکت نکنید، خطرناک است. مردم هم به حرمت شما که اهل فهم و فکرید رای می دهند."

* خمینی (کیهان - ۲۳/بهمن/۶۲): "یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام (!) و مصالح کشور حضور در حوزه‌های انتخابیه و رای دادن... می باشد."

* خمینی (کیهان - ۱۵/اسفند/۶۲): "من امیدوارم که هرچه بیشتر شرکت بکنند در انتخابات این وظیفه‌ی است الهی، وظیفه‌ی ملی، وظیفه‌ی است انسانی، وظیفه‌ی است که ما باید عمل بهش بکنیم."

* خامنه‌ای (اطلاعات - ۱۲/دی/۶۲): "این انتخابات باید هرچه با شگوهتر برگزار شود... حجم آراء در این انتخابات مهم است."

* موسوی اردبیلی (جمهوری -

۱۷/دی/۶۲): "... بالا بودن آمار آراء در انتخابات... آبروی انقلاب (!) ما را حفظ میکند."

* موسوی اردبیلی (جمهوری - ۲۷/اسفند/۶۲): "باید انتخابات را به نحو احسن انجام دهیم و مقدمات حضور گسترده‌ی مردم را در صحنه فراهم نمائیم تا قشرهای مختلف... به پای صندوقها رفته و رای بدهند."

* طاهری امام جمعه‌ی اصفهان (کیهان - ۲۳/آذر/۶۲): "اگر قدرتها مترصدند تا اگر آرای مردم از انتخابات گذشته کمتر باشد، بگویند مردم از صحنه خارج شده اند. لذا باید عظمت این مسأله را به مردم گوشزد کنیم."

* جلال الدین فارسی (کیهان - اول/بهمن/۶۲): "ما باید هرچه فعالتر در انتخابات شرکت کنیم مردم دنیا... به ما چشم دوخته اند و میخواهند ببینند که چند درصد از مردم در انتخابات شرکت میکنند."

* موسوی اردبیلی (کیهان - ۲۷/اسفند/۶۲): "همه‌ی ما باید در این انتخابات شرکت فعال داشته باشیم. به پای صندوق رای برویم و رای خود را که همانا تثبیت نظام جمهوری اسلامی است به صندوقها بریزیم."

* صانعی (جمهوری - اول/آذر/۶۲): "انتخابات مجلس به منزله‌ی حفظ نظام جمهوری اسلامی است و هیچ عذر و بهانه‌ی برای عدم شرکت در انتخابات مورد قبول نیست."

* آخوند احمدی نماینده‌ی منتظری در دانشکده‌ی پلی تکنیک (کیهان - ۶/فروردین/۶۳): "در شرایط کنونی مسائلی که مربوط به حفظ حکومت اسلامی مطرح شده در حکم وجوب عینی است. لذا در انتخابات و سایر مسائل آن ملت آنچنان باید در صحنه باشند که همه رای بدهند."

* خمینی (کیهان - ۲۱/آذر/۶۲): "مردم بهتر شرکت کنند. مردم در صحنه حاضر باشند و تحت تاثیر کسی واقع نشوند. مردم نباید کنار بروند. اگر مردم کنار بروند همه شکست می خوریم... تمام مردم موظفند که در انتخابات حاضر باشند."

* خمینی (رادیو رژیم - ۱۹/فروردین/۶۳): "خانمها همانطوریکه مردها فعالیت می کنند برای انتخابات، خانمها هم باید فعالیت بکنند"

* خمینی (اطلاعات - ۵/آبان/۶۲): "مسئله‌ی انتخابات

آینده، از اهم اموری است که مسئولیت آن با همه‌ی ماست... آقایان ائمه‌ی جمعه علاوه بر اینکه با هم سمینار دارند با سایر علمای بلاد تهران و قم در ارتباط باشند که انتخابات خوب باشد. این مسئله، مسئله‌ی شخصی نیست، بلکه از امور مهمه است و امروز عمده‌ی مسئولیت به عهده‌ی شماست و کسی نباید کنار برود و شانه خالی کند... منافقین هر چه می خواهند بگویند."

* ناطق نوری (اطلاعات - ۲۶/آبان/۶۲): "پیش بینی می شود ضد انقلاب و منافقین و دیگر گروهکهای مخالف نیز حرکت‌هایی را جهت ضربزدن به امر انتخابات آغاز کنند."

* معمارزاده فرماندار تهران (کیهان - ۲۸/دی/۶۲): "در امر انتخابات کارهای اصلی اش را هنوز انجام نداده ایم، ولی... از همین حال ارتباط خودمان را با نیروهای حزب الله و عوامل امنیتی شروع کرده ایم."

* انصاری نماینده‌ی زرد کرمان در مجلس (اطلاعات - ۳/دی/۶۲): "بی شک ضد انقلاب (!) با تمام قوا خواهد کوشید تا از میزان شرکت کنندگان در رای دادن بگاهد و یا با جو سازی و ایجاد زمینه‌های منفی، مشروعیت انتخابات را زیر سوال ببرد."

* طاهری نماینده‌ی گازرون در مجلس (اطلاعات - ۲۸/دی/۶۲): "بر افراد لازم است که بی توجهی نکنند، به شایعات ضد انقلاب گوش ندهند و با نهایت علاقه در انتخابات شرکت کنند."

* خمینی (کیهان - ۱۵/اسفند/۶۲): "اینها اگر بخواهند کاری بکنند همین از ناحیه‌ی خود مردم، از ناحیه‌ی دانشگاه، از ناحیه‌ی بازار، از ناحیه‌ی کارگرا، از ناحیه‌ی کارخانه ها، از اینجاها می خواهند صدمه بزنند. باید همه توجه کنید یک وقت گول این حرفها را نخورید و در انتخابات بطور فعال هم دخالت بکنید."

* ملکوتی امام جمعه‌ی تبریز (رادیو رژیم - ۳/فروردین/۶۳): "ضد انقلاب (!) سعی دارد تا با شایعه پراکنی از شرکت مردم در این انتخابات سرنوشت ساز ممانعت به عمل آورد."

* موسوی نخست وزیر (رادیو رژیم - ۱۵/فروردین/۶۳): "ما امیدواریم با روحیه‌ای که مردم ما دارند و استقبالی که یقینا به عمل خواهند آورد (!) یک انتخابات بسیار خوبی را داشته باشیم. گرچه این انتظار هم هست که رسانه های گروهی استکباری و... این تفاله - هائی که احیاناً ممکن است باقی مانده باشند، در داخل کشور سروصدائی هم بکنند یا جو سازی بکنند."

LE DEVOIR

Montréal, vendredi 9 mars 1984

برای صلح در ایران

باعث اینچنین التیام خاطری در میان مردم کشورم شد. عکس‌العملی که از طرف دیگر دولت خمینی را مجبور کرد که چند روز بعد از آن، بمباران اهداف غیر نظامی را قطع کند. امید هست که این آتش‌بس یک هفته‌ای نتایج مهمتری بدنبال داشته باشد. جواب مثبت مقامات عراق به تقاضای مجاهدین، به مفهوم بازساختن اهمیت نقشی است که شورای ملی مقاومت که توسط مسعود رجوی اداره می‌شود، به عنوان سخنگوی حقیقی خلق ما به عهده دارد و به این لحاظ، می‌توان امید داشت که طرح صلح شورای ملی مقاومت که نزدیک به یکسال پیش توسط رجوی ارائه شده بود، کم‌کم راه خود را باز کند و حمایت بیشتری در سطح بین‌المللی کسب نماید. این البته آرزوی اکثریت بسیار مهم هموطنان من است که بیش از همیشه خواهان صلح و آزادی هستند.

می‌خواستم از کانادایی‌ها نیز تقاضا کنم که اقداماتی به نفع صلح در ایران به عمل آورند. طرح صلح شورای ملی مقاومت، به عنوان چارچوبی برای مذاکرات صلح، مورد قبول عراق قرار گرفته است. آیا کانادا می‌تواند کاری انجام دهد که رژیم ایران را به قبول مذاکرات صلح وادارد؟

زکریا دهقانی
مونترآل، ۲ مارس

صلح ۷ ماده‌ای را تنظیم نموده که روش‌های دولت ایران را محکوم کرده و آتش‌بس فوری را درخواست می‌نماید؛ کنفرانس اعزام سربازهای کم سن و سال که از بسیاری از آنها بعنوان مین‌یابهای انسانی استفاده میشود را محکوم میکند و از دبیر کل سازمان ملل مصرانه تقاضا میکند:

۱ - با بکار بردن تلاش‌های خود یک توافق صلح‌آمیز را تأمین نماید. ۲ - مادامیکه طرفین به توافق آتش‌بس نرسیده‌اند، خرید نفت و حمل سلاح به هر دو کشور تحریم شود تا در صدد بدست آوردن حمایت سازمان ملل برآیند. کنفرانس، حمایت دولت انگلستان از چنین ابتکاری توسط سازمان ملل را تقاضا دارد. * * *

دارد لجوجانه و به هر قیمتی که هست جنگ را با عراق ادامه دهد تا چند صبحی بیشتر افسار قدرت را در دست داشته باشد. اما به چه قیمتی! هیچ لازم نیست یک ایرانی، مثل من اهل یکی از شهرهای جنوب کشور باشد تا کراهت و هولناکی این جنگ را در تمامی ابعادش احساس کند. هیچ لازم نیست خانه‌اش بمباران شده باشد و خانواده‌اش گرفتار دربدری و در داخل "آواره" شده باشد، تا شدت ضربه را لمس کند. کافی است هر روز نگاهی به نمایش‌اندوهگین ویرانی و تخریب بی‌پایایی که خمینی به ارمغان آورده است؛ ببیند "شهرک‌های چادر نشین" که بخشی از ۲ میلیون آواره‌ی جنگی را پناه داده است، یا چه سرعتی از هر طرف می‌رویند. کافی است پیش خود حساب کند که خمینی تعداد گورستان‌های ایران را چند برابر کرده است تا کنجایش ۱۵۰ هزار کشته‌ی جنگی را پیدا کنند! چگونه می‌توان این حقایق را بازگو کرد، بی‌اینکه بغضی در گلو بشکند؟

با این وجود، ما امیدواری خود را حفظ می‌کنیم. امید اینکه روزی، قبل از اینکه خمینی و جنگش کشورمان را با خاک یکسان کند، ایران را از نو ببینیم. به همین خاطر نیز، اعلام آتش‌بسی که توسط مسعود رجوی، رهبر مجاهدین، بدست آمد، با وجود موقتی بودنش

خسارت را در تاریخ بشریت دربر داشته است - در این منطقه‌ی مهم جهان سایه افکنده است. شورای ملی مقاومت و طرح‌هایش، بارقه‌ای از امید را نوید میدهد. * * *

در انگلستان همچنین قطعنامه‌ی از سوی جمعیت هواداران سازمان ملل متحد، در مورد جنگ ایران و عراق صادر شده که توسط شورای شهر لیدز نیز بتصویب رسیده است. این قطعنامه را ذیلاً ملاحظه کنید: با آگاهی به قطعنامه‌ی سازمان ملل متحد مبنی بر درخواست قطع عملیات جنگی بین ایران و عراق و نظر باینکه جنگ ایران و عراق وارد چهارمین سال خود شده و همراه با پدید آوردن آوارگان جنگی، تلفات و ضایعات عظیمی را موجب شده است و با توجه به اینکه شورای ملی مقاومت ایران، طرح قطعی

من یک پناهنده‌ی ایرانی هستم. من از زیر سلطه‌ی یکی از خونخوارترین رژیم‌های تمام تاریخ کشورم و به احتمال قوی تمام دنیا، به اجبار گریخته‌ام. در اطراف خود شاهد جنایات و مصیبت‌هایی بوده‌ام که دیگر نه جرأت و نه توان بازگو کردن آنها را دارم. اما سعیت و درنده‌خوئی عناصر جیره‌خوار خمینی اجازه‌ی فراموشی نمی‌دهد. فراموشی ترس و وحشتی که نفس‌مان را بند آورده بود. آری پاسداران، یعنی تجسم ترور و وحشت، بیم از اوین بدنام یا از ۲۰۰ زندان دیگری که هر روزه صحنه‌ی شکنجه‌ی نزدیک به ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی است. هر چند برای هواداران مجاهدین این بیم قطعیت پیدا می‌کند: قطعیت سرنوشتی که در انتظار تک‌تک آنان است، همانند دهها هزار تن از آنان که اعدام شده‌اند. شاید بخاطر حتمیت همین سرنوشت است که با چنین شوری به مبارزه برخاسته‌اند و امروز همچون دیروز، در مقابل رژیم حاکم سرسخانه مقاومت می‌کنند.

به همین دلایل، شماری از یاران تبعیدگاه من، یعنی هزاران پناهنده و مبارز ایرانی که در سراسر دنیا در تبعید بسر می‌برند، معتقدند که خمینی به این نتیجه رسیده است و اذعان دارد که در میان مدت، جنگ داخلی را در مقابل مجاهدین و مابقی اپوزیسیون دمکراتیک باخته است. در نتیجه او سعی

ماده‌ای شورای ملی مقاومت ایران مورد قبول عراق قرار گرفته است. در این رابطه گروهی از نمایندگان مجلس عوام وابسته به حزب ما طی نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل، از توافق عراق مبنی بر متوقف کردن بمباران شهرهای ایران بمدت یک‌هفته که بدنهایی درخواست آقای رجوی صورت گرفت، استقبال کرده‌اند. افزایش حمایت از شورای ملی مقاومت و طرح صلحش در مقطع حساسی از جنگ صورت می‌گیرد، با توجه به تاثیرات کمی که دو ابر قدرت بر روی دو کشور ایران و عراق دارند؛ شروع فعالیت‌ها باید از طرف کشورهای غیر متعهد و سازمان‌های بین‌المللی صورت گیرد. در حالیکه چهره‌ی شوم جنگ - جنگی که سومین میزان

گسترش حمایت‌های بین‌المللی از سیاستهای

صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

بقیه/صفحه ۶

اعضای ارشد "مجمع ائتلاف ملی" اقدامات طرفین در راستای پیشبرد امر صلح را تأیید نموده و از آن تقدیر بعمل می‌آورند.

خطر هنوز بر طرف نشده است. این جنگ اکنون وارد یک مرحله‌ی جدی شده است که میتواند باعث بحرانهای شدیدی شده و طبعاً صلح جهانی را بمخاطره اندازد. در این رابطه من نامدای به دبیر کل سازمان ملل آقای "خاویر پرز-دوکوتلار" نوشته‌ام و طی آن از وی تقاضا نموده‌ام که گام مهمی را جهت پیشگیری از عواقب قریب‌الوقوع و فاجعه‌آمیز آن برای صلح جهانی بردارد. بدینصورت که یا از ایران بخواهد که آتش‌بس اعلام کند و یا در صورتیکه ایران همچنان به زیر پا نهادن قطعنامه‌های سازمان ملل ادامه دهد، آن کشور را مشمول لغو عضویتش در سازمان ملل نماید. نامه‌ی مزبور طی تظاهرات مسالمت‌آمیزی به شکل یک قطعنامه تقدیم دفتر سازمان ملل متحد در دهلی نو شد. من

همچنین از دبیر کل سازمان ملل خواسته‌ام که اجازه بدهد شخصاً او را ملاقات نموده و قطعنامه‌ی دیگری با جزئیات کاملتر که بتواند به حل مسئله‌ی مزبور تا حدودی کمک نماید، به وی تسلیم نمایم. یک نسخه از این قطعنامه که خطاب به آقای "خاویر" است. ضمیمه می‌باشد. با احترامات فائقه و با آرزوی موفقیت برای رسالتان برای صلح و ارزشهای انسانی که عمیقاً پای بند آنها هستید. ارادتمند شما

پرفسور راج بالادو
۱۳/مارس/۱۹۸۴

انگلستان

حزب لیبرال انگلیس، نقطه نظرات خود در مورد جنگ ایران و عراق و طرح صلح شورای ملی مقاومت را طی مقاله‌ای بتاريخ ۲۲ مارس - ۲ فروردین - در لیبرال نیوز ارگان رسمی این حزب اعلام داشته است که ذیلاً ملاحظه می‌کنید:

"... گرچه دولت ایران از هرگونه کوششی جهت پایان یافتن جنگ ایران و عراق سرباز زده است، ولی طرح صلح ۷

مجلس سنا - طارق انورشاہ نماینده‌ی پارلمان هند - رامانی مارانی نماینده‌ی پارلمان هند - ساتیش پراساد - سینگ نماینده‌ی پارلمان هند - ریتلال پراساد ورمنا نماینده‌ی پارلمان هند - پی‌یوش تیرکی نماینده‌ی پارلمان هند.

* * *

نامه آقای راج بالادو

رئیس مجمع ائتلاف ملی

هندیه

برادر مجاهد مسعود رجوی

آقای مسعود رجوی

اینجانب از فرصت استفاده کرده و از خدمات ارزنده‌ی شما در زمانی که جنگ ایران و عراق اخیراً به اوج خود رسیده و طرفین شروع به حمله به افراد غیر نظامی کرده‌اند، قدردانی می‌کنم.

حتی ایران نیز مجبور شد که به درخواست شما از عراق ترتیب اثر دهد، بطوریکه هم جان هم‌میهنان شما و هم جان برادران عراقی از مرگ نجات داده شد.

این امر، اعتبار و عزت مجاهدین را میرساند و این که آنها تا چه حد به آزادی کشورشان وفادارند. و این موضوع باعث خشنودی من شد که مردم ایران امیدهای والای خودشان را به عملکرد شما معطوف داشته‌اند. اگر شما درخواست فوری مبنی بر متوقف نمودن بمباران مناطق غیرنظامی را از عراق بعمل نیاورده بودید؛ هزاران ایرانی بیگناه تا کنون کشته شده بودند. اینجانب بعنوان رئیس "موسسه‌ی جهانی صلح" نمی‌توانم در مقابل این خدمات ارزنده‌ی شما بی‌تفاوت باقی بمانم، خدمات والایی که نه تنها بخاطر مردم ایران بود، بلکه جان هزاران شهروند غیر نظامی عراقی را که می‌توانست در اثر حملات متقابل ایرانیان بخطر افتد، نجات بخشید.

اینجانب نامه‌ی آقای "طارق عزیز" معاون نخست‌وزیر عراق خطاب به شما را خوانده‌ام.

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی

و عملیات هسته‌های مقاومت ...

بقیه از صفحه ۵

برعلیه انتخابات در خیابان‌های بوعلی، تختی و جام جم همدان کرده‌اند.

* اراک:

هسته‌های مقاومت ...

هسته‌های فوق در تاریخ ۶۳/۱/۱۹، تعدادی تراکت در خیابان‌های شیروخورشید، آرامنه، شکرانی و حوالی شرکت تعاونی شهر صنعتی اراک نصب کرده و تعدادی را نیز شب هنگام به خانه‌های مردم انداخته است. این هسته از برخورد فعال دیگر هواداران سازمان در رابطه با پخش تراکت و کندن پوستر کاندیداها - های منفور رژیم در اراک، گزارش کرده است.

* تهران:

هسته‌های مقاومت ...

روزهای ۱۷ و ۱۸ فروردین، این هسته تعدادی تراکت در میدان بهارستان و نارمک پخش نموده و چندین شعار پارچهای مینی بر تحریم انتخابات در نقاط مختلف آویزان کرده است. این هسته همچنین بر دیوارهای این مناطق با رنگ‌های قرمز و آبی و قهوه‌ای، اقدام به شعارنویسی برعلیه انتخابات رژیم کرده است.

* تهران:

هسته‌های مقاومت

مجاهد شهید حمیرا اشراق

هسته‌های مقاومت "حمیرا اشراق" در تاریخ ۱۸ و ۱۹ فروردین تراکت‌های تحریم انتخابات را در اماکن عمومی خیابان انقلاب و همچنین منطقه غرب تهران، پخش کرده و تعدادی را نیز در منازل مردم انداخته است. این هسته از برخورد فعال مردم در استقبال از تحریم انتخابات از کمک‌ها و فعالیت‌های آنان در این زمینه گزارش کرده است.

* تهران:

هسته‌های مقاومت ...

یکی از اعضای این هسته در روز ۱۸ فروردین تراکت‌های تحریم انتخابات را در کتابخانه‌ی دانشکده‌ی داروسازی،

در کرج، عکس سالمی از کاندیداهای رژیم بر روی دیوارها باقی نمانده بوده است تا او پاره کند.

* تهران:

هسته‌های مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۱۴ فروردین تعدادی تراکت را در کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران و تعدادی را در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه قرار داده و تعدادی را نیز در چهارراه کالج نصب کرده است. یکی از اعضای این هسته پشت اسکناس‌های مبادله‌ای نیز شعارهای تحریم انتخاباتی را نوشته است.

* تهران:

هسته‌های مقاومت ...

رزمندگان این هسته در روز ۱۸ فروردین، طبق برنامه‌ریزی قبلی یک بمب صوتی قوی را در رابطه با تحریم انتخابات فرمایشی رژیم، در خیابان مجیدیه‌ی تهران کار گذاشته‌اند. هسته‌ی مقاومت ... در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین به فعالیت‌های زیرنیز دست زده است:

۱ - شعارنویسی در اتوبوس‌های شرکت واحد مسیر ۱۳ آبان، میدان امام حسین، میدان



دوچهره‌ی ماوراء ارتجاعی خمینی دجال

شهدا، میدان انقلاب، ۱۵ خرداد، میدان شوش، جوانمردقصاب و میدان راه‌آهن

۲ - شعارنویسی بر روی کیوسک‌های تلفن و باجه‌های پست خیابان خیام، کارگر و شوش

۳ - از بین بردن پوسترهای انتخاباتی رژیم در جوادیه، خزانه و دولت‌آباد.

* تهران:

هسته‌های مقاومت ...

این هسته که از تعدادی مادر مجاهد متشکل است، در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین، تعداد زیادی تراکت‌های تحریم انتخابات را در کوچه‌پس‌کوچه‌های میدان امام حسین، پیروزی، تهران‌نو، ۱۳ آبان، نارمک و نیروی هوایی پخش کرده‌اند. برخورد مردم با این مادران بسیار گرم و صمیمی بوده و از تراکت‌ها استقبال کرده‌اند.

* کرمان:

هسته‌های مقاومت مجاهد شهید حامد

رزمندگان هسته‌ی مقاومت "حامد" پیش از ظهر روز ۱۹ فروردین ۲ عدد بمب صوتی قوی را در نزدیکی‌های بازار کرمان کار گذاشته‌اند که یکی از بمب‌ها با صدای مهیبی عمل کرده است. انعکاس سیاسی - اجتماعی مسئله بسیار خوب بوده است و مزدوران رژیم نیز بشدت از این جریان خشمگین بوده‌اند.

* تبریز:

هسته‌های مقاومت

مجاهد شهید مجید جعفری

در تاریخ دوشنبه ۲۰ فروردین رزمندگان هسته‌ی مقاومت، "مجید جعفری" در ادامه‌ی عملیات هسته‌های مقاومت مجاهدین، دو بمب صوتی را در ۲۵۰ متری مرکز سپاه ضد خلقی تبریز واقع در خیابان جمهوری (کوروش سابق) کار گذاشته‌اند که رأس ساعت مقرر با صدای مهیبی منفجر شده‌اند. لازم به توضیح است خبر فعالیت‌های هسته‌ها در هفته‌ی تحریم انتخابات فرمایشی رژیم، در تبریز کاملاً اجتماعی شده و همه جا از آن صحبت می‌شود. ضمناً هسته‌ی فوق‌الذکر تعدادی شعار تحریم انتخابات و تبلیغ صلح را بر روی مقواهای نسبتاً بزرگ در خیابان منجم تبریز نصب کرده است. یکی از شعارها چنین بوده است:

"خمینی: جنگ، جنگ، اختناق رجوی: صلح، صلح، آزادی"
* تهران:

هسته‌های مقاومت ...

این هسته در روز ۱۹ فروردین، در تعدادی از اتوبوس‌های واحد مسیر جنوب شهر تهران اقدام به شعارنویسی برعلیه انتخابات قلابی خمینی کرده است. از جمله‌ی این شعارها: "تحریم انتخابات یک وظیفه‌ی ملی و مردمی است"، "با تحریم انتخابات سیاست جنگ و اختناق خمینی را درهم بشکنید"، ... بوده است.

* بابل:

هسته‌های مقاومت ...

اعضای این هسته در تاریخ ۲۰ فروردین شعارهای تحریم انتخابات را در خیابان‌های چهارسوق، شهدا، جاده‌ی قائمشهر، گنج‌افروز، به در و دیوار نوشته‌اند. از جمله شیوه‌های دیگر این هسته انداختن اطلاعیه‌ها و تراکت‌ها به خانه‌های مردم در هنگام شب بوده است.

* سمنان:

هسته‌های مقاومت

مجاهد شهید عباس همتی روز ۲۰ فروردین اعضای این هسته در سطح شهر اقدام به شعارنویسی برعلیه انتخابات فرمایشی رژیم و همچنین پرتاب تخم‌مرغ رنگی بطرف تصاویر کاندیداهای خیانتکار رژیم در سمنان نموده‌اند. در گزارشی که از این هسته دریافت داشته‌ایم، در زمینه‌ی درماندگی و استیصال مزدوران رژیم گفته شده که: "مرتب روی شعارهای تحریم انتخاباتی هسته‌ها و هواداران سازمان را رنگ می‌زنند، اما باز مجدداً توسط برویچه‌ها، شعار دیگری نوشته می‌شود."

* لنگرود:

هسته‌های مقاومت ...

فعالین این هسته روزهای ۱۷ و ۱۸ فروردین از طریق پست، اطلاعیه‌ها و تراکت‌های "تحریم" را به خانه‌های مردم ارسال کرده‌اند.

* تهران:

هسته‌های مقاومت

مجاهد شهید سرونز کبیری این هسته در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین تعدادی اطلاعیه و تراکت مینی بر تحریم انتخابات فرمایشی رژیم را در خیابان‌های لاله‌زار، سعدی، سهروردی، فاطمی و تخت طاووس نصب کرده است *

سروده‌های مقاومت

فاطمه کبیری

عنصر موحد

من نمی‌سوزم
و خورشید
گاشانه‌ی گلستان منست

از پای نمی‌نشینیم
از پای نمی‌نشینیم
نه! نه! نه!

از پای نمی‌نشینیم

فردا که میهن من
به دست خلق آزاد می‌شود
با تکیه بر شما
ای به آتش "اوین" در نشستگان
از آستان کعبه‌ی توحید
عنصر موحد
آنک!

مگو که نمی‌توانم
خواهم یارست
ستاره‌ای بر لب
مسللی به دست
طفل آینده بر شانه‌هایم

راهی گل جهان میشود

خورشید بلندست

شهریور ۶۲

دست نسل من بلندتر

یوسف - ج

پیشتازان

آنان که زمزم شب گذشتند
با زورق و پاروی شکسته
طراح افق شدند و اینک:

در خطِ طلائی سحرگاه
در خطه‌ی روشن شکفتن
در خاطر توده‌ها نشسته.

برای میلیشای رزمنده‌ی هسته‌های مقاومت

صدیقه‌شاه‌رخی

میلیشیا، امید فردا

با بیشمار چشم بدرقه‌ات کردم
با بیشمار چشم سرشک آلود
اشک هزار حرف به دل مانده
اشک هزار شوق
و بیشمار امید
در آستان هر سرای، اکنون
چشمان روشن را

چونان در بیچه‌های گشوده بفردها

با خشم می‌گشائی

در جستجوی دژخیمان

برشانه‌های پرتوان تو می‌روید

گل شاخه‌ی تفنگ

و می‌شگوفد بر ماشه‌ها

انگشتانت.

میلیشیا، امید فردا

در بارش مداوم گام تو، در هر کرانه

شب ذره ذره می‌پوسد

و آنسوی شب در انتظار تو

(در انتظار خلق)

در آستان صبح

خورشید بیقرار نشسته است

میلیشیا،

امید فردا

سروده‌ی مجاهد شهید نعمت‌الله خرم دل

ترانه واپسین

* * *
ای کاسبرگ‌های سبزدشت‌های فردا
که گلبرگ‌های خود را رنگین و شاداب
و آزادانه
در آفتاب خواهید گسترد
ترانه‌ی واپسین
و خون ما
ریشه‌های شما را نثار باد.

سرانجام
در فرجام
زمین خونین
در زیر تازیانه‌ی
رگبارهای بیقرار زمستانی
و ضربات خیش خشم آلود صاعقه
شکاف خواهد خورد
خواهد شکفت
رویان

(اگر یک قدم عقب بنشینیم شکست خواهیم خورد)

خمینی جلاد

(رضا)

حتی اگر عقب بنشینیم!

وقتی که خلق
با آرزوی مرگ تو
شب را به روز، می‌رساند
کاری نمی‌توانی کرد
جز آنکه نوچه‌ها را
دندان گروچه کرده بگوئی
"گر یک قدم عقب بنشینیم
مغلوب گشته‌ایم."

با این همه جنایت و کشتار
با این همه خیانت و بیداد
با جنگ
با شکنجه و
زندان
حتی اگر عقب بنشینیم

رفته‌ای

مغلوب گشته‌ای

گزارشی از هفتاد و یکمین کنفرانس

بین المجالس در ژنو و ...

بقیه از صفحه ۳

مالی شده است و صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره میاندازد.

با توجه باین امر که عراق کلیه قطعنامه‌های ذکر شده در بالا را پذیرفته و در ژوئن ۱۹۸۲ اقدام به عقب نشینی نیروهایش تا مرزهای شناخته شده بین‌المللی نموده است.

با یادآوری به کلیه کشورهای نسبت به تعهداتشان براساس پروتکل ژنو - ۱۹۲۵ -

جهت منع استفاده از گازهای خفه‌کننده‌ی سمی در جنگ و منع استفاده از طرق باکتریولوژیک،

کنوانسیون ژنو - ۱۹۴۹ - در مورد چگونگی رفتار با زندانیان جنگی و آزادی بلاوقته و بی‌قید و شرط اسرای غیرنظامی و

قرارداد پاریس - ۱۹۲۸ - در مورد تقبیح جنگ و بیانیه‌ی ژنو

در مورد حقوق کودکان و ممنوعیت فرستادن آنها به جبهه‌های جنگ و همچنین

قراردادها و کنوانسیون‌های ملل متحد در مورد حفاظت از غیرنظامیان و قطع حمله به شهرهای کوچک و بزرگ در زمان جنگ.

با اشتراک نظر کامل با بیانیه‌های رئیس شورای امنیت ملل متحد در تاریخ ۳۰ مارس /

۱۹۸۴ در مورد تخلفات احتمالی از این کنوانسیون‌ها از طرف دو کشور در حال جنگ ایران و عراق.

با توجه به نگرانی خاص نسبت به گزارش (S - 16433)

متخصصین تعیین شده بوسیله دبیرکل سازمان ملل متحد که متحدا نتیجه گرفته‌اند که

سلاح‌های شیمیایی در این جنگ مورد استفاده قرار گرفته و نتیجه‌گیری اینکه این گونه موارد

وجود یک قرارداد بین‌المللی الزام‌آور را بر ممنوع کردن تولید، انبار و استفاده از چنین سلاح‌هایی را مورد تأکید قرار

میدهد.

(کنفرانس بین‌المجالس):

۱۴ - از دبیر کل سازمان ملل متحد می‌خواهد تا با تشکیل کمیسیونی بین‌المللی و با این دید که راهی بجلو بیاید،

مشکلات منطقه را بررسی نماید. (در صورت امکان از طریق

ایجاد برنامه‌ی کار برای یک سلسله مذاکرات صلح جویانه)، اعضای این کمیسیون باید از کشورهای باشند که در

درگیریهای خاورمیانه طرف اصلی نیستند.

۱۵ - تأکید میکند که ادامه‌ی جنگ ایران و عراق و طولانی شدن و گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد.

۱۶ - از اینکه عراق اعلام کرده است که آماده‌ی باجرا در آوردن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد است، استقبال میکند و از ایران نیز دعوت می‌نماید که بهمین شیوه عمل کند.

۱۷ - قطع این جنگ را که وارد چهارمین سال خود شده است و خسارات جدی در مناطق غیر نظامی بجای گذاشته و باعث خسارات جانی سنگینی نیز شده، خواستار است.

۱۸ - از دو کشور متخاصم دعوت میکند که برای حل منازعاتشان به مذاکره روی آورند.

۱۹ - دعوت به یک آتش‌بس فوری و پایان بخشیدن به کلیه عملیات نظامی و همچنین

عقب‌نشینی همه‌ی نیروها تا مرزهای شناخته شده بین‌المللی می‌نماید و این را

بعنوان اولین مرحله در حل این منازعه از طرق صلح‌جویانه و طبق اصول قضائی و حقوق بین‌المللی می‌داند.

۲۰ - از قطعنامه‌ی ۵۴۰ (۱۹۸۳) شورای امنیت که در تاریخ ۳۱ اکتبر/۱۹۸۳ به تصویب رسید، حمایت نموده و با

خوشوقتی ملاحظه میکند که عراق مفاد آنرا مورد قبول قرار داده و از ایران دعوت میکند که باین

قطعنامه که بر حق آزادی کشتیرانی و بازرگانی در آبهای بین‌المللی تأکید می‌ورزد، جواب مثبت دهد و از همه‌ی دول

دعوت می‌کند که این حق را محترم شمرده و همچنین از طرفین متخاصم دعوت بعمل

می‌آورد که فوراً به خصوصت‌های خود در منطقه‌ی خلیج و راههای آبی و قابل کشتیرانی

و همچنین تاسیسات بندری و ترمینال‌ها و یا تاسیسات دریائی آن و همچنین کلیه

بنادری که بطور مستقیم یا غیر مستقیم، راه به دریا دارند،

پایان بخشند و در ضمن دعوت می‌کند که همه‌ی آنها

تأمینت ارضی دیگر دول همجوار را محترم شمرند.

۲۱ - از دول دیگر دعوت میکند که از هرگونه عملی که

اخیرا یکی از نشریات خارج از کشور (ایران‌شهر ۲۶/اسفند/۶۲) خبر از انتشار اطلاعاتی توسط آقای حسن ماسالی داده بود که

گوئیا در تاریخ ۲۵/مهر/۱۳۶۲ عطف به اطلاعیه‌ی ۲۲/شهریور/۶۲ دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت

نوشته شده است. آقای حسن ماسالی در اطلاعیه‌ی خود مسئول و برخی اعضای شورا را به باد

ناسزا گرفته و با اعتراض به تصمیم اجلاس روزهای ۶ و ۷ تیر ماه ۶۲ شورای ملی مقاومت

(اعلام شده در اطلاعیه‌ی ۲۲/شهریور/۶۲ دبیرخانه‌ی شورا) مبنی بر پذیرش "تعلیق عضویت" گروه

متبوع او و اینکه عضویت و شرکت مجدد آن در جلسات شورا منوط به موافقت و رأی

مجدد اعضا شناخته شده بود؛ مدعی گردیده است که چون برحسب آئین‌نامه‌ی داخلی شورا

اخراج هر عضو بایستی "باتفاق آراء" ممکن است باعث ادامه‌ی جنگ

شود خودداری ورزند و از مجالس و دولت‌ها خواهشند

است که تمام کوشش‌های ممکن را برای تسهیل و اجرای قطعنامه‌ی حاضر بکارگیرند.

۲۲ - از همه‌ی دول خاورمیانه و دولت‌های دیگر درخواست میکند که به

تعهداتشان براساس پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد منع استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و یا

گازهای دیگر و طرق جنگ باکتریولوژیک عمل کنند.

همچنین کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد رفتار و حفاظت از اسرای جنگی و آزادی بلاوقته و

بی‌قید و شرط اسرای غیرنظامی، قرارداد پاریس - ۱۹۲۸ - در

مورد تقبیح جنگ، بیانیه‌ی ژنو در مورد حقوق کودکان و ممنوعیت فرستادن آنها به

جبهه‌های جنگ و همچنین کلیه قراردادهای و کنوانسیون‌های سازمان ملل در مورد حفاظت از

غیر نظامیان و قطع حمله (بمباران) به شهرهای کوچک و بزرگ در زمان جنگ را رعایت

کنند.

۲۳ - تولید، انبار و فروش هرگونه سلاح شیمیایی، باکتریولوژیک و دیگر سلاح‌هایی که انسان‌ها را بصورت جمعی نابود می‌سازند را از طرف هر کشور محکوم میکند و آنها را به نابود کردن تمامی ذخایر اینگونه سلاح‌ها دعوت می‌نماید.

اطلاعیه‌ی دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت:

توضیح آقای جلیل گادانی عضو دفتر سیاسی و نماینده‌ی حزب دمکرات

کردستان ایران در شورای ملی مقاومت درباره‌ی دعاوی آقای حسن ماسالی

کردستان ایران و نماینده‌ی این حزب در شورای ملی مقاومت در جوابیه‌ی خود با اشاره به: "نوشته‌ی آقای حسن ماسالی در ایران‌شهر ۲۶/اسفند/۶۲ که طی آن سعی بر آن داشته حزب ما و خلق کرد را حائل قرار داده و با دیگر اعضای شورا برخورد غیر اصولی آنچنانی کند، با توجه به سوابق و مدارک موجود اشعار میدارد:

"اساساً مسالهی اخراج جنبش دمکراتیک انقلابی زحمتکشان گیلان و مازندران" از طرف شورا عنوان نشده، بلکه خود گاک حسن ماسالی یکجانبه‌ی نامی مفصلی شرکت نکردن خویش در جلسات و تعلیق عضویت سازمان خود را در شورا مطرح نموده است.

بی‌گمان برخورد منطقی شورای ملی مقاومت را که پس از بررسی موضوع در اجلاس روزهای ۶ و ۷ تیرماه ۱۳۶۲ بصورت اطلاعیه‌ی تحت عنوان "اطلاعیه‌ی توضیحی" در تاریخ ۲۲ شهریور تنظیم و در نشریه‌ی مجاهد شماره ۱۷۰ درج شده، از طرف نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران نیز تأیید گردیده است.

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج و شورای ملی مقاومت - جلیل گادانی

دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت
۶۳/۱/۱۸

منهای رأی عضو مربوطه" صورت گیرد، علیهذا "تا زمانیکه ما تصمیم به خروج نهایی نگرفته‌ایم شما نیاز به اتفاق آراء برای خروج ما از شورا دارید. بنابراین حتی (اگر) یک نفر از اعضای شورا مخالفت کرده باشد، شما نمی‌توانید حضور نماینده‌ی ما را

در جلسات شورا به رأی‌گیری مجدد واگذار کنید. درباره‌ی مسئله‌ی رأی‌گیری مبنی بر اخراج سازمان ما، از نماینده‌ی حزب دمکرات در این باره سوال

کردیم. آنها می‌گویند رأی به اخراج سازمان ما از شورا نداده‌اند.

بنابراین محتوای اطلاعیه‌ی دبیرخانه‌ی شورا نشان‌دهنده‌ی منش و تفکری است که در درون شورا حاکم است."

از آنجا که تصمیم متخذه در اجلاس روزهای ۶ و ۷ تیرماه ۶۲ باتفاق آراء صورت گرفته و حتی متن اطلاعیه‌ی ۲۲/شهریور/۱۳۶۲

دبیرخانه‌ی شورا نیز در حضور و با موافقت کلیه‌ی اعضا - منجمله نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان

ایران - تهیه شده بود؛ مسئول شورا مراتب را کتبا از نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در شورای ملی مقاومت سوال نمود.

آقای جلیل گادانی عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات

کردستان

کردستان

کردستان

کردستان

دیدار لرد ویلیام مالوی با برادر مجاهد مسعود رجوی

بقیه از صفحه ۲

جامع در محکومیت رژیم خمینی و حمایت از مبارزات مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت و طرح صلح شورا در کنگره‌ی حزب.

۱۲ - ارسال پیامهای ویژه تسلیت به مناسبت دومین سالروز ۱۹ بهمن خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی توسط نیل کیناک رهبر جدید حزب،

اریک هفر رئیس حزب، مورتیمر دبیرکل حزب، دینس هیلی وزیر امور خارجه‌ی کابینه سایه‌ی حزب، استانیلی ارم وزیر انرژی کابینه سایه، پیتر آرچر وزیر امور ایرلند شمالی در کابینه سایه، جان اوانس عضو کمیته‌ی اجرائی و استن نیوتنز از مسئولین روابط خارجی و گروهی دیگر از نمایندگان حزب کارگر در پارلمان

۸ - حمایت و شرکت گسترده‌ی برخی از مقامات عالی‌رتبه‌ی حزبی در تظاهرات ۱۹ بهمن در فوریه ۸۳، منجمله شرکت آقای اریک هفر رئیس حزب به نمایندگی از طرف حزب و ارسال پیام.

۹ - حمایت و شرکت در تظاهرات سالگرد ۳۰ خرداد سال ۶۲ (۲۰ ژوئن/۸۳)

۱۰ - دعوت از مسئول و نمایندگان شورای ملی مقاومت جهت شرکت در کنگره‌ی حزب در اکتبر ۱۹۸۳

۱۱ - تصویب قطعنامه‌ی

میلاد خجسته نخستین پیشوای تشیع انقلابی

حضرت علی (ع) گرامی باد

بقیه از صفحه اول

بر "اصول" خود، پای می‌فشرد و فقط آنرا بر "کسب قدرت سیاسی" مرجع می‌شمرد و چه در هنگام بدست گرفتن زمام حکومت که به محض احراز قدرت، انگشت روی "حق مردم" گذاشت و نخستین اطلاعیه خود را با این جمله آغاز کرد که "این حقوق را جهت استرداد به صاحبانش باز خواهد ستاند حتی اگر به کابین زنان رفته باشد" (خطبه ۱۵ نهج البلاغه)

بدیهی است که عظمت ابعاد همه جانبه شخصیت علی (ع)، بسی فراتر از آنست که تشریح آن در این مختصر امکان پذیر باشد. ما بالاترین افتخار و سرافرازی عقیدتی را برای خود در این میدانیم که بتوانیم در رفتار و عملکردهای خود چه در زمینه‌های سیاسی و مبارزاتی و چه در ابعاد تشکیلاتی و یا فردی، حداکثر انطباق و یگانگی را با سیره مقتدای تاریخی خود ایجاد نموده و در همه حال به او ناسی نمائیم.

"مجاهد" ضمن تبریک خجسته سالروز میلاد حضرت علی (ع)، برای کلیه رهروان راه این پیشوای بزرگ و همه کوشندگان راه آزادی و صلح و عدالت، ثبات قدم و توفیق روزافزون آرزو می‌نماید.

اجتماع انسانی، در سراسر تاریخ جریان داشته است. مخصوص برای مجاهدین خلق ایران که بعنوان یک نیروی انقلابی مسلمان نخستین درس‌های توحید انقلابی خود را از مکتب علی (ع) و نهج - البلاغه‌ی او فراگرفته‌اند، این الیاهم‌گیری، جامعیت و ابعاد فراگیرتری می‌یابد که معنای عملی آن نیز درس‌آموزی و سرمشق فرار دادن او در کلیه شرایط و موقعیت‌های نبرد سخت و سرنوشت‌سازی است که اکنون درگیر آن هستیم؛ چرا که مقاومت و مبارزه‌ی کنونی نسل انقلابی مجاهد برای برانداختن رژیم دجال و ضد بشری خمینی، بلحاظ تاریخی منبعث از همان پیام رهایی‌بخش تشیع سرخ علوی است و بنابراین در کلیه مقاطع و بر سر همه بزرگانها و نقاط عطف و تصمیم‌گیری‌های حساس آن، قاعدتا بایستی تداعی کننده‌ی راه و رسم علی (ع) باشد. چه آن سالیان درازی که با بت پرستی آشکارا مبارزه میکرد؛ و چه آن هنگام که مکتب و میراث انقلابی را از حلقوم امثال معاویه و حضرات طلحه و زبیر و یا مرتجعین خوارج بیرون می‌کشید؛ و چه آن زمان که با سرسختی تمام

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

بقیه از صفحه اول

در نهایت حاصلی جز ادامه‌ی حیات رژیم ارتجاعی خمینی نخواهد داشت.

۲ - شورای ملی مقاومت کماکان عقیده دارد که رژیم خونخوار خمینی جنگ را بهترین دستاویز برای سربوش گذاردن بر مسائل و مشکلات بزرگ جامعه‌ی ایران و پرده‌پوشی جنایات وصف‌ناپذیرش در زمینه‌ی سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی میدانند، و از همین رو پذیرش صلح را، بدرستی معادل فراهم آوردن شرایط سرنگونی خود تلقی می‌کند.

تاکنون نزدیک به یک میلیون نفر از مردم ایران در راه ادامه‌ی این جنگ غیرانسانی و وحشیانه، کشته یا زخمی یا معلول شده‌اند و خسارت ناشی از جنگ، تا امروز به چند صد میلیارد دلار بالغ میگردد. بنابراین نه تنها بخاطر فراهم آوردن شرایط سرنگونی رژیم خمینی، بلکه همچنین برای پرهیز از تلفات انسانی و خسارات مادی هول‌انگیزی که سیاست ادامه‌ی جنگ برای دو ملت ایران و عراق در پی دارد، با فشاری و پی‌گیری در زمینه‌ی پیشبرد سیاست صلح، امری اساسی در جهت تأمین منافع مردم است. شورای ملی مقاومت، مایل است بار دیگر اعلام کند که گامهایی که تاکنون در این راه برداشته شده‌اند (ملاقات مسئول شورای ملی مقاومت با نایب نخست‌وزیر

عراق، تهیه‌ی یک طرح صلح و تلاش برای به تصویب رساندن آن در مجامع و سازمانهای بین‌المللی، آکسیونهای ویژه‌ی تبلیغ صلح در ایران، فراخواندن سربازان به عدم اطاعت از عمال جنگ‌طلب خمینی و رها کردن جبهه‌های جنگ برای پیوستن به نیروهای مقاومت و درخواست قطع بمباران شهرها و روستاهای کشور) نه تنها کاملا مورد تأیید، بلکه شایان تحسین‌اند. شورای ملی مقاومت، بعنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک با توجه به برنامه‌ی شورا و دولت موقت، در آینده نیز برای پیشبرد طرح صلح خود براساس حفظ منافع و مصالح ملت ایران، از هرگونه کوشش و ابتکاری که بسود مردم ایران تشخیص دهد، دریغ نخواهد کرد. شورای ملی مقاومت، سیاست دفاع پیگیر از صلح را، عین میهن‌دوستی و دارای محتوای پیشرو و انسانی میدانند.

۳ - شورای ملی مقاومت، تذکر این نکته را لازم میداند که آقای مسعود رجوی، مسئول و سخنگوی این شورا است و بنابراین اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های او را باید حاصل مباحثات و تصمیم‌گیری‌های شورای تلقی کرد.

۴ - بنابراین شورای ملی مقاومت تغییر سیاستی نداده و

همچنان بر سر مواضع اصولی خود استوار ایستاده است و اعضای آن کماکان بر التزام خود در قبال برنامه‌ی شورا و دولت موقت و سایر مصوبات و طرحهای شورا تأکید می‌ورزند و در آینده نیز با گامهای استوارتر در چارچوب همین مواضع - که در واقع مواضع انقلاب ایران است - به پیش خواهند رفت. همگان میدانند که اکثریت عظیم شهدا و زندانیان جنبش رهاییبخش مردم ایران به این شورا تعلق دارند و شورای ملی مقاومت تاکنون گزافترین خوبیهای ممکن را در میدان عمل برای آزادی، استقلال، حاکمیت مردمی و عدالت اجتماعی در ایران پرداخته است.

حزب و سازمانهای عضو شورا:

- استادان متعهد دانشگاهها و مدارس عالی کشور
- جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران
- جمعیت اقامه
- حزب دمکرات کردستان ایران
- حزب کار ایران (توفان)
- سازمان مجاهدین خلق ایران
- کانون توحیدی اصناف
- شورای متحد چپ
- و شخصیت‌های عضو شورا:
- کاظم باقرزاده
- سروان حمید زیرکباش
- مهدی سامع
- منوچهر هزارخانی
- و چند امضای دیگر

۲۳ فروردین (۱۰ رجب)

ولادت حضرت امام محمدتقی (ع)

نهمین پیشوای شیعیان

راه تمامی پیروان راه آن حضرت

تبریک می‌گوئیم

تصحیح و پوزش:

در صفحه اول شماره قبل (۱۹۷) به مناسبت شهادت حضرت امام علی‌النقی‌دهمین پیشوای شیعیان جهان، اشتباه عبارت "نهمین پیشوای شیعیان جهان..." نوشته شده بود که بدینوسیله با تصحیح آن پوزش می‌طلبیم.

طالبانی در اعتراض به اقدامات ارتجاعی پاسداران خمینی دجال

* ۲۴ فروردین (۱۳۶۱): شهادت قهرمانانه‌ی پیشمرگان دلیر مجاهد خلق محسن خضری، کاظم معیری و افسر انقلابی ارتش حسین معیری در جریان حماسه‌ی خونین "دوشان" (سنندج)

* ۲۶ فروردین (۱۳۶۱): شهادت مجاهد قهرمان، شهید مقدس علی‌پورا برهیمی طی عملیات فدایی مجازات احسان‌بخش خائن و جنایتکار

* ۲۶ فروردین (۱۳۶۱): شهادت پیشمرگه‌ی مجاهد خلق محمود قاسمی نژاد

* ۲۶ فروردین (۱۳۶۲): شهادت پیشمرگه‌ی مجاهد خلق احمد بوغداچی

* ۲۸ فروردین (۱۳۵۲): شهادت مجاهد خلق هوشمند خامنه‌ای زیر شکنجه‌ی دژخیمان ساواک

* ۲۹ فروردین (۱۸/آوریل/۱۹۸۰): استقلال زیمبابوه



تقویم هفته: ۲۳ تا ۲۹ فروردین ۱۳۶۳

* ۲۳ فروردین (۱۳۵۹): شهادت میلیشیای مجاهد خلق رضا حامدی توسط مزدوران ارتجاع، در خمین

* ۲۴ فروردین (۱۳۵۷): پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان قصر

* ۲۴ فروردین (۱۳۵۸): هجرت تاریخی پدر -

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

دیدار لرد ویلیام مالوی با برادر مجاهد مسعود رجوی



با هیئت پارلمانی انگلستان کنفرانس بین‌المجالس شرکت کرده بود، به دیدار برادر مجاهد مسعود رجوی آمد. کنفرانس مزبور هفته‌ی گذشته در ژنو برگزار شد و در همین شماره گزارشی پیرامون آن خواهید خواند. بقیه در صفحه ۲

گذشته، نمایندگی مجلس عوام انگلیس و نمایندگی پارلمان اروپا را نیز به عهده داشته است. وی از مقامات عالی‌رتبه‌ی حزب کارگر و همچنین عضو عالی‌رتبه‌ی انجمن سلطنتی جغرافی دانان بریتانیا می‌باشد. لرد مالوی پس از آنکه همراه

یکشنبه‌ی گذشته ۱۹/فروردین ماه، لرد ویلیام مالوی (MOLLOY) نماینده‌ی (دائمی) مجلس اعیان انگلستان با برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، دیدار و گفتگو نمود. لژد مالوی صرف‌نظر از مسئولیتهای مختلف دولتی در

نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌ها

انتخابات!

وهراس رژیم از آشکار شدن انزوای کامل اجتماعی و سیاسی خود

مدتی است که سردمداران رژیم سفاک و خون‌آشام خمینی همزمان با نزدیک شدن "انتخابات" مجلس ضد خلقی، یک به یک به صحنه آمده و "مردم" را به "حضور در صحنه" و شرکت در انتخابات فرمایشی خوانند. در همین رابطه خمینی دجال و ضدبشر که ذره‌ای اتهام ملیت و انسانیت و اسلامیت به او نمی‌چسبد، شرکت در انتخابات فرمایشی را یک "وظیفه و تکلیف" "شرعی" "ملی" و "انسانی" قلمداد کرده و از "همه‌ی قشرهای ملت" نیز خواسته است تا برای حفظ "اسلام" و "کشور" (اسامی مستعار خمینی دجال) در حوزه‌های رأی حاضر شوند و انتصابات نامشروع او را تأیید نمایند. از سوی دیگر از آنجا که خمینی از "انزوای کامل اجتماعی" و میزان "منفورت" رژیم خود در نزد توده‌های مردم، بخوبی آگاه است؛ با دجالگری عنوان می‌کند که: "مردم اگر از من گله دارند از اسلام سرد نشوند" و "اگر یک ظالم خلاف کرد، اسلام که نکرده". اما او سرانجام حرف آخر بقیه در صفحه ۲۲

پاسخ به نامه‌های رسیده

در صفحه ۲۱

نامه‌های خود را برای "مجاهد" وهم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش

Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه

B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکتب کنید:

B.P.18 95430
AUVERS-SUR-OISE
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°:58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002

در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان!

در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تأثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____

بهای اشتراک:

سه ماهه
 شش ماهه
 یکساله
معادل ۱۲ دلار
/ ۲۲ دلار
/ ۴۴ دلار

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پانسانان سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی